
۴
روابط دختر و پسر

بسم الله الرحمن الرحیم

# پرسش ها و پاسخ های قرآنی

نویسنده:

محمد علی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# پرسش ها و پاسخ های قرآنی (روابط دختر و پسر ۲) جلد ۸

## مشخصات کتاب


عنوان و نام پدیدآور : روابط دختر و پسر [کتاب]/جمعی از پژوهشگران قرآنی [مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی]. ؛ زیر نظر محمدعلی رضایی اصفهانی.

مشخصات نشر : قم: انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۳۸۴ ص.

فروست : پرسش های قرآنی جوانان؛ ج.۴.

شابک : ۵۷۰۰۰ ریال:ج.۹۷۸-۹۶۴-۴:۹۷۸-۲۵۳۴-۸۰-۷ ؛ ۶۲۵۰۰۰ ریال:دوره:۹۷۸-۹۶۴-۲۵۳۴-۸۸-۳

یادداشت : کتابنامه: ص. ۳۶۲ - ۳۸۴، همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : قرآن -- پرسش ها و پاسخ ها

موضوع : جوانان -- جنبه های اخلاقی

موضوع : جوانان -- راه و رسم زندگی

موضوع : اخلاق جنسی جوانان

موضوع : نوجوانان و جوانان -- وضع اجتماعی

موضوع : جوانان مسلمان

شناسه افزوده : رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۴۱ -

شناسه افزوده : مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی (عج)

شناسه افزوده : پرسش های قرآنی جوانان؛[ج.] ۴.

رده بندی کنگره : BP۶۵/۲/پ۴ ۴.ج ۱۳۹۰

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۰۷۶

شماره کتابشناسی ملی : ۲۶۶۵۸۰۲

ص :۱

## اشاره

## درآمد:

قرآن کریم نوری همواره تابان است که بر اندیشه ی بشر تابید و راه انسان ها را روشن ساخت، این کتاب منبع عظیم معرفتی و سفره ای الهی است (۱) که می تواند نسل های بشر را از زلال معرفت خویش سیراب سازد؛ و مقام دانش و دانشمندان را ارج می نهد و عالمان و جاهلان را مساوی نمی داند، (۲) بلکه با اشارات متعدد به مباحث علوم تربیتی، کیهان شناسی، زیست شناسی، رویان شناسی و روح و روان انسان بلکه با اشاره به مسائل فرا روانشناسی، حسّ کنجکاوی و پرسشگری انسان را تحریک می کند و زمینه رشد علوم را فراهم می سازد. (۳)

ص:۱۳

---

۱- (۱) . عن النبی(صلی الله علیه و آله): القرآن مأدبهٔ اللّٰه فتعلموا مأدبته ما استطعتم. (بحار، ج ۹۲، ص ۱۹)

۲- (۲) . هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون. (زمر / ۹)

۳- (۳) . نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، از نگارنده.

پرسش کلید دانش است. (۱) و ذهن پرسشگر ارجمند است، و وظیفه دانشمندان دریافت پاسخ از منابعِ قرآن، حدیث، عقل و علوم تجربی و ارائه آن به تشنگان حقیقت است.

از این رو جمعی از پژوهشگران حوزه و دانشگاه گردهم آمده و با تأسیس «واحد پاسخ به پرسش های تخصصی قرآن و علم»، و ارسال پرسش نامه به دانشگاه های مختلف، به گردآوری پرسش ها و ارائه پاسخ پرداخته اند و حاصل تلاش این عزیزان در این مجموعه گردآوری شده است.

بنده که از آغاز با این عزیزان همراهی داشته ام، شاهد تلاش علميِ همراه با تعهد آنها بوده ام، که در حد توان کوشیده اند پاسخ های مناسب و متین ارائه نمایند. البته برخی پرسش ها نیز از طریق شنوندگان محترم رادیو قرآن دریافت شده و در برنامه پرسش و پاسخ قرآنی آنجا پاسخ داده ایم که به این مجموعه اضافه شده است.

امیدوارم خدای متعال این خدمت علمی و قرآنی را از همه ی ما بپذیرد و در پرتو قرآن و اهل بیت(علیه السلام) پاداش نیک عطا فرماید!

از آنجا که واحد تخصصی پاسخ به پرسش های قرآن و علم، مشمول حمایت ویژه «ستاد پاسخگویی به مسائل مستحدثه دینی دفتر تبلیغات» بوده، بر خود لازم می دانیم از مسئولین محترم ستاد تشکر کنیم.

ص:۱۴

---

۱- (۱) . عن علی(علیه السلام): العلم خزائن و مفاتیحها السئوال (غررالحکم، میزان الحکمهٔ، ج ۴، ص ۳۳۰)

در ضـمن از خواننـدگان محترم درخواست داریم که مـا را از راهنمـایی و پیشـنهادات و انتقادات خویش محروم نفرماینـد و از جوانان عزیز می خواهیم که اگر پرسش هایی در زمینه قرآن و علم دارند، به آدرس ما ارسال فرمایند. (۱)

با سپاس

دکتر محمدعلی رضائی اصفهانی

قم - ۸۵/۶/۷

ص:۱۵

---

۱- (۱) . آدرس: قم، خیابان معلم، معلم ۹، جنب هتل یثرب، کوچه شهید محمدحسن احمدی، کوی نور، پلاک ۹۱ تلفن، پیام گیر، نمابر: ۰۲۵۱ ۷۷۳۹۰۰۲ / ص . پ: ۴۱۶ - ۳۷۱۸۵ - قم Email: quran quransc.com info quransc.com WWW.quransc.com

# فصل اول: ازدواج

## اشاره

ص:۱۷

پرسش:

**نظر قرآن در باره خواستگاری و مقدمات آن چیست ؟**

پاسخ:

درآمد:

در آغاز گسترش جامعهٔ انسانی، مسئله روابط میان پسر و دختر در جوامع مطرح بوده است و این چیز تازه ای نیست، لیکن در دوران توسعه سیاسی، اجتماعی و ظهور رسانه های ارتباط جمعی، سمعی و بصری،این مسئله شکل دیگری به خود گرفته و با نگرشی نو دوباره مطرح شده است، به ویژه که در محیطهایی مانند دانشگاه،سینماها، پارک ها، خیابان ها و مانند آن ها که نمود بیشتری پیدا می کند، این مسئله می تواند بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

بر این اساس، اگر بخواهیم در این زمینه موفقیتی داشته باشیم و تا حدی دغدغهٔ خاطر خود را برطرف نماییم،می باید راهکارهای درست را بیابیم و الگوی مناسب با فرهنگ جامعهٔ اسلامی را به نسل جوان نشان دهیم. امری که باید گفت با همهٔ اهمیتی که دارد. و دل مشغولی را که برای متولیان امور

اجتماعی، فرهنگی و دینی فراهم کرده است، متأسفانه کم تر مورد توجه جدی قرار گرفته است.

به هر صورت، در این نوشتار کوتاه تلاش برآن است تا از منظر قرآن به موضوع نگریسته و دیدگاه وحی طرح شود.

دیدگاه ها

در خصوص روابط دختر و پسر سه دیدگاه عمده و یا به تعبیر درست تر، سه فرض وجود دارد که ضروری است اشارتی کوتاه بدآن ها داشته باشیم.

۱. آزادی ارتباط

بر پایهٔ این دیدگاه، دو جنس مخالف به هر نحو که خواسته باشند، اعم از گفت و شنود ، مسافرت، رفاقت، تماس بدنی و حتی کام گرفتن از یکدیگر می توانند با هم روابط داشته باشند، به این گمان که هرگونه محدودیت باعث فزونی میل و رغبت می شود.

این که عامل رویکرد به این نظریه چیست و مروج این طرز تفکر کیست، بررسی جداگانه ای می طلبد که از حوصلهٔ این نوشتار خارج است، ولی به اجمال می توان گفت: خواستگاه این تز و مهد کنونی این ارتباط افسار گسیخته، جهان غرب به خصوص آمریکا و اروپای غربی است و معماران اصلی آن امثال «برتراند راسل» و «فروید» می باشند. (۱)



---

۱- (۱) . اخلاق جنسی، مرتضی مطهری، ص ۲۲ و ۳۶.

۲. پرهیز از هر گونه ارتباط

مطابق این دیـدگاه، زن و مرد، پسـر و دختر حق ندارنـد کم ترین ارتباطی با هم داشـته باشـند؛ خواه ارتباط مکالمه ای باشـد یا مکـاتبه ای و خواه بـا نگـاه باشـد یـا در گفتار، و در نتیجه نبایـد گـذاشت این دو جنس مخالف حتی در شـعاع دیـد و صـدای یکدیگر قرار گیرند.

این نظریه بیشتر جنبه بهداشت اجتماعی - دینی دارد، و به عنوان راهکاری برای جلوگیری از فساد اجتماعی جامعه پیشنهاد می شود.

۳. میانه روی

طبیعی است که میـان دو دیـدگاه افراط و تفریـط همواره نظر سومی مطرح می شود؛ زیرا آن دسـته از انسـان هـا که از اندیشـهٔ متعادل برخوردارنـد، با نامعقول دانسـتن فرض اول، و ناممکن دانسـتن فرض دوم، راه سوم را بر می گزینند، نقاط منفی هر دو دیدگاه را نادیده گرفته و نقاط مثبت هر دو را برمی گزینند.

دیدگاه قرآن

از آن جـا که قرآن کریم مبیّن عـدل در تکوین، بیان کننـده اعتـدال در تشـریع و بیانگر عـدالت اخلاقی است، می توان گفت: فرض اخیر به دیدگاه قرآن نزدیک تر بوده، و این همان نظریه ای است که در ادامهٔ بحث بدان خواهیم پرداخت.

پرسش:

## اصول اولیه در نگاه و گفتگو قبل از ازدواج چیست ؟

پاسخ:

برای دست یابی به موضع اسلام نسبت به نگاه و گفتگو در روابط پسر و دختر،ابتدا لازم است اصولی کلی ترسیم شود،تا روشن گردد ا صل در نمادهای روابط، جواز است یا ممنوعیت؟

این اصول عبارت است از:

۱.چشم و گوش و زبان، برای دیدن ، شنیدن و گفتن

شکی نیست که وظیفهٔ هریک از اعضای بدن انسان همان است که دست قدرتمند آفرینش آن را برایش معین کرده است، و وظیفهٔ اصلی، این سه عضو مهم منهای برخی وظایف دیگر، نیز همان است که برای آن ها مقرر شده است، چشم برای دیدن، گوش برای شنیدن و زبان برای گفتن؛ پس نباید آن را تعطیل کرد و یا از آن ها کاری خواست که از عهدهٔ آن ها بر نمی آید.

۲. افزایش آگاهی و شناخت

بدیهی است که نگاه، گفتن یا شنیدن برای افزایش شناخت و آگاهی انسان است. نگاه به مظاهر طبیعت، انسان را به شناخت هرچه بیشتر چیزها

ص:۲۳

می رساند، و به اصطلاح فرهنگ دینی، او را به یاد آفریننده و سازندهٔ آن می اندازد، و سر انجام کارایی و انواع بهره دهی آن را تداعی می نماید. گفتگوی انسان ها نیز برای انتقال معلومات، کسب آگاهی،بیان نیازمندی ها و آموزش است.

قرآن کریم نیز این اصل را مورد تأکید قرار داده، و به چشم و گوش به دیدهٔ ابزار شناخت نگریسته است؛ چشم را وسیلهٔ دیدن آیات تکوینی، و گوش را وسیلهٔ شنیدن آیات تشریعی، و زبان را وسیلهٔ تشریح و تفسیر هر دو قرار داده است.

۳. انسان مظهر آیات الهی

وجود جسمانی و روحانی انسان به عنوان یکی از مظاهر آیات الهی، بلکه از مهم ترین آن هاست. که خود آفرینندهٔ آن پس از خلقتش فرموده است: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ؛ (۱)و خجسته باد خدا، که بهترین آفرینندگان است!» و نیز فرموده است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ؛ (۲)بیقین انسان را در بهترین (نظام معتدل و) استوار آفریدیم»، و اگر دربارهٔ حیوانی بیابانگرد می فرماید: «أَفَلَا يَنظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ؛ (۳)و آیا به شتر نظر نمی کنند.»



---

۱- (۱) . مؤمنون، ۲۳

۲- (۲) . تین، ۴

۳- (۳) . غاشیه، ۱۷.

۴. التذاذ طبیعی

هر یـک از قوای ظـاهری و باطنی انسان در راسـتای اهـداف مقرر آن ها، به لـذت های طبیعی خود نیازمنـد است و بایـد بـدان برسـد، زیرا انسان در هریک از ابعاد وجودی خویش، با پاسـخ مثبت به خواسـته ها و خواهش هایش لذت می برد؛ یعنی همان گونه که انسان در بعـد جسـمی با رسـیدن به غـذا،آب، میوه و لباس لـذت می برد، مهر،محبت، عاطفه و نیز شـعر برای روح او لذت بخش است؛ به کار گرفتن چشم، گوش و زبان نیز مایه التذاذ طبیعی انسان خواهد بود.

۵. آزادی

افزون بر آنچه گفته شـد، محدود کردن افراد انسان در روابط با دیگران با اصل آزادی ناسازگار است؛ زیرا انسان آزاد آفریده شده و باید در روابط اجتماعی اش معاشرت آزاد داشته، و میان آن ها هیچ حریمی وجود نداشته باشد.

بر پایـهٔ این اصول که برخی از آن ها تا حدی توجیه کنندهٔ دیدگاه نخست می باشد، هر فرد انسانی مجاز است به دیگری نگاه کند، با او به گفت و شنود بپردازد و یا به شکل های دیگر رابطه داشته باشد.

ص:۲۵

نتیجه سخن

نتیجهٔ این اصول به ظاهر جواز هر نوع ارتباط نگاه و گفتگو میان پسر و دختر و به طور کلی زن و مرد است؛ اما حقیقت چیز دیگری است، و اگر نگوییم اصول دیگری را باید ترسیم کرد، دستکم این اصول دارای استثناهایی است که در نهایت نتیجهٔ دیگری را در پی خواهد داشت که در تبیین دیدگاه قرآن بیان خواهیم داشت.

ص:۲۶

پرسش :

## نگاه به جنس مخالف از منظر قرآن چگونه است ؟

پاسخ:

با نگاهی به آیات قرآن درمی یابیم که قرآن ضمن تأیید مفاد اصول ذکر شده، توصیه می کند تا از ابزار ادراکی خود به ویژه دیدگان و گوش استفاده کنند، و اگر می فرماید: به حیوان [شتر]، آسمان، کوه ها و زمین بنگرید که چگونه آفریده، افراشته، نصب و گسترده شده است ، این موارد برای نمونه و مصداق بیان شده است و منحصر به این ها نیست.

اما در اولین استثنا برای این اصل انسان را از دائرهٔ فراگیر و مطلق نگاه کردن بیرون می کند و می فرماید: «قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يُغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ...

وَقُل لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ؛ [ای پیامبر] به مردان با ایمان بگو چشم های خود را فرو بندند... و به زنان با ایمان بگو چشم های خود را فرو گیرند. (1)»

ص:27

---

1- (1) . نور، 30.

بررسی آیه

تشریع احکام در قرآن کریم با تعبیرهای گوناگونی صورت گرفته است. گاهی با تعبیر «کتب» آمده است؛ مانند: «کتب علیکم الصیام و ...» گاهی با فعل امر و نهی بیان شده است؛ مانند: «اقیموا الصلوة»، «اغسلوا وجوهکم» ، «جاهدوا الکفار» و «لا تأکلوا اموالکم» و«لا تنکحوا ما ...»، گاهی به صورت جملهٔ خبری تشریع شده است مثل: «الطلاق مرتان» و «لایحل لکم» گاهی با بیان وصف اعلام نموده است؛ همچون: «ماء طهوراً» و... و در این آیهٔ مورد بررسی، خداوند سبحان با فعل مضارع که توأم با تأکید است، بیان فرموده؛ زیرا این گونه تعبیرها، بیانگر انجام شدن موضوع است؛ بدین معنا که صادر کنندهٔ حکم می گوید: این کار را انجام می دهد!

به هر صورت، این آیه مشتمل بر بیان حکم نگاه کردن زن و مرد به یکدیگر است و حکم نیز از نوع تحریمی یعنی ممنوعیت می باشد.

نکتهٔ بسیار لطیفی که در آیه وجود دارد، به کار رفتن واژهٔ «غضّ» و «بصر» به جای غمض و عین است. «غض» به معنای کوتاه کردن نگاه و صداست، (۱) در حالی که «غمض» به معنای بستن چشم است، و «عین» به معنای چشم و عضو مخصوص است، ولی «بصر» اگرچه در معنای مرادف با «عین» می باشد، کاربرد آن بیشتر دربارهٔ دیدن (عمل کرد چشم) است.



---

۱- (۱) . مقائیس اللغه، مادهٔ غض.

ملاحظه می شود که قرآن نمی گوید زنان و مردان چشمان خود را ببندند، بلکه می گوید: نگاه ها را کوتاه کنند و به یکدیگر خیره نشوند.

دربارهٔ شأن نزول آیه می نویسند: جوانی در مسیر خود با زنی روبه رو شد و چون در آن زمان، زنان مقنعهٔ خود را پشت گوش ها قرار می دادند و به طور طبیعی بخشی از بدن [گردن و سینه] زن نمایان بود، چهرهٔ آن زن. نظر جوان را به خود جلب کرد و چشم خود را به او دوخت. هنگامی که آن زن گذشت، جوان همچنان با چشمان خود او را تعقیب می کرد، در حالی که راه خود را ادامه می داد، تا این که وارد کوچهٔ تنگی شد و باز همچنان به پشت سر خود نگاه می کرد که ناگهان صورتش به دیوار خورد و زخم شد، بلافاصله خدمت پیامبر(صلی الله علیه و آله) آمد و حکم مسئله را جویا شد که در پی آن، این آیه نازل گردید. (۱)

راز پرهیز از نگاه

در بدو نظر و با توجه به اصول گذشته چنین می نماید که انسان باید از این ابزار ادراکی کمال بهره برداری را بنماید و لذت های طبیعی هر عضو از جمله چشم را تأمین کند. آزادی انسان به او حکم می کند تا به هرچه بخواهد نگاه کند؛ پس چرا ممنوعیت و چرا محدودیت؟



---

۱- (۱) . وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۸.

در پاسخ باید گفت که استفادهٔ کامل از عضوی مانند چشم، گوش و ... همیشه به این نیست که هر آنچه در شعاع دیدش قرار می گیرد، ببیند، یا به هر صدایی که در فضای زیست او وجود دارد، گوش فرا دهد. مگر هر دیدن و شنیدنی می تواند انسان را به شناخت جدید و معرفتی نو سوق دهد؟ مگر هر عکس و نقشی که از شبکهٔ چشم و هر صدایی که از پنجره گوش به صفحه ادراک انسان برسد می تواند کمک کار انسان در رفع نیازهای مادی و معنوی او باشد.؟

آیا واقعاً نگریستن به پیکر و هیکل انسان به خصوص جنس مخالف و به ویژه افراد صاحب جمال و موزون می تواند مفسر آیات تکوین باشدو یا شنیدن صدای آن ها می تواند شارح آیات تشریع گردد؟ آیا به همان اندازه که انسان با نگاه کردن به کوه، دشت، دریا ،افلاک، کواکب و ... کسب معرفت می کند، از نگاه به انسان ها نیز می تواند معرفت حاصل نماید؟

مگر می شود به همهٔ لذت های طبیعی پاسخ مثبت داد؟ و اصلاً مگر گسترهٔ همهٔ لذت ها یکسان است تا با همهٔ آن ها به یک شیوه برخورد کرد؟ مگر نه این است که خواهش جسمانی انسان با مقداری خوردنی، آشامیدنی و پوشاک اشباع می شود و پس از سیر شدن به لذیذترین غذاها و گواراترین نوشیدنی ها میلی ندارد، و حتی روح انسان نیز پس از چندی از شعر، سخنان موزون، محسنات لفظیه و محسنات معنویه خسته می شود؟!

اما در آن سوی، غریزهٔ جنسی هرگز سیری ندارد و هرچه بیشتر بدان پاسخ مثبت داده شود، ولع آن افزون می شود و بسان آتش که هرچه بر مواد

سوختی آن افزوده شود، شعله ورتر می گردد و به قول شهید مطهری: غریزهٔ جنسی غریزه ای نیرومند، عمیق و دریا صفت است که هرچه بیشتر اطاعت شود، سرکش تر می شود. (۱)

غریزهٔ جنسی افزون بر آن که در درون همچون کورهٔ آتش می سوزد، از دریچه های گوش، چشم و لمس نیز پشتیبانی می شود و به وسیلهٔ این ابزار صدا برداری، تصویر برداری و سایش، بیش از پیش تهییج می شود و گویا با هر عکس، تصور، صدای جدید و تخیل شهوانی به نوعی تجدید قوا می کند، و چنان به پیش می رود که اگر به فرض از نیمی از افراد جنس مخالف و موافق کام بگیرد، از نیم دیگر نیز چشم نمی پوشد، و به خصوص در مرحلهٔ نگاه کردن این گونه نیست که با یکی دو نگاه،به دو یا چند نفر و شنیدن صدایشان سیر شده و دیگر میلی بدان نداشته باشد، بلکه چنان است که هرچه بیشتر نگاه کند، تشنه تر می شود؛ از این رو است که امام صادق(علیه السلام) می فرماید: «لایشبعن العین من النظر و الانثی من الذکر؛ چشم از نگاه کردن و زن از مرد سیر نمی شود.» (۲) بنابراین، برداشتن حریم میان پسر و دختر و آزادی معاشرت آن ها، ثمره ای جز التهاب جنسی در پی ندارد و با اندکی پیشرفت، تقاضای سکس را به عطشی روحی و خواستی سیرناشدنی بدل می کند.



---

۱- (۱) . ر.ک، مسأله حجاب، مرتضی مطهری، ص ۶۹

۲- (۲) . ر.ک، بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۱.

اگر واقعاً می پـذیریم که انسـان در بعـد غریزهٔ جنسـی نیز نیازمنـد به آرامش است، نمی شـود او را به ابزار گونـاگون سـمعی، بصـری و سایشی تحریک و تهییج کرده و سپس بخواهیم با ارضای آن، این دیو وحشی و غریزهٔ دیوانه آرام شود، بلکه باید به نیاز طبیعی او تا حـدّی پاسخ مثبت داده و ارضاء شود و از بقیه جلوگیری کرد و این جا است که اسـلام در برابر اخلاق جنسـی نوین امروز غرب، که همان اخلاق جنسی فرسودهٔ جاهلیت می باشد، اخلاق جنسـی دیگری را برای بشر ارائه کرده است، و بر اسـاس آن، حکم محـدودیت روابـط میـان زن و مرد، پسر و دختر، و نیز پسـر با پسـر، یا دختر با دختر، در حوزهٔ نگاه ،تماس ، گفتگو و دیگر تمتعات را قرار داده است؛ چنان که امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

«اجتنب المسّ و القبلـهٔ و النظر، فانّها سـهم من سـهام ابلیس؛ از تماس [بـدنی] و بوسـیدن و نگاه کردن برحذر باشـید که این ها تیرهای شـیطان هستند.» (۱) و بالاـتر این که از نگـاه، بوسـیدن و لمس کردن به زنـای چشم، لب و دسـتان یـاد می کنـد و می فرماید:

«فزنـا العینین النظر، و زنا الفم القبلـهٔ و زنا الیـدین اللمس؛ زنای چشـمان نگاه کردن و زنای لب بوسـیدن و زنای دسـتان سایش است.» (۲)

ص:۳۲

---

۱- (۱) . همان، ج ۹۶، ص ۲۷۵

۲- (۲) . ر.ک: فروع کافی، ج ۵، ص ۵۵۹.

دستاورد نگاه

نگاه کردن پسر و دختر و به طور کلی زن و مرد به یکدیگر موجب انتقال تصاویر به صفحهٔ ذهن می شود و به صورت غیر ارادی آثار عمیقی در خیال و تصورات شهوانی انسان، حتی انسان های مؤمن به جای می گذارد؛ چرا که این عکس ها در قوهٔ خیال به گونه ای نقش می بندد که جزء جداناپذیر فکر انسان می گردد.

امام علی(علیه السلام) به این حقیقت اشاره کرده و می فرماید:

«کم من نظرهٔ جلبت [اورثت] حسرهٔ طویلهٔ؛ بسا یک نگاه، حسرت و اندوه دراز مدتی را به بار می آورد.» (۱) و نیز فرمود:

«فکم من ناظر نظرهٔ زرعت فی قلبه شهوهٔ؛ چه بسیار نگاه هایی که شهوت را در دل بیننده کاشته است.» (۲)

و در جای دیگر می فرماید:

«اول نظرهٔ لک، و الثانیهٔ لا لک، و النظرهٔ الثلاثهٔ سهم مسموم من سهام ابلیس؛ نگاه اول از آن تو است، نگاه دوم به سود تو نیست، و اما نگاه سوم تیری از تیرهای زهرآگین شیطان است.» (۳) زیرا نگاه اول چون بدون توجه است، اثر آن چندانی ندارد، نگاه دوم که با توجه است، کمی اثر دارد،اما نگاه سوم که با قصد تصویربرداری انجام می شود، به سان تیری است که به سوی قلب نشانه می رود، زیرا هر آنچه دیده می بیند، دل از



---

۱- (۱) . غرر الحکم، و بحار الانوار، ج ۱۰۴،ص ۴۰

۲- (۲) . بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۲۹۱.

۳- (۳) . ر.ک، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۰۲.

آن یاد می کنـد. این را نیز می پـذیریم که پاسـخ مثبت به همهٔ آنچه دل می طلبد، نه عقلاً و عرفاً ممکن است و نه شـرعاً جائز؛ بنابراین، بهتر آن است که از همان چشم و چشمه جلوگیری شود.

نکته اخلاقی

نگـاه آن چنـان بی رحـم اسـت کـه نه جوان را می شـناسد و نه پیر، نه دخـتر می شـناسد و نه پسـر، نه شـهری می شـناسد و نه روسـتایی، نه شاه و نه شاهزاده می شـناسد و نه گـدا. نگاه زلیخا همسـر عزیز مصـر را شـیفتهٔ یوسف کرده؛ یوسف را زندانی و زلیخا را رسوا نمود. یک نگاه زنان مصـری به یوسف باعث شـد تا به جای میوه دست خود را بریدند. (۱) اگر انسان و به ویژه جوان بتوانـد خود را از این دام برهاند و از لذت پست، نگاه، چشم پوشـی کند، به طور حتم شـیرینی ایمان را خواهد چشـید و خواهـد فهمیـد که لـذت همیشه در لـذت بردن نیست، بلکه گـاهی در ترک لـذت است؛ چنان که پیامبر(صـلی الله علیه و آله) فرمود: «النظر سـهم مسـموم من سـهام ابلیس، من ترکهـا خوفـاً من الله اعطـاه الله ایمانـاً یجـد حلاوته فی قلبه؛ نگاه، تیر زهرآلود شیطان است، هرکس به خاطر خداترسـی آن را ترک نمایـد، خداوند ایمانی را به وی می بخشد که شـیرینی آن را در خویش احساس می کند.» (۲)

ص:۳۴

---

۱- (۱) . «فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ» یوسف، ۳۱

۲- (۲) . بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۸.

پرسش :

## گفتگوی دختر و پسر قبل از ازدواج چه حکمی دارد؟

پاسخ:

بعد از نگاه، گفتگوی پسر با دختر از مهم ترین نمودهای ارتباطی آن ها به شمار می رود. حال باید دید این مسئله از دیدگاه قرآن چه حکمی دارد؟ آیا دختر و پسر می توانند با یکدیگر به گفتگو بنشینند؟ با یکدیگر بحث علمی داشته باشند یا خیر؟

بررسی این مهم پژوهش گسترده ای را می طلبد، ولی به اجمال باید گفت: قرآن کریم به این مسئله اشاره دارد و صدور جواز اصل گفت و شنود همراه با شرایط آن را بیان کرده؛ می فرماید:

«فَلاَ تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِی فِی قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلاً مَعْرُوفاً؛ پس به نرمی (و ناز) سخن مگویید، تا کسی که در دلش (نوعی) بیماری است طمع ورزد؛ و سخنی پسندیده بگویید.» (۱)مفهوم این کلام الهی این است که زن و مرد و دختر و پسر می توانند با یکدیگر صحبت کنند، ولی با دو شرط:

ص:۳۵

---

۱- (۱) . احزاب، ۳۲.

۱. محتوای سخن

در این زمینه می فرماید

:«قُلْنَ قَوْلاً مَعْرُوفاً» سخن شایسته باید گفت، نه این که سخنان مهیج و تحریک کننده مانند عزیزم، جانم، فدات شوم، دوست دارم و ... به یکدیگر بگویند.

۲. کیفیت سخن

سخن گفتن زن با مرد و دختر با پسر نباید با ناز و عشوه باشد، بلکه باید به فرمود قرآن «لَا تَخْضَعْنَ» ی عنی با نرمی و خضوع( نازکی) در گفتار همراه نباشد؛ زیرا این گونه سخن گفتن باعث تحریک انسان می شود؛ از این رو قرآن این تدبیر را برای سالم سازی جامعه اتخاذ کرد و فرمود: « فَيَطْمَعَ الَّذِی فِی قَلْبِهِ مَرَضٌ» ؛ بیمار دلان با این سخنان طمع پیدا می کنند.

سخنان کذایی با شیوه ای تحریک آمیز، در وهلهٔ اول دل های بیمار و آنان که جنون جنسی دارند را به هوس می اندازد و باعث شعله ور شدن غریزهٔ شهوتش در آن ها می شود و در وهلهٔ دوم، امنیت خود دختر و زن را به مخاطره می اندازد و شکی نیست که هم بهداشت روانی افراد باید حفظ شود و هم امنیت جانی و روانی آنان.

در نتیجه دختر و پسر و زن و مرد دربارهٔ مباحث علمی، پاسخ گویی به پرسش ها و مانند این ها، با همکار، همکلاس، استاد و ... به شرط آن

ص:۳۶

که قصد لذت بردن در کار نباشد و ایمن از آلوده شدن به گناه باشند، سخن می گویند.

آیت الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی - از فقهای بزرگ - می نویسد: شنیدن صدای زن در صورتی که تلذذ و ریبه نباشد، جایز است. (۱)

ص:۳۷

---

۱- (۱) . عروهٔ الوثقی، ج ۲، ص ۸۰۴.

پرسش :

### دست دادن دختر و پسر چه حکمی دارد؟

پاسخ:

در قرآن کریم به این مسئله اشاره نشده است و شاید به دلیل روشن بودن آن باشد؛زیرا وقتی مسئلهٔ نگاه و گفتگو بیان شد، دیگر نیازی به طرح این مسئله نیست. از سوی دیگر، بر خلاف دو مورد پیشین که در رویهٔ مسلمانان نمونه هایی دارد، برای این مورد در سیرهٔ عملی مسلمانان نمونه ای به چشم نمی خورد،و حتی در بیعت با پیامبر(صلی الله علیه و آله) نیز زنان به آن حضرت دست ندادند، بلکه ظرف آبی واسطهٔ دست پیامبر (صلی الله علیه و آله) و زنان بیعت کننده بود. (۱)

آری در روایات به این مطلب اشاره شده و امامان معصوم(علیه السلام) در پاسخ به پرسش اصحابشان، جواز مصافحه (دست دادن) زن و مرد از زیر پوشش را صادر کرده اند. سماعه می گوید: از امام صاق(علیه السلام) دربارهٔ دست دادن مرد و زن سؤال کردم،آن حضرت فرمود: «

لاـ یحل للرجل ان یصافح المرأة الا امرأة یحرم علیه أن یتزوّجها،اخت او ابنه او عمها و خاله او بنت اخت و نحوها و اما المرأة التی یحل له ان

ص:۳۹

---

۱- (۱) . ر.ک، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۵۱.

یتزوّجها، فلا- یصافحها الاّ- من وراء الثوب و لا- یغمزها؛ برای مرد روا نیست که با زنان مصافحه کند،مگر زنانی که ازدواج با آنان حرام است (مَحرم ها)؛ مانند خواهر، دختر، عمه، خاله،دختر خواهرو امثال این ها،و اما زنی که محرم نیست، تنها با استفاده از پوشش می تواند مصافحه کند، ولی نباید دستش را بفشارد. روایت دیگری نیز به این مضمون وجود دارد. (۱)

صاحب جواهر الکلام - از فقهای نامدار شیعه - می نویسد: مانعی ندارد که زن با مرد اجنبی و برعکس از زیر پوشش مصافحه کند، به شرط آن که التذاذ و ریبه در کار نباشد. (۲)



---

۱- (۱) . همان

۲- (۲) . ر.ک، جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۹۹.

پرسش :

## حضور دختران در اجتماع تا چه اندازه جایز است ؟

پاسخ:

از جمله مسائل مهم مطرح در روابط پسر و دختر، حضور دختران در جمع جوانان و مردان است. قرآن به این حقیقت نیز اشاره دارد و با پذیرش اصل مسئله، برای آن شرایطی مقرر می کند و می فرماید:زن مسلمان نباید به هنگام راه رفتن آن چنان پاهای خود را بر زمین بکوبد که زینت های پنهانش نمایان شود: «وَلاَ يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِن زِينَتِهِنَّ». (۱)

به خوبی ملاحظه می شود که کلام وحی نمی گوید زن در اجتماع ظاهر نشود، بلکه می فرماید به طور معمولی و عادی باشد، تا زیبایی ها و زینت های پنهانیشان آشکار نشود و موجب پیامدهای سوئی نگردد؛ چنان که در جای دیگر می فرماید: «وَلاَ تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى»، و همانند خود آرایی (دوران) جاهلیت نخستین، (بازیورها) خود نمایی نکنید. (۲) «تبرج» یعنی

ص:۴۱

---

۱- (۱) . نور، ۳۱

۲- (۲) . احزاب، ۳۳.

نمایانـدن زیبایی ها و انگشت نما شـدن. (۱) در زمـان جـاهلیت زنان با وضع بسـیار زشت و زننـده در برابر مردان آشـکار می شدند که قرآن کریم این شیوه را شایسته زن مسلمان نمی داند.



---

۱- (۱) . ر.ک،مفردات راغب اصفهانی، ماد برج.

پرسش:

**مواردی که در نگاه دختر و پسر استثنا شده کدام است ؟**

پاسخ:

قرآن کریم با ترسیم اصل ثانوی، نگاه کردن زن و مرد به یکدیگر را از مطلق نگاه کردن استثنا کرده و فرموده است به هرچه در دیدرس تو قراردارد، می توانی نگاه کنی،ولی در نگاه کردن به انسان ها «غضّ بصر» لازم است، در گفتگو و مصافحه با آنان نیز محدودیتی مقرر کرده است؛اما برای این اصل نیز استثناهایی قرار داده است که در این بخش از نوشتار، به بررسی آن ها می پردازیم.

البته پیش از بیان موارد استثنا یادآوری چند نکته ضروری است:

- هر شخص مقلد می باید جهت تعیین تکلیف در این گونه مسائل به مرجع تقلید خود مراجعه کند؛ زیرا این مسائل نیاز به کارشناسی فقهی بیشتری دارد.

- همهٔ موارد استثنا به جز یکی دو مورد مشروط به این است که نگاه کردن از روی التذاذ و ریبه نباشد.

- این استثناها تنها در حکم تکلیفی است نه حکم وضعی؛ بدین معنا که اگر فرض شود در حوزهٔ تکلیف، کسی که به دیدگاه متعادل تری رسید، و نگاه

ص:۴۳

به برخی انسان ها و یا مواضعی را از دایرهٔ منع بیرون کرد،نمی تواند آثار وضعی، تصورات و خطورات رسیده به ذهن را حتی برای یک لحظه از بین ببرد، مگر با توصیه های اخلاقی که آن هم باید در متون دینی یافت.

به هر صورت، مواردی از اصل منع از نگاه استثنا شده که عبارت اند از:

۱. زنان غیر مسلمان

تعبیر به «للمؤمنین» و «للمؤمنات» (نور / ۳۱ و ۳۰) بیانگر این است که منع نگاه در راستای کرامت انسان و ایمان او است؛ از این رو، نگاه به زنان غیر مسلمان به شرط آن که همراه با التذاذ و ریبه نباشد، اشکالی ندارد؛ چنان که طبق روایتی، امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرماید:

«لابأس بالنظر الی رؤس اهل الذم؛ مانعی نیست که به سر زنان اهل ذمه [زنان یهودی و نصرانی...] نگاه کنند.» (۱) و در روایت دیگری از پیامبر(صلی الله علیه و آله) آمده است:

«لا حرمهٔ لنساءاهل الذمه ان ینظر الی شعورهنّ و ایدیهنّ؛ زنان اهل ذمه حرمتی ندارند و می توان به موهایشان و دستانشان نگاه کرد. (۲)»

باید توجه داشت که روا بودن نگاه به زنان کافر جایزهٔ کفرشان نیست، بلکه به دلیل نبودن ایمان در آنان، احترام برخاسته از ایمان نیز از آنان نفی شده است؛ یعنی زن مسلمان و مؤمن، کالای در معرض نمایش نیست و زیبایی و زینتش منحصر به خودش و همسرش می باشد.



---

۱- (۱) . ر.ک،وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴۹

۲- (۲) . همان.

۲.زینت آشکار

قرآن به این استثنا تصریح کرده و می فرماید: «الّا ما ظهر منها؛ مگر آنچه آشکار است.»از این تعبیر معلوم می شود که زینت بر دو نوع است آشکار و نهان؛حال باید دید زینت آشکار و نهان چیست؟

در اصل معنای زینت در جملهٔ «زینتهن» دو دیدگاه عمده وجود دارد:

نخست این که بعضی مفسران می گویند منظور از زینت،جای زینت در بدن است و زینت ظاهر عبارت است از چهره و دو دست و زینت نهان دیگر مواضع بدن است. (۱)

در دیدگاه دوم، برخی دیگر از مفسران زینت را به همان زیور و وسیلهٔ آراستن تفسیر کرده اند و اموری چون لباس، سرمه، خضاب، انگشتر و حلقه را در ردیف زینت های آشکار دانسته،و مواردی چون گوشواره، خلخال (پای برتجن)، دستبند،بازوبند و گردنبند را جزء زیورهای پنهان می دانند. (۲)

در روایات نیز دو تفسیر وارد شده است. در روایتی از امام صادق(علیه السلام) می خوانیم:

«الزینهٔ ظاهرهٔ الکحل و الخاتم؛ زینت ظاهر عبارت است از سرمه و انگشتر.» و نیز فرمودند: «الخاتم و المسکهٔ زینت آشکار انگشتر و دست بند است. (۳) و امام باقر(علیه السلام) در روایتی دیگر فرمود:

«هی الثیاب و الکحل و الخاتم و



---

۱- (۱) . وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۰۹

۲- (۲) . ر.ک: مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۳۸،تفسیر کشّاف،ج ۳، ص ۲۳۰

۳- (۳) . وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۰۹.

خضاب الکف و السوار، الزینـهٔ ثلاث: زینـهٔ للناس و زینـهٔ للمحرم و زینهٔ للزوج، فاما زینهٔ الناس فقد ذکر ناها، و اما زینهٔ المحرم فموضـع القلادهٔ فما فئقهـا و الدملـج و مـا دونـه و الخلخـال و مـا اسـفل منـه و امـا زینـهٔ الزوج فالجسـد کلـه ؛ منظـور از زینت ظـاهر،جـامه، سـرمه، انگشـتر و خضـاب دسـت هـا و النگـو اسـت. زینت بر سه نـوع است: یکی برای همه و آن همین است که گفتیم؛ دوم، برای محرم هـا و آن جـای گردنبنـد و بالا‌تر و جـای بازوبنـد و پایین تر است و سوم، زینت ویژهٔ شوهر و آن تمام بدن است. (۱)»

طبق دو روایت اول و بخش نخست روایت سوم زینت به همـان وسـیلهٔ آراسـتن معنـا شـده است، ولی در ادامـهٔ روایت سوم که زینت محـارم و زینت شـوهر را بیـان می کنـد، زینت به جـا و محـل زیور و زینت تفسـیر شـده است، و در روایت دیگری امـام صادق(علیه السلام) در پاسخ کسی که پرسید مرد نامحرم چه مقدار می تواند به زن نگاه کند؟ می فرماید:

«الوجه و الکفان و القدمان»، چهره و دو دست و پشت دو پا. (۲)

این دو تفسیر با هم ناسازگاری ندارند؛ زیرا نمایش زینت به تنهایی معنا ندارد؛ چرا که زیور و زینت همواره با موضعی از بدن همراه است و معنا ندارد که بگوییم زینت روی لباس مقصود است و اگر به فرض بین این دو تفسیر ناسازگاری باشد، می توان به این صورت میان آن ها جمع کرد که زینت ها و



---

۱- (۱) . همان

۲- (۲) . وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۰۹.

زیبایی های آشکار و موضع آن؛ هر دو با هم مراد است؛ بدین معنا که مواضع آشکار از جمله چهره، دو دست و پشت دو پا با زینت های مخصوصشان خواه طبیعی باشد یا مصنوعی، از محدودهٔ منع نگاه استثنا شده است، ولی دیگر مواضع خواه آراسته باشد یا نباشد، نگاه بدان ممنوع است، و چنانچه زیورهایی باشد که زنان با آویزان نمودن آن ها به لباس، خود را می آرایند، از دائرهٔ جواز بیرون است.

۳. مَحرم ها

ممکن است مردانی پیدا شوند که با سرپیچی از دستور نخست(غضّ نظر) قصد نگاه هوس آلود به زنان را داشته باشند؛ از این رو با طرح مسئلهٔ حجاب می فرماید:

«وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ؛ و باید روسری هایشان را بر گریبان هایشان (فرو) اندازند، و زیورشان را آشکار ننمایند.» (۱) این بدان معناست که زن با پوشش خویش، از دیدرس مردان دور بماند،لیکن بلافاصله به بیان استثنای آن می پردازد ومی فرماید: «إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ...؛ جز برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدران شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان.»؛ (۲)بنابراین، زن می تواند مطلق زینت، خواه ظاهر یا پنهان را برای



---

۱- (۱) . نور، ۳۱

۲- (۲) . همان.

گروه یاد شده آشکار نماید و با توجه به سورهٔ نساء که حکم زنان محرم را بیان کرده و می فرماید: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ....» (۱)عمو، دایی و نیز پدر و برادر رضاعی به صف مردان محرم و عمه ، خاله و نیز مادر و خواهر رضاعی را به جمع زنان محرم اضافه می شوند.

بر این اساس، نگاه به افراد محرم و گفتگو با آنان اشکالی ندارد،خواه در خانه و خیابان باشد،یا در اداره و دانشگاه به شرط آن که همراه با ریبه و التذاذ نباشد.

۴. افراد فاقد از شهوت

استثنای دیگر بر دامنهٔ منع نگاه و گفتگو این است که زن می تواند زینت و زیور خود را در برابر کسانی که فاقد نیروی شهوت و میل جنسی هستند آشکار کند: «أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ» «ارب» هم به معنای حاجت است و هم به معنای عقل؛ (۲) بنا بر معنای اول مقصود کسانی اند که نیازی به زن ندارند؛ مانند مردان پیر. زنان سالخورده نیز به همین نحو مستثنا شده اند: «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحاً؛ و بازنشستگان از زنان که امید به ازدواج ندارند.» (۳)



---

۱- (۱) . نساء، ۲۳

۲- (۲) . مقاییس اللغه، ماد ارب

۳- (۳) . نور، ۶۰.

و بنا بر معنای دوم افرادی (هرچند جوان)هستند که هیچ احساس جنسی ندارند و بعید نیست که افراد خصی و خنثی نیز در این استثنا قرار بگیرند.

۵. کودکان

گروه دیگری که از این حکم مستثنا شده اند، کودکان اند: «أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ؛ یا کودکانی که بر امور جنسی زنان آگاه نشده اند.»

تعبیر به «لَمْ يَظْهَرُوا» ممکن است به معنای «لم يطلعوا» باشد؛ یعنی آگاهی ندارند و امکان دارد به معنای «لم يقدروا» باشد؛ یعنی توانایی ندارند که بنابر معنای اول، مقصود کودکان غیر ممیز و بنا بر معنای دوم کودکان نا بالغ هستند و در هر دو صورت، به معنای عدم احساس جنسی است و در نهایت، از حکم منع روابط مستثنا می باشند.

۶. زنان

از جمله کسانی که در روابط اجتماعی، از دایرهٔ منع مستثنا شده اند، زنان هستند: «أَوْ نِسَائِهِنَّ»؛ جالب است بدانیم که معنای این سخن روا بودن نگاه مردان به زنان یا برعکس نیست، بلکه به این معناست که زن می تواند زینتش را برای زن مسلمان آشکار کند، و مفهومش این است که زن مسلمان نباید مواضع زینتی خود را برای زن نامسلمانی نمایان کند؛ زیرا ممکن است زنان کافر اگر بر زینت زن مسلمان و زیبایی های او آگاه شوند، به مردان خود

منتقل کنند و به این ترتیب زمینهٔ نا امنی برای زن مسلمان فراهم شود. در روایتی از امام صادق(علیه السلام) می خوانیم:

«لا ینبغی للمرأة ان تنکشف بین الیهودیهٔ و النصرانیهٔ فانهن یصفن ذلک لازواجهن؛ روا نیست که زن [مسلمان] در میان زنان یهودی و نصرانی برهنه و مکشوف باشد؛زیرا آن ها برای شوهرانشان خواهند گفت.» (۱)

نتیجه گیری:

نتیجه ای که این دسته از آیات قرآن به دست می دهد، این است که زن و مرد مسلمان حق دارند با یکدیگر روابط اجتماعی داشته باشند به شرط آن که رعایت محدودهٔ نگاه، محتوای سخن، چگونگی ادای آن و... را بنمایند، ولی مرد حق ندارد به بدن،مو،زیبایی ها و زینت های نهان زنان مؤمن نگاه کند و یا آن را لمس نماید و زن نیز حق ندارد با آنان گفتگو هیجان برانگیز داشته باشد،و یا با شیوهٔ تحریک آمیز سخن بگوید؛ همچنان که نباید خود را در معرض چنین برنامه هایی قرار دهد.

خواستگاری امری طبیعی:

از آن جا که پیش از ازدواج هیچ گونه رابطه و علاقه ای بین دختر و پسر، یا زن و مرد وجود ندارد و دختر هرچند از خویشاوندان پسر باشد، از جهت لذّات سمعی و بصری و زناشویی بیگانه و اجنبی به شمار می رود، این سؤال به ذهن



---

۱- (۱) . تفسیر صافی، ج ۳، ص ۴۳۱.

می رسد که اصلًا چرا پسر به سراغ دختر می رود و از وی خواستگاری می کند و چگونه این پسر با شخصی نامحرم دربارهٔ همسری با وی گفتگو می کند؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت: خواستگاری به حکم طبیعت و فطرت انسانی و نظام آفرینش از سوی مرد صورت می گیرد و این یکی از عوامل حفظ حیثیت و احترام زن می باشد، و به قول شهید مطهری آفرینندهٔ انسان، طبیعت مرد را مظهر طلب و عشق آفرید و زن را مظهر مطلوب و معشوق بودن؛ طبیعت زن را گل، و طبیعت مرد را بسان بلبل، زن را شمع و مرد را پروانه او قرار داد. یکی از تدابیر حکیمانه و شاهکارهای خلقت این است که، در غریزهٔ مرد، طلب و در غریزهٔ زن، جلوه قرار داده است؛ (۱) بنابراین، خواستار است و زن خواسته،گزینش از مرد است و پذیرش از زن؛ از این رو، قرآن نیز در هماهنگی با تکوین می فرماید: «وَلاَ جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيما عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِی أَنْفُسِكُمْ؛ و هیچ گناهی بر شما نیست که در مورد خواستگاری زنان (پس از مرگ همسرانشان) به طور سر بسته بدان سخن بگویید، یا [آن را] در دلتان پوشیده دارید.» (۲)

یادآور می شویم که مرد با تقاضای خود گزینش می کند و زنان آن را می پذیرند و این هرگز به معنای خریدن زن به وسیله مرد نیست، بلکه به معنای خریداری زیبایی،هنر و جلوه گری زن است.



---

۱- (۱) . نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۵

۲- (۲) . بقره، ۲۳۵.

اما جواز شرعی و قانونی خواستگاری افزون بر دلالت این آیه ازقرآن، در قوانین مدنی نیز بدان تصریح شده است؛ چنان که در مادهٔ ۱۰۳۴ قانون مدنی آمده است: «هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد، می توان خواستگاری کرد.» (۱)

## بررسی آیهٔ خواستگاری

دربارهٔ این آیه فوق نکاتی وجود دارد که لازم است بررسی شود.

۱. معنای واژگان و مفهوم آیه

«خُطبه» بر وزن نُسخه، به معنای سخنرانی کردن است و «خِطبه» بر وزن سِرکه،اسم مصدر از اختطاب و به معنای خواستگاری کردن برای ازدواج است.تعریض در مقابل تصریح و رک گویی است؛ یعنی به گونه ای سخن بگوید که مقصودش را برساند و در عین حال نام نبرد؛ برای مثال، به جای این که بگویداگر با من ازدواج کنی سعادتمند می شوی، بگوید من خیلی خوش اخلاق و زن دوست هستم. «اِکنان» بر وزن انسان به معنای پنهان کردن است؛ «لؤلؤ مکنون» یعنی مروارید که در صدف پنهان است.

مفهوم آیه این است که شما می توانید از زنان خواستگاری کنید، لیکن می باید از رک گویی پرهیز نمایید؛ یعنی صورت تعریض و غیر صریح گفته شود، و نیز بر شما گناهی نیست که در دل تصمیم داشته باشید تا با زنی ازدواج کنید.



---

۱- (۱) . قانون مدنی، مادهٔ ۱۰۳۴.

۲. امکان خواستگاری از زنان

زنان در رابطه با خواستگاری چند گروه هستند:

گروه اول: زنـان بی همسـری هسـتند که هیـچ مـانعی از ازدواج بـا آن هـا نیست،و تنهـا بـا توافق طرفین و اولیای آن ها ازدواج صورت می گیرد؛ماننـد دختران و نیز زنـانی که در عـدۀ وفـات نیسـتند. خواسـتگاری از این دسـته چه به صورت تصـریح و یا تعریض اشکالی ندارد.

گروه دوم: زنان شوهردار و عـدّه داری هسـتند که به هیـچ وجه نباید از آن ها خواسـتگاری کرد؛ زیرا این امر باعث تشویش و لرزش کانون خانواده و یا عامل سرعت در جدایی آنان است.

گروه سوم: زنانی هسـتند که نکاحشان فسخ شده و یا طلاق بائن گرفته اند. خواسـتگاری از آن ها توسط شوهر به تصـریح و یا تعریض و از سوی دیگران به تعریض جایز است.

گروه چهارم: زنانی هسـتند که در عدۀ وفات به سر می برند که آیه نیز ناظر به آن هاست. خواستگاری از این گروه به صورت رک و صـریح با مشـکل روبه رو است و می باید با تعریض و کنایه انجام پذیرد و راز آن نیز رعایت حریم شوهر سابق از یک سو و نیاز طبیعی زن به همسر از سوی دیگر است.

۳. فراگیر بودن حکم آیه

آیۀ شـریفه دربارۀ زنانی است که همسـرشان از دنیا رفته و در عده به سـر می برند،ولی شمول تعبیر «خِطبه النساء» از یک سو و نبودن مانع در دختران و زنان بی عده از سوی دیگر، و با اولویت در مسئله می توان به جواز اصل

خواستگاری و احکام مرتبط بر آن نسبت به همهٔ زنانی که خالی از مانع هستند، حکم کرد؛ در نتیجه به جاست دختر و پسری که قصد ازدواج با یکدیگر را دارند، برای پرهیز از تهمت و افترا و دیگر پیامدها، پیش از جلب موافقت اولیا و به تعبیر قرآن، «الَّذِی بِیَدِهِ عُقْدَةُ النِّکَاحِ؛ یا کسی که پیوند ازدواج به دست اوست.» (۱) از گفتگوی مستقیم خودداری کنند و آن را به فرد میانجیگر واگذار نمایند، تا با اولیا به ویژه از ناحیهٔ دختر گفتگو شود. همچنین به هنگام خواستگاری با تعریض و کنایه سخن گفته شود تا اثر بدی به دنبال نداشته باشد.

۴. خواستگاری از نامزد دیگران

در این که آیا می شود از زنی که از او خواستگاری شده و موافقت کرده است، خواستگاری کرد یا خیر، نظرّیاتی وجود دارد. علمای اهل سنت به حرمت فتوا داده اند،و برخی علمای شیعه مثل شهید اول و شیخ طوسی نیز با آن ها موافق هستند، (۲)دلیل این گروه روایتی است که از پیامبر( ص) رسیده است.

پیامبر(صلی الله علیه و آله) در این روایت می فرماید: «لا یخطب احدکم علی خطبه اخیه؛ نباید کسی از شما نامزد دیگری را خواستگاری نماید.» (۳) اما دیگران با دیدهٔ تردید بدان نگریسته و یا فتوا به کراهت داده اند.

ص:۵۴

---

۱- (۱) . بقره، ۲۳۷

۲- (۲) . شرح لمعه، ج ۵، ص ۲۴۱ ؛ جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۲۴.

۳- (۳) . جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۲۴.

۵. پرهیز از خواستگاری پنهانی

این نکته ای است که قرآن بـدان اشـاره کرده است: «لاَـ تُوَاعِـدُوهُنَّ سِـرًّا إِلَّا أَن تَقُولُوا قَوْلاًـ مَعْرُوفـاً؛ و لیکن پنهانی با آنها قرار [زناشوئی] نگذارید، مگر آنکه (به کنایه) سخن پسندیده ای بگویید.» (۱)

از آن جـا که در صـدر آیه از خواسـتگاری صـریح منع شـده، و تنهـا آن را به صورت تعریض مجـاز دانسـته است،امکان دارد برخی تصور کننـد که در پنهانی اشـکال نـدارد که به صـراحت سـخن بگوینـد از این رو، در ادامهٔ آیه می فرماید:در پنهان نیز نباید خواستگاری کرده و وعدهٔ ازدواج بگذارید، مگر این که سخنی پسندیده (قَوْلاً مَعْرُوفاً) و توأم با ادب اجتماعی باشد.

این آیـهٔ شـریفه حکم زنی را که شوهرش از دنیـا رفته و هنوز در عـدهٔ وفـات است، بیان می کنـد، ولی با شـمولی که در تعبیر «خِطْبَةِ النِّسَاءِ» از یک سو و اهتمامی که نسبت به امور دختران از سوی دیگر وجود دارد، می توان به فراگیر بودن حکم در آیه دست یافت.

نمادهای روابط در خواستگاری

به این نکته باید توجه داشته که در مسئل خواستگاری دو نماد از نمادهای روابط میان پسر و دختر قابل استثناست، یکی نگاه و دیگری گفتگو.

ص:۵۵

---

۱- (۱) . بقره، ۲۳۵.

الف – نگاه خواستار به خواستهٔ خود

نظر به آنچه گفته شد، نگاه کردن زن و مرد بیگانه به یکدیگر طبق اصول ثانوی حرام است. جوانی هم که می خواهد ازدواج کند، تا عقد درست شرعی اجرا نشود، روا نیست که به زن نامحرم نگاه کند؛ اما در خصوص خواستگاری، در مورد نگاه به زن مورد نظر خود، به جواز فتوا داده اند و از آیات قرآن نیز می توان به این جواز دست یافت.

در قرآن کریم تنها از یک آیه می توان بر این مسئله استدلال کرد، آن جا که می فرماید: «لَا یَحِلُّ لَکَ النِّسَاءُ مِن بَعْدُ وَلا أَن تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَکَ حُسْنُهُنَّ؛ (۱)بعد از (این همسران، ازدواج با) زنان و اینکه همسران (دیگری) جایگزین آنان کنی، بر تو حلال نیست؛ هر چند نیکویی آنان تو را به شگفت آورد.» از این که فرمود: «وَلَوْ أَعْجَبَکَ حُسْنُهُنَّ» معلوم می شود که پیامبر چون قصد ازدواج با زنان دیگر را داشته، می توانسته به آن ها نگاه کند و از این که خداوند سبحان، پیامبر(صلی الله علیه و آله) را تنها از ازدواج بعدی و تبدیل ازواج نهی کرده،نه از نگاه کردن به آن ها، روشن می شود که نگاه پیامبر اشکالی نداشته است، و نیز بدیهی است که نگاه اعجاب برانگیز نمی تواند لحظه ای باشد؛ زیرا تفسیر کردن نگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله) به نظرهای تصادفی سخن درستی نیست.



---

۱- (۱) . احزاب، ۵۲؛ همچنین ر.ک: تفسیر کاشف، ج ۶، ص ۵۲؛تفسیر نمونه،ج ۱۷، ص ۳۹۰.

مرز نگاه در خواستگاری

در روا بودن نگاه مرد به زن، هنگامی که قصد جدی برای ازدواج دارد، تردیدی نیست، ولی در این که تا چه اندازه و تا کجا می تواند نگاه کند و اینکه آیا مرزی وجود دارد یا خیر، بررسی گسترده می طلبد که از حوصلهٔ این نوشتار بیرون است؛اما به اجمال می توان گفت: از مجموع روایات و فتوای فقها به دست می آید زمانی که مرد تصمیم قطعی بر ازدواج گرفت، حق دارد به صورت، دست، موی، بدن و زیبایی های زن مورد نظر خود، در حال ایستاده، در حال راه رفتن، روبه رو، یا پشت سر او نگاه کند، به شرط آن که:

۱. امکان فعلی ازدواج با زن باشد، نه این که زن شوهردار و یا عدّه دار باشد که برای ازدواج با وی مانع وجود دارد.

۲. احتمال توافق باشد؛ بدین معنا که اگر مرد به طور قطع بداند که به خواستگاری وی پاسخ مثبت نمی دهند، نمی تواند نگاه کند.

۳. زن معیّن شده باشد، نه این که به همهٔ دختران و زنان نگاه کند تا ببیند کدام یک از آن ها بیشتر مورد پسند او است.

۴. به قصد لذت بردن نباشد و تنها برای فزونی بینش و بصیرت باشد؛ آری، اگر با این انگیزه به خواستهٔ خود نگریست و در بین نگاه التذاذی حاصل شد مانعی ندارد؛ زیرا که شارع با علم به این امر، نگاه خواستار را روا دانسته است.

بیشتر فقها نیز متعرّض این مسئله شده اند، ولی به این نکته اشارت نکرده اند که آیا زن نیز می تواند به خواستگار خود نگاه کند یا خیر؟ تنها علامهٔ حلّی با تعبیر «و بالعکس» به این مسئله اشاره کرده است.

این مسئله نیاز به بررسی تفصیلی دارد، ولی به اجمال می توان گفت: وقتی برای دختر حق انتخاب همسر و دست کم در میان خواستگارانش وجود دارد، رواست که به خواستار خود با رعایت شرایط نگاه کند.

ب- گفتگوی خواستار با خواستهٔ خود

گفتگو در حقیقت سومین مرحله از مراحل آشنایی پسر با دختری است که قصد ازدواج با وی را دارد که اگر به شیوهٔ درست صورت بگیرد، می تواند در استحکام کانون زندگی آینده نقش به سزایی داشته باشد؛ بدین معنا که اولاً: با هماهنگی اولیا باشد، ثانیاً: تا آن جا که امکان دارد در حضور آن ها باشد و ثالثاً: رعایت موازین شرعی بشود، برای این که اگر ازدواج صورت نگرفت، پیامدهای اجتماعی ناگوار به دنبال نداشته باشد.

به هر صورت، در این گفتگو می توان با توجه به مرحلهٔ مورد نظر اهداف زیر را تعقیب کرد:

۱. آگاهی از وضعیت ظاهری و قیافه؛

۲. اطمینان پیدا کردن به تحقیقات میدانی؛

۳. آشنایی با خصوصیات ناگفته و ویژگی های ناپیدا؛

۴. شناخت دیدگاه های اخلاقی، عقیدتی خانواده دو طرف؛

۵. آشنایی با مهارت ها و مراتب علمی یکدیگر؛

۶. آشنایی با آداب و رسوم یکدیگر؛

۷. زمینه سازی برای انجام تشریفات و مراسم ازدواج.

## دوست گزینی از جنس مخالف

شاید برای بسیاری از افراد به ویژه جوانان این پرسش مطرح باشد که آیا پسر و دختر می توانند پیش از ازدواج با جنس مخالف به بهانهٔ این که شاید در آینده همسر او شود، طرح دوستی بریزند یا خیر؟

پاسخ این است که قرآن در دو جا به طور سر بسته به این مسئله اشاره کرده است؛ یک جا می فرماید... «وَلاَ مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ» (۱)و در جای دیگر می فرماید: «و لامتخذات اخدان» (۲) «خِدن» بر وزن سدر، به معنای دوستی پنهان است. (۳) در آیهٔ اول به مردان سفارش می کند که پنهانی با زنان و دختران اهل کتاب دوست نشوند، و در آیهٔ دوم از دوستی پنهانی زنان (کنیزان) با مردان نکوهش می کند.

این دو آیه اگرچه دربارهٔ ازدواج با اهل کتاب و کنیزان است، و واژهٔ «خِدن» در کنار سفاح (زنای آشکار) و در مقابل احصان (عفت) قرار دارد و به معنای زنای پنهانی است، ولی عمل زنا در پنهانی چیزی نیست که بشود بدون دوستی محکم و مطمئن صورت گیرد؛ از این رو، از آن دوستی که مایهٔ چنین عملی است، استفاده می شود.



---

۱- (۱) . مائده، ۵

۲- (۲) . نساء، ۲۵

۳- (۳) . المصباح المنیر، خدن.

## الگوی قرآن در روابط دختر و پسر

قرآن کریم با نقل داستان های پیامبران و امت های پیشین و تقریر آن، در حقیقت درستی عمل مثبت یا منفی بودن آن را تأیید کرده است؛ یعنی هر کجا داستانی را نقل نموده و نسبت بدان موضع گیری منفی نکرده، به معنای صدور تأیید و جواز عمل بدان است، و هر جا که پس از نقل داستان آن را مورد نقد قرار داده، به معنای رد آن و در حقیقت نهی از عمل به آن است. در خصوص روابط دختر و پسر می توان به داستان موسی (علیه السلام) و دختران شعیب اشاره کرد.

## موسی(علیه السلام) و دختران شعیب

قرآن کریم در بیش از سی سوره،به نقل داستان موسی پرداخته و در هر مورد به یکی از زوایای زندگی این پیامبر بزرگ اشاره کرده است؛ از جمله داستان آشنایی موسی با شعیب پیامبر و دختران او در سور قصص است. داستان از آن جا آغاز می شود که موسای جوان از مصر به مدین آمد و به کنار چاه آبی رسید. دید مردم مشغول سیراب کردن چهارپایان خود هستند و کمی آن طرف تر دو زن مراقب گوسفندان خویش اند و به چاه نزدیک نمی شوند: «وَجَدَ مِن دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ» موسی از آن ها دربارهٔ علت آب ندادن گوسفندانشان پرسید: «مَا خَطْبُكُمَا» چه کار می کنید؟ آن ها پاسخ دادند: «لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ» ما آن ها را آب نمی دهیم تا چوپان ها همگی از [آبگاه] خارج شوند. این جا بود که موسی به همیاری آن ها شتافت و به آنان کمک نمود: «فَسَقَى لَهُمَا»، موسی به گوسفندان آن ها

آب داد، اما در کنار آن ها نماند و به گوشه ای رفت: «ثُمَّ تَوَلَّی إِلَی الظِّلِّ؛ سپس رو به سایه آورد و گفت: «رَبِّ إِنِّی لِمَا أَنزَلْتَ إِلَیَّ مِنْ خَیْرٍ فَقِیرٌ؛ خدایا، هر خیر و نیکی برای من بفرستی به آن نیازمندم». و این در حالی بود که دختران راه خود را گرفته و به خانه رفتند.

دیری نپایید که یکی از دختران شعیب با نهایت حیا به سراغ موسی آمد: «فَجاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِی عَلَی اسْتِحْیَاءٍ»، و پیام پدر را به وی رساند، و گفت: «إِنَّ أَبِی یَدْعُوکَ لِیَجْزِیَکَ أَجْرَ مَا سَقَیْتَ لَنَا؛ پدرم از تو دعوت می کند تا مزد سیراب کردن گوسفندان ما را به تو بپردازد.»

موسی در حالی که از جلو و دختر شعیب پشت سر راه می رفت، حرکت کرده تا به خانۀ شعیب رسیدند. موسی داستان گرفتاری خود در مصر و مسائل دیگر را با شعیب در میان گذارد. در این میان یکی از دختران پیشنهاد استخدام موسی را مطرح کرد: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا یَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ» و این برای این بود که آن دختر موسی را مردی قوی و امین یافته بود: « إِنَّ خَیْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِیُّ الْأَمِینُ؛ بهترین کسی که استخدام می کنی (شخصِ) نیرومند درستکار است.»

در نهایت شعیب پیشنهاد ازدواج موسی با یکی از دخترانش را به وی می دهد: «قَالَ إِنِّی أُرِیدُ أَنْ أُنکِحَکَ إِحْدَی ابْنَتَیَّ هَاتَیْنِ؛ من می خواهم که یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم. (۱)»

ص:۶۱

---

۱- (۱) . قصص، ۲۳ – ۲۷.

نکات موجود در این داستان

۱. دختر تنها از خانه بیرون نرود: «امرأتین».

۲. مختلط نشدن دختران با جمعیت: «وجد من دونهم» و «لا نسقی حتی یصدر الرعاء».

۳. سخن گفتن موسی با دختران: «ما خطبکما».

۴. در کار کردن، اولویت با مردان است: «ابونا شیخ کبیر».

۵. همکاری موسی با دختران: «فسقی لهما» که ظاهراً به صورت تعاون بوده است نه معاونت.

۶. پرهیز از تداوم ارتباط: «ثم تولی الی الظل».

۷. رعایت شرم و حیا: «تمشی علی استحیاء».

۸. ارتباط با اذن پدر: «ان ابی یدعوک».

۹. پیشنهاد رفاقت و اجرت: «یا ابت استأجره».

۱۰. ارتباط وسیلهٔ شناخت: «القوی الامین»؛ زیرا دختران شعیب یافته های خود را به پدر منتقل کرده بودند و او را آن گونه که شناخته بودند معرفی نمودند.

تردیدی نیست که مواردی از این امور ده گانه می تواند نشانهٔ جواز رابطهٔ گفت و شنودی و نگاه میان دختران و پسران باشد، ولی با رعایت آنچه گذشت؛ در ضمن پسران نیز می توانند به دختران کمک کنند، ولی هنگامی که کار به پایان رسید، نباید به بهانه های واهی با یکدیگر به اختلاط بپردازند، بلکه باید از هم فاصله بگیرند.

ص:۶۲

اصل ثانوی

با آنچه از آغاز تا انجام گفته شد، به این نتیجه می رسیم که اصول اولیه در روابط زن و مرد و به اصطلاح دموکراسی جنسی و کام یابی آزادانه مردان از زنان و معاشرت های لذت بخش سمعی و بصری مورد تأیید اسلام نیست و به این اصول تبصره ها و استثناهایی وارد شده است، تا آن جا که در رابطه با انسان اصل را به روا نبودن نگاه و گفت و شنود گذاشته و لمس و بوسیدن را جز برای محارم جایز نمی شمارد، و میان دختر و پسر حریمی به ضخامت حجاب و صلابت عفاف قرار داده است.

ص:۶۳

پرسش:

## چرا در جامعه ما مرد به خواستگاری زن می رود؟

پاسخ:

خواستگاری در لغت به معنای «درخواست ازدواج کردن از دختر یا زن» (۱) است و در اصطلاح فقهی به آن «خطبه» اطلاق می شود و آن عبارت است از درخواست مرد از زن برای ازدواج که قبل از مراسم عقد و اجرای صیغهٔ ازدواج صورت می گیرد.

زن در فرهنگ ایران – جامعه ما – گوهری گران بها و ارزشمند مورد خواست مرد بوده و از قدیم الأیام رسم بر این بوده است که مردان به عنوان خواستگار نزد زنان یا خانوادهٔ آن ها می رفتند و تقاضای همسری می کردند. این رسم ضمن سازگاری با روحیه لطیف زنان، با حیای اجتماعی نیز به طور کامل سازگار است و از جمله عوامل حفظ حیثیت و حرمت زن شمرده می شود؛ البته خواستگاری در میان هر قوم و ملتی آداب و سنن خاصی دارد

ص:۶۵

---

۱- (۱) . فرهنگ بزرگ سخن، حسن انوری، سخن، تهران، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۲۸۵۳.

که عرف عامه مردم، آن را ترسیم می کند و اوضاع و شرایط زمان و مکان آن را تغییر می دهد.

این عمل از سوی اسلام مورد توجه قرار گرفته و در دستورهای ائمه اطهار(علیه السلام) آداب و سنن خاصی برای آن شمرده شده است؛ از جمله این که از لحن روایات می توان استفاده کرد که خواستگاری از طرف مرد می باشد؛ برای نمونه، از امام صادق(علیه السلام) روایت شده است به شخصی که قصد ازدواج داشت، فرمود: «دقت کن خودت را کجا قرار می دهی و چه کسی را شریک اموال خودت می کنی و بر دین و اسرار خود آگاه می گردانی»؛ (۱) «زن چون گردنبند است، بنگر که چه به گردن می آویزی. (۲)»

البته در آیات قرآن خواستگاری حضرت شعیب از موسی (علیه السلام) برای یکی از دخترانش مطرح شده است (۳) که خواستگاری خانواده عروس از داماد است.

## حکمت ها و اسرار خواستگاری مرد از زن:

۱. خداوند طبیعت مرد را مظهر طلب، عشق و تقاضا، و زن را مظهر مطلوب بودن و معشوق بودن آفریده است. طبیعت زن را گل و مرد را بلبل، زن را شمع و مرد را پروانه قرار داده است. از بزرگ ترین عوامل حفظ حیثیت و حرمت زن این است که مردان به خواستگاری زنان می روند.



---

۱- (۱) . وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴ و ۱۷

۲- (۲) . همان، ج ۱۴، ص ۱۴ - ۱۷

۳- (۳) . «إِنِّی أُرِیدُ أَنْ أُنکِحَکَ إِحْدَی ابْنَتَیَّ هَاتَیْنِ؛ (شعیب) گفت: «در حقیقت من می خواهم که یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم» (قصص، ۲۷)

ایـن که زن به دنبـال مرد برود خلاـف حیـثیت و حرمت زن است. برای مرد قابـل تحمـل است که از زنی خواسـتگاری کنـد و جواب رد بشـنود و از زن دیگری خواسـتگاری کند، ولی برای زن که می خواهد محبوب و معشوق و مورد سـتایش باشد و بر قلب مرد بلکه بر سراسـر وجودش حکومت کند، قابل تحمل نیست که مردی را به همسری خود دعوت کند و احیاناً جواب رد بشنود.

۲. خواسـتگاری جنس مـذکر از مونث شـیوه ای طبیعی است که این اختصـاص به جنس بشـر نـدارد بلکه حیوانـات نیز معمولاً همین گونه عمل می کنند.

در نتیجه، اصـل طبیعی و غریزی در خواسـتگاری این است که طلب از سوی مرد اعلاـم شود و پـذیرش و رضـایت از سوی زن باشد.

۳. عرف و عـادت در نوع خواسـتگاری و کیفیت آن تـاثیر دارد و لاـزم است عرف هر منطقه رعایت شود تا افراد مورد تمسـخر قرار نگیرنـد؛ برای مثـال، در هنـد بسـیار می شود که خواسـتگاری از نـاحیه خـانواده عروس صورت می گیرد. آن ها به سـراغ خانواده داماد و انتخاب او می روند و حتی سعی می کنند با تعهد جهیزیه های سنگین دل آن ها را به دست آورند. در بسیاری از کشورهای غربی هر دو به خواسـتگاری یکـدیگر می رونـد. دختر و پسـر مشـخصات خود را در بعضـی از روزنامه ها عنوان کرده و آمادگی خود را برای ازدواج با همسری که دارای شرایط و مشخصاتی چنین و چنان باشد، اعلام می کند. (۱)



---

۱- (۱) . انتخاب همسر و ازدواج، سید مهدی شمس الدین، شفق، چاپ اول، قم، ۱۳۷۵، ص ۷۹.

پرسش:

## معیار انتخاب همسر شایسته از نظر قرآن چیست ؟

پاسخ:

آیات متعددی از قرآن کریم ویژگی های همسر شایسته را برمی شمارد که برخی از آن ها عبارت اند از:

۱. اسلام

قرآن کریم می فرماید:

«عَسَىٰ رَبُّهُ إِن طَلَّقَكُنَّ أَن يُبْدِلَهُ أَزْوَاجاً خَيْراً مِنكُنَّ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَاراً؛ (۱)امید است که اگر شما را طلاق دهد، پروردگارش همسرانی بهتر از شما برای او جایگزین کند، (زنانی) مسلمان، مومن فرمانبردار [ فروتن [ ، توبه کار، پرستشگر، روزه دار، بیوه و دوشیزه.»

ص:۶۹

---

۱- (۱) . تحریم، ۵.

از این آیه شریفه به دست می آید که همسر مناسب برای زندگی، باید مسلمان باشد و شرایط مسلمانی را رعایت کند و قرآن کریم ازدواج با غیرمسلمان را برای پیروان خویش سفارش نمی کند.

۲. ایمان

ویژگی دیگری که در این آیه و آیات دیگری از قرآن مطرح شده، ایمان است؛ چنان که قرآن کریم در سورهٔ بقره آیهٔ ۲۲۱ می فرماید:

«... وَلَأَمَةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِن مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ ... وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِن مُشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ؛ (۱)... و مسلماً کنیز با ایمان، از زن (آزاد بت پرستِ) مشرک بهتر است؛ و اگر چه شما را به شگفت آورد. ... و مسلماً برده با ایمان، از مرد (آزاد بت پرستِ) مشرک، بهتر است؛ و اگر چه شما را به شگفت آورد.»

«ایمان» یعنی اعتقادی که در اعماق قلب انسان نفوذ کند.

می توان گفت: مهم ترین شرطی که قرآن کریم در آیات متعدد برای همسر مطرح می کند، ایمان و اعتقاد داشتن او است؛ زیرا ایمان و اعتقاد به خداوند و اسما و صفات او و باور قلبی به روز قیامت و حساب رسی دقیق آن، از آدمی انسانی متعهد می سازد؛ انسانی که شرایط یک همسر خوب را دارد و حقوق همسر خود را زیر پا نمی گذارد. در واقع ایمان واقعی، سبب و سرمنشا همهٔ خوبی ها است .

ص:۷۰

---

۱- (۱) . بقره، ۲۲۱.

آری، نه مهریه های سنگین و نه الزامات دیگر هیچ کدام نمی تواند مانند «ایمان» و «اعتقاد» شخص را به زندگی و مسئولیت های آن پایبند کند.

بنابراین، اگر در فردی «ایمان قوی» یافتیم، می توانیم امیدوار باشیم که گزینه های دیگر را نیز دارد یا اگر ندارد، می تواند آسان تر به دست آورد.

۳. تواضع و فرمان برداری (قانتات)

براساس آی فوق، تواضع و پرهیز از تکبر و خودخواهی و فرمان برداری یک ویژگی لازم برای همسر است. مادر خانواده اگر اهل فرمان برداری نباشد و خضوعی را که دین وظیفه او خوانده، ابراز نکند، زندگی از مسیر طبیعی و فطری خود خارج می شود و مشکلات متعددی به بار می آورد؛ البته متواضع بودن زن به معنای ابراز عقیده و اظهار نظر نکردن او نیست؛ همچنین به این معنا نیست که همیشه حرف پدر خانواده باید حرف اول و آخر باشد، بلکه از مجموع آیات و روایاتی که در این زمینه وارد شده، چنین به دست می آید که مرد نقش مدیر خانواده را دارد که باید با اعمال مدیریت زندگی را اداره کرده و حقوق همه را رعایت کند، و زن نقش مشاور و مدیر داخلی خانه را دارد و مدیر لایق کسی است که اگر دید یکی از اعضای خانواده، اگرچه فرزند کوچک خانواده باشد، حرف حقی را ابراز می کند، سخن او را ملاک عمل قرار دهد.

۴. اعتراف به خطا و جبران آن (تائبات)

منظور از توبه کار بودن این است که اگر اشتباهی انجام داد درصدد جبران برآید و با عذرخواهی و ابراز پشیمانی و عزم بر جبران آن، مشکلات به

ص:۷۱

وجود آمده را برطرف سازد. که اگر بعد از انجام اشتباه، متکبرانه بر خطای خود اصرار کند و حاضر به عذرخواهی صادقانه نباشد، گام به گام به سست کردن ستون های زندگی خود نزدیک می شود.

۵. عبادت و بندگی خداوند (عابدات)

عبادت خداوند تاثیر بسزایی در تنظیم روحیه و افکار افراد دارد و باعث آرامش و بهداشت روان و لطافت روح شده و موجبات تقویت ایمان و صالح شدن اعمال آدمی را فراهم می کند؛ از این رو، قرآن یکی از شرایط همسر را اهل عبادت بودن می داند؛ چنان که در سوره عنکبوت می خوانیم:

«و نماز را برپادار ] چرا [ که نماز از ] کارهای [ زشت و ناپسند باز می دارد، و البته یاد خدا بزرگ تر است و خدا آنچه را با زیرکی انجام می دهید، می داند.» (۱)

بدین ترتیب نقش عبادت در سلامت زندگی معلوم می شود.

۶. سیر طریق اطاعت خدا و اهل معصیت نبودن (سائحات)

«سائحات» جمع (سائح) را بسیاری از مفسران به معنای «صائم» و روزه دار تفسیر کرده اند، ولی به طوری که «راغب» در «مفردات» می گوید روزه بر دو گونه است: «روزه حقیقی» که به معنای ترک غذا و آمیزش است، و «روزه حکمی» که به معنای نگهداری اعضای بدن از گناهان است، و منظور



---

۱- (۱) . عنکبوت، ۴۱.

از روزه در این آیه، معنای دوم می باشد. این گفتهٔ «راغب» با توجه به مناسبت مقام جالب به نظر می رسد، ولی باید دانست که «سائح» را به معنای کسی که در طریق اطاعت خدا سیر می کند نیز تفسیر کرده اند. (۱)

با توجه به مطالب فوق می توان نتیجه گرفت: کسی که اهل انجام محرمات الهی می باشد و حدود الهی را رعایت نمی کند، نمی تواند فرد مناسبی برای زندگی باشد؛ زیرا کسی که حقوق الهی را رعایت نمی کند و بی باکانه با خدا مخالفت می نماید، چگونه حقوق بندهٔ او را رعایت خواهد کرد؟! (۲)

۷. عیب پوشی و تامین نیازهای همسر:

قرآن کریم در سورهٔ بقره آیه ۱۸۷ می فرماید:

«هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ؛ آنان لباسی برای شما، و شما لباسی برای آنان هستید.»

«لباس» از یکسو انسان را از سرما و گرما و از خطر برخورد اشیا با بدن حفظ می کند و از سوی دیگر، عیوب او را می پوشاند و افزون بر این دو، زینتی است برای تن آدمی، و این تشبیه در آیه به همهٔ این نکات اشاره دارد؛ زیرا دو همسر شایسته که عیوب همدیگر را می پوشانند، وسیلهٔ راحتی و آرامش



---

۱- (۱) . نفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۸۰

۲- (۲) . قرآن روی باکره و غیرباکره بودن زن تکیه نکرده، و برای آن اهمیتی قائل نشده است؛ زیرا در مقابل اوصاف معنوی که ذکر شد، این مسئله اهمیت چندانی ندارد. برای آگاهی بیشتر از معنای این آیه شریف ر.ك: تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۸۰.

ی

کدیگرنـد و هر یک برای دیگری زینت می باشـند و مهم تر این که یکـدیگر را از انحراف های جنسـی حفظ و این نیاز را نیز تامین می کنند. (۱)

تعبیری که در آیه دربار زن و شوهر آمـده، کاملاً ارتباط معنوی مرد و زن و نزدیکی آن ها به یکدیگر و همچنین مساوات آن ها را در این زمینه روشن می سازد؛ زیرا همان تعبیر که در مورد مردان آمده، دربارهٔ زنان نیز آمده است. (۲)

۸. مهربانی

قرآن کریم در این باره می فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُم مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجاً لِّتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُم مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ (۳)و از نشانه های او این است که همسـرانی از (جنس) خودتان برای شـما آفریـد، تا بدآن ها آرامش یابید و در بین شـما دوستی و رحمت قرارداد؛ قطعاً در آن[ها] نشانه هایی است برای گروهی که تفکّر می کنند.»

چنان که آیه شـریف می فرماید، فلسـفهٔ ازدواج سـکونت و آرامش جسمی و روحی می باشد و راز بقای آن مهربانی و مودت زن و شوهر است. حال که

ص:۷۴

---

۱- (۱) . بـا توجه به تعبیر اول آیه «أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ» این مطلب به دست می آیـد. ر.ك: المیزان، ذیل آیه

۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۷۳۲

۳- (۳) . روم، ۲۱.

چنین است، پس باید یکی از شرایط اساسی همسر شایسته را اهل مودت و مهربانی بودن شمرد؛ چرا که اگر شخصی اهل عاطفه و ابراز آن نباشد، در زندگی آینده خود دچار مشکل خواهد شد و نمی تواند نیاز عاطفی همسر و فرزندان خود را تامین کند.

۹. صالح بودن (تعهد و مسئولیت پذیری)

خدای متعال می فرماید:

«وَأَنكِحُوا الْأَيَامَى مِنكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ؛ (۱)و افراد بی همسرتان، و شایستگان از بندگانتان، و کنیزانتان را به ازدواج (یکدیگر) در آورید؛ اگر نیازمند باشند، خدا از بخشش خود آنان را توانگر می سازد؛ و خدا گشایشگری داناست.»

از نظر قرآن صالح بودن برای ازدواج شرط است. صالحان چه کسانی هستند؟ در این رابطه در تفسیر المیزان چنین می خوانیم:

و مراد از «صالحین» صالح برای تزویج است، نه صالح در اعمال.

از این رو، باید کسانی را به عنوان همسر انتخاب نمود که به بلوغ فکری و اجتماعی و... که برای زندگی لازم می باشد، رسیده باشند و به عبارت بهتر، مسئولیت پذیر و توانایی ایفای نقش را داشته باشند.



---

۱- (۱) . نور، ۳۲.

۱۰. سنخیت و همتایی

قرآن کریم در سورهٔ نور آیه ۲۶ می فرماید:

«الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ؛ زنان پلید از آنِ مردان پلیدند، و مردان پلید از آنِ زنان پلیدند؛ و زنان پاکِ (نیکو)، از آنِ مردان پاک (نیکوی)ند، و مردان پاک (نیکو) از آنِ زنان پاک (نیکوی)ند! آنان از آنچه می گویند، بر کنارند؛ و برای آنان آمرزش و روزی ارجمندی است.»

این آیهٔ کریمه نیز به اصل مهم دیگر به نام «همانند بودن» اشاره می کند؛ مسئلهٔ اساسی که با نبود آن زندگی صحنهٔ ناسازگاری ها و اختلافات خواهد شد. آری، اگر زن و شوهر از نظر فکری و ارزش های روحی با هم سنخیت نداشته باشند و هر کدام برای امری خاص اهمیت ویژه قائل باشند و نقاط اشتراک آن ها خیلی کم باشد، سرانجام این زندگی یا طلاق است و یا باید زندگی ناهمگون خود را به سختی ادامه داده و همدیگر را تحمل کنند و شاهد به فعلیت نرسیدن استعدادها و از بین رفتن فرصت ها باشند (که در چنین مواقعی وضعیت فرزندان نیز روشن است).

پس پاکان باید به دنبال امثال خود بوده و ناپاکان یا باید خود را پاک کرده و با پاکان وصلت کنند و از این رهگذر سعادت خود و فرزندان خود را رقم بزنند و یا با امثال خود ازدواج کنند. (۱)



---

۱- (۱) . ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۲۲.

پرسش:

## در هنگام مخالفت پدر و مادر با ازدواج، چه باید کرد؟

پاسخ:

امر ازدواج فوایـد بسـیاری دارد و هیچ شالوده ای مقدس تر از بنای رفیع ازدواج نیست (۱) و هر ملـتی در دین و آیین خود، به نوعی از آن بهره مند است و دین اسـلام بیش از همه، بر آن تاکید دارد. فقیهان ازدواج را از مسـتحبات موکّد بر شـمرده و آن را برای کسـی که به سـبب نگرفتن همسـر به گنـاه بیفتـد، واجب دانسـته انـد. پیامبر اکرم(صـلی الله علیه و آله) فرمود: هر کس ازدواج کند، به درستی که از نصف دینش پاسداری کرده است. (۲)



---

۱- (۱) . رسول خدا(صـلی الله علیه و آله) فرمود: «ما بنی فی الاسلام احب لله عزوجل من التزویج؛ هیچ بنایی در اسلام محبوب تر از ازدواج نزد خداوند بنا نشده است.» وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳، به نقل از رسالهٔ دانشجویی مطابق با نظر ده تن از مراجع عظام، تالیف سید مجتبی حسینی، چاپ اول، ۱۳۸۴ ه- . ش، انتشارات دفتر نشر معارف، ص ۲۱۱
۲- (۲) . «من تزوج فقد احرز نصف دینه.» وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵ به نقل از همان، ص ۲۱۱.

آری، ازدواج دارای چند فایده است: ۱. بقای نسل؛ ۲. آرامش و تعادل روحی و جسمی؛ ۳. سلامت اخلاقی و اجتماعی جامعه؛ ۴. ارضای حسّ محبت کردن و مورد محبت قرار گرفتن، و ... . (۱)

البته هر کس قصد ازدواج دارد و به دنبال زندگی سعادتمندی است، باید عجولانه اقدام نکند، بلکه با استفاده از تجربیات دیگران به ویژه پدر و مادر و عقل و شرع اقدام نماید. ازدواج امری است که استاد راهنما می خواهد و بهترین معلم، فطرت و موفق ترین واعظ و راهنما، عقل بیدار انسان است که همواره با او و مراقب او است؛ اما بی شک باید در آنچه نمی دانیم و آنچه از کمال و معنویت می خواهیم و نداریم، از آگاهان کمک بگیریم، این سنت الهی برای بشر است، حتی کسی چون موسی (علیه السلام) که پیامبر اولوالعزم بود، از کسی چون خضر بی نیاز نبود (۲) ودر امر خطیر ازدواج چه کسی آگاه تر و دلسوزتر از پدر و مادر انسان است؟

فتواهای مراجع بزرگوار تقلید در مورد اذن پدر:

**پرسش: آیا در ازدواج با دختر باکره اجازه پدر او واجب است ؟**

امام(ره) و سیستانی: آری، باید اجازه او باشد.

ص:۷۸

---

۱- (۱) . همان، ص ۲۱۲

۲- (۲) . آیه های زندگی، حسین اسکندری، انتشارات: سروش صدا و سیما، چاپ اول ۱۳۸۱، صفحه ۱۳۱.

بهجت، تبریزی، خامنه ای، صافی، فاضل، مکارم و وحید: بنابر احتیاط واجب باید اجازه او باشد.

نوری: خیر، به طور کلی اجازه پدر یا جد پدری دختر لازم نیست، ولی اگر بخواهد به احتیاط عمل کند، بر فرض مسئله اجازه او لازم است. (۱)

پرسش: اگر دختر گفت پدر و مادرم رضایت قلبی به ازدواج دارند، آیا می توان به گفته او بدون اذن پدر با او ازدواج کرد؟

همهٔ مراجع: در اذن پدر، اظهار لازم است و رضایت قلبی کافی نیست. (۲)

شرط صحت ازدواج در صورت عدم اذن ولی

پرسش: در صورتی که دختر و پسری هم کفو باشند، ولی پدر دختر مخالف ازدواج آن ها باشد، آیا باز هم رضایت او لازم است؟ (باید توجه داشت دختر بالغ و رشیده است و نیاز به ازدواج دارد)

همه مراجع (به جز بهجت، تبریزی، صافی): اگر پسر شرعاً و عرفاً کفو و همتای دختر باشد، اجازه پدر لازم نیست.



---

۱- (۱) . منهاج الصالحین، سیستانی: ج ۲؛ النکاح، م ۷۰ ؛ استفتاءات امام(ره): ج ۳، اولیا العقد، س ۲۷؛ استفتاء، خامنه ای: س ۷۹۸ ؛ جامع المسایل، فاضل: ج ۱، س ۱۴۳۸؛ - تعلیقات علی العروه، مکارم: اولیاء العقد، م ۲؛ منهاج الصالحین: وحید ج ۳، م ۱۲۳۷؛ منهاج الصالحین، تبریزی: اولیاء العقد، م ۱۲۳۷؛ توضیح المسائل، بهجت: م ۱۸۹۱ - توضیح المسائل، صافی؛ نوری: م ۲۳۷۲ و ۲۳۷۳، به نقل از کتاب: رساله دانشجویی مطابق با نظر ده تن از مراجع عظام. سید مجتبی حسینی، چاپ: اول - ۱۳۸۴ ش - انتشارات: نشر معارف ص ۲۲۲.

۲- (۲) . همان، ص ۲۲۳.

بهجت و تبریزی: اگر پسر شرعاً و عرفاً کفو و همتای دختر باشد و ازدواج هم به مصلحت او باشد، اجازهٔ پدر لازم نیست.

خامنه ای و صافی: اگر پسر شرعاً و عرفاً کفو وهمتای دختر باشد و کفو دیگری نیز پیدا نشود، اجازهٔ پدر لازم نیست.

اذن ولی یک امر قانونی

در قانون مدنی در ماده ۱۰۴۳، اذن پدر یا جدّ پدری در نکاح دختر باکره لازم شمرده شده است. (۱)

فرق رضایت با اذن

«اذن» به معنای رخصت است که گاهی در زبان فارسی به آن «اجازه» گویند و فرق اذن ولی با رضایت امر در این است که اگر فقط رضایت و میل قلبی در مورد آن کار باشد، رضایت نامیده می شود و اگر رضایت به معنای قصد انشا به کار برود و به وسیله ای ابراز گردد، «اذن» خوانده می شود. (۲)

پس برای ازدواج افزون بر رضایت، اذن نیز لازم است.

ص:۸۰

---

۱- (۱) . اذن و آثار حقوقی آن، علیرضا فخیم زاده، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول ۱۳۷۷ .ش. صفحه ۲۰۰

۲- (۲) . همان، ص ۳۹ - ۴۰.

حکمت دادن اذن ولیّ

دخالت در ازدواج دختری که به سن بلوغ رسیده است، برخلاف اصول و قواعد می باشد، ولی قانون گذار برای حمایت از نهاد مهم خانواده و پیش گیری از انحراف های اجتماعی چنین حکمی را مقرر کرده است؛ زیرا دختران به دلیل کم تجربگی و یا غلبه عواطف و احساسات ممکن است بدون بررسی کافی و بدون در نظر گرفتن مصلحت خود به ازدواجی نامناسب اقدام کنند و گرفتار هوس بازی مردان هرزه و ناپاک شوند. قانون مدنی در این حکم از نظر رایج میان فقیهان معاصر پیروی کرده است. (۱)

موارد سقوط اعتبار اذن ولیّ

اذن ولّی در مواردی ساقط خواهد شد که عبارت اند از:

۱. منع غیر موجّه ولّی:

در صورتی که ولّی از اختیار خویش سوء استفاده کند و بدون دلیل یا به دلیلی غیر موجّه از ازدواج دختر باکره با همسرمناسب و شایسته جلوگیری کند، وجهی برای بقای اذن او باقی نمی ماند که در ذیل قانون ۱۰۴۳ به آن اشاره شده است.



---

۱- (۱) . همان، ص ۲۰۰.

۲. عدم دسترسی به ولّی:

در صورتی که پدر یا جدّ پدری غایب بوده، به آن ها دست رسی نباشد، طبق نظر فقیهان امامیّه دختر می تواند بدون اذن ولّی با همسر شایسته و همتای خویش ازدواج کند که در ماده ۱۰۴۴ ذکر شده است.

۳. حجر یا فوت ولی:

اگر پدر یا جد پدری دختر به علتی محجور و تحت قیمومیّت باشد، اذن شخص دیگری مانند قیّم او لازم نمی باشد؛ همچنین اگرپدر یا جدّ پدری دختر از دنیا رفته باشند، دختر مکلّف به کسب اذن شخص دیگری نیست و اعتبار اذن ولّی ساقط است. (۱)

منابعی جهت مطالعه بیشتر


۱. بررسی فقهی حقوق خانواده نکاح و انحلال آن، دکتر سید مصطفی محقق داماد، انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۷۹.

۲. حقوق خانواده - نکاح و انحلال آن، سید حسین صفایی و اسدالله امامی، انتشارات چاپ دانشگاه، چاپ چهارم، تهران۱۳۷۴،ص ۷۸ تا ۱۰۴.

۳. احکام ازدواج - دایم و موقت، سید حجت موسوی خویی، انتشارات نشر نسیم انتظار چاپ دوم ۱۳۸۴ . ش.




---

۱- (۱) . همان، ص ۲۰۳ و ۲۰۴.

پرسش:

**آیا «قسمت بودن» در ازدواج از نظر اسلام صحیح است؛ یعنی مشخص است که در آینده با چه فردی ازدواج می کند؟**

پاسخ:

بخش اول پرسش:

۱. مقصود از قسمت بودن

واژ «قسمت» که در روایات از آن به «قضا و قدر» یا همان «تقدیر و سرنوشت» تعبیر می شود، در بین مردم به معنای «توفیق» نیز به کار می رود که البته با دقتی در مورد آن، به همان معنای «تقدیر و سرنوشت» است؛ برای مثال؛ به کسی می گوییم: آیا به کربلا برای زیارت رفته ای؟ می گوید: «قسمت نبود».

۲. راستی چرا برخی در هر جا و سر هر مسئله می گویند: قسمت این بود؟ پاسخ آن را از دو جهت می توان بررسی کرد:

نگاه اول: گاهی به خاطر کم کاری، بی احتیاطی و آگاهی نداشتن کلم «قسمت» بر زبان آورده می شود. با بی احتیاطی به ماشین شخصی می زند، می گوید قسمت بود، آگاهی از مسئله ای ندارد و به نوعی دچار گرفتاری می شود، می گوید قسمت این بود و هزاران قسمت گفتن دیگر از این قبیل.

ص:۸۳

آری، درست است که به نـوعی تقـدیر الهی بوده است، ولی چرا او دقت نکرده است؟! می توانست احتیـاط کنـد تـا تصـادف نکند، می توانست علم و آگاهی کسب کند تا گرفتار نشود؛ زیرا اراده انسان هم جزء تقدیر الهی است.

حال در این موارد چون شـخص به ماشـینی زده و دچار گرفتاری شده است، برای این که مقداری از فشار عصبی و روحی اش کم شـود، می گویـد: «قسـمت بود و خـدا این طور خواسـته بود» که البته «انصـاف» هم در این جـا به خوبی نمایـان است؛ زیرا خداونـد قوانین و سـنت هـای هستی را به او معرفی کرده و به او علم و آگـاهی و اراده داده بود و او بایـد بـا «علم و آگاهی» و «اراده» خود راه صحیح را انتخاب می کرد تا دچار مشکل نشود.

نگـاه دیگر: تمـام جـوانب کـار در نظر گرفته می شـود و بـا تحقیـق، مشورت و نیز رعـایت نکـات مختلف ازدواج صورت می پذیرد؛ آن گاه سـخن از «قسـمت بودن» نیز مطرح می گردد؛ این «قسـمت» یعنی همان قضا و قدر صـحیح؛ همان سرنوشتی که برایمـان رقم خورده است؛ یعنی حـال که به تمـام وظایف خود عمل کرده و هیـچ کوتاهی نکرده ایم، می توانیم ادعا کنیم که «قسمت» بود.

و بالاخره همان سـرنوشتی که باید بدان راضـی باشـیم؛ همان گونه که امام حسین(علیه السلام) در آخرین لحظات عمر گرامی اش فرمود: «صبراً علی قضائک یا رب لا اله سواک» (۱)

ص:۸۴

---

۱- (۱) . فرهنگ جامع سخنان امام حسین(علیه السلام)، ص ۵۷۲. «ای پروردگاری که جز تو هیچ معبودی نیست، بر قضای تو صبر می کنم.»

بخش دوم پرسش:

**اگر تعیین شده که در آینده با چه کسی ازدواج می کنیم، آیا این مصداق جبر نیست ؟**

در جواب این طور می گوییم:

این که خداوند می داند شما با چه کسی در آینده ازدواج می کنید، با اختیار شما منافات ندارد؛ زیرا انسان تصمیم های زندگی را به اراده و اختیار خویش می گیرد و خداوند به این اراده علم دارد؛ یعنی خداوند می داند که شما در آینده کدام مورد را به اراده خود انتخاب می کنید؛ برای مثال، در خیابانی ترافیک طولانی شده و رانندگان خبر ندارند چرا راه بسته شده است، حال اگر شخصی از بالای ساختمانی که به خیابان مشرف است، ببیند که علت بسته شدن راه سرپیچی یک راننده از قوانین راهنمایی و رانندگی است که موجب تصادف و بسته شدن راه شده است، ولی سایر رانندگان خبر نداشته باشند که صد متر جلوتر چه اتفاقی افتاده است، حال سوال این است آیا او که از بالای ساختمان آگاهی پیدا کرده، در این ترافیک نقش داشته است و باعث ترافیک شده است؟!

ص:۸۵

در مثال ازدواج نیز چنین است. خداوند متعال با علم بی کران خود خبر دارد که شما روزهای آینده با چه کسی ازدواج می کنید و اگر ما با تصمیم اشتباه سرپیچی از قوانین زندگی در ترافیک زندگی بمانیم، آیا تقصیر او است که از این مسئله خبر داشته است؟!

یادآوری: با توجه به آیات قرآن و روایات اهل بیت(علیه السلام) حکمت های برخی تقدیرات الهی که برای انسان رقم می خورد، برای ما معلوم است؛ از جمله:

الف – وجود حوادث و مشکلات، حکمت هایی مانند «شکوفا شدن استعدادها» و همچنین «امتحان و آزمایش الهی» دارد که برای رسیدن به مقام های بالاتر و رحمت بیشتر است؛ زیرا خداوند می فرماید: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْ ءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ...؛ (۱)و قطعاً [همه] شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهشی در ثروت ها و جان ها و محصولات، آزمایش می کنیم؛ و به شکیبایان...»

ب – چه بسیار چیزهایی که ما داریم یا در اختیار دیگران است و ما در آرزوی داشتن آن هستیم، ولی در حقیقت آن ها «نعمت» نیست، بلکه «نقمت»اند و چه بسیار چیزهایی که فکر می کنیم «نقمت» است، ولی در حقیقت «نعمت» می باشند. خداوند متعال با این آیه شریفه: «... عَسَى أَن



---

۱- (۱) . بقره، ۱۵۵.

تَكْرَهُوا شَيْئاً وَهُوَ خَيْرٌ لَكَمْ وَعَسَى أَن تُحِبُّوا شَيْئاً وَهُوَ شَرٌّ لَكَمْ وَاللّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لاَ تَعْلَمُونَ» (۱)آرامشی جدید به ما هدیه می کند تا به رضای الهی راضی باشیم.

ج - از طرفی برخی مشکلات که در زندگی برای ما پیش می آید، نتیجه اعمال و رفتار خود ماست [گناهان یا تصمیمات اشتباه]؛ زیرا خداوند می فرماید: «و اگر (بر فرض) اهل آبادی ها ایمان می آوردند و خودنگهداری (و پارسایی) می کردند، حتماً برکاتی از آسمان و زمین بر آنان می گشودیم؛ ولیکن (آنان حق را) تکذیب کردند؛ پس بخاطر آنچه همواره کسب می کردند، گرفتارشان کردیم.» (۲) و در آی دیگر می فرماید: «... و هرکس [خودش] را از [عذاب] خدا حفظ کند، برایش محل خارج شدن (از مشکلات) قرار می دهد؛ و او را از جایی که نمی پندارد روزی می دهد؛ و هرکس برخدا توکّل کند پس او برایش کافی است...» (۳)

و در آیه دیگر می فرماید:

«بخاطر دستاورد مردم، تباهی در خشکی و دریا آشکارشد؛ تا (سزای) بعضی از آنچه انجام داده اند را به آنان بچشاند! باشد که آنان بازگردند..» (۴)



---

۱- (۱) . بقره، ۲۱۶. «... و چه بسا چیزی را دوست می دارید و آن برای شما بد است. و خدا می داند، و شما نمی دانید.»
۲- (۲) . اعراف، ۹۶
۳- (۳) . طلاق، ۲ - ۳
۴- (۴) . روم، ۴۱.

با توجه به آیات فوق به این نتیجه می رسیم که تقوا در رقم خوردن سرنوشت ما نقش مهمی دارد؛ از این رو با رعایت «تقوا» می توانیم «سرنوشت» خود را با دست خود، به نفع خود رقم بزنیم و اگر در گذشته خطا یا گناهی از ما سرزده، می توانیم توبه کنیم و با «استغفار» از گناهان گذشته طلب بخشش کنیم؛ زیرا: « قُلْ یَا عِبَادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلَی أَنفُسِهِمْ لاَ تَقْنَطُوا مِن رَحْمَهِٔ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ...» (۱)

و با دعا آینده ای زیبا را طلب کنیم که «ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ» (۲).

نتیجه:

از آنچه بیان کردیم بر می آید که تمام تقدیرات عالم هستی و انسان به دست قدرت خداوند رقم می خورد و او است که «تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ»؛ (۳)یعنی هر که را بخواهد (و شایسته بداند) عزت می دهد و هر که را بخواهد، خوار می کند.

ص:۸۸

---

۱- (۱) . زمر، ۵۳ و ۵۴. بگو: « بگو: «ای بندگان من که در مورد خودتان زیاده روی کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید، [چرا] که خدا تمام آثار (گناهان) را می آمرزد؛ که تنها او بسیار آمرزنده [و] مهرورز است.»

۲- (۲) . غافر، ۶۰. « مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم»

۳- (۳) . آل عمران، ۲۶. «... و هر که را خواهی، عزّت دهی؛ و هر که را خواهی خوار گردانی.»

بنابراین، تمام تقدیرات و سرنوشت انسان به دست خداست، ولی قرآن بهر انسان (۱) را به انداز تلاش و کوشش او می داند؛ از این رو، چیزهایی مانند تلاش انسان ، اختیار انسان و دعای انسان و... جزء تقدیرات الهی می باشد که انسان می تواند با تلاش، علم، آگاهی، دعا و جز این ها خود را در حلق «شایستگان» وارد کند و به تعبیر دیگر، خود را از حلق «خوارشوندگان» خارج کند و شایست عزتمندی شود تا خداوند او را عزت بخشد.

معرفی کتاب

برای جستار بیشتر در این باره و بحث جبر و اختیار رجوع فرمایید:

۱. درس هایی از اصول عقائد اسلامی، محمدی ری شهری؛

۲. عدل الهی، شهید مطهری.

ص:۸۹

---

۱- (۱) . نجم، ۳۹: «وَأَن لَّيْسَ لِلْإِنسَانِ إِلَّا مَا سَعَى؛ و اینکه برای انسان جز کوشش او نیست».

پرسش:

## اهمیت ازدواج از دیدگاه قرآن و احادیث در چیست ؟

پاسخ:

مقدمه:

قرآن کریم که چراغ فروزان هدایت انسان است، نسخهٔ شفابخش همهٔ آلام بشری و داروی مؤثر تمامی دردها و تأمین کنندهٔ همهٔ نیازهای مادی و معنوی آدمیان است؛ کتاب مبینی است که خود روشن و نیز روشنگر دیگران است، و ناب ترین آیین عبادی و اخلاقی و عالی ترین قانون اقتصاد و سیاست و عادلانه ترین حقوق فردی و اجتماعی را ارائه کرده است و در ازدواج، این امر بس حساس بشری نیز انسان را رها نکرده و با ریزبینی تمام به زیر و بم برنامه نگریسته و بهترین برنامهٔ زناشویی را از آغاز تا انجام آن تشریع و تشریح نموده است.

اینک پیش از پرداختن به اصل موضوع به جاست، معنای ازدواج و تعریف آن روشن شود تا محور این پژوهش به خوبی آشکار گردد.

ص:۹۱

تعریف ازدواج

۱. معنای لغوی

واژهٔ «ازدواج» عربی است، ولی در فرهنگ عرب کاربرد چندانی در امور زناشویی ندارد و آنچه در این زمینه در قرآن و زبان عرب، کاربرد بیشتری دارد، واژه های «نکاح» و «زواج» است.

«زوج» مصدر، و «زواج» اسم مصدر است، و افعال کاربردی آن عبارت اند از: زوّج و تزوّج.

«نکاح» مصدر است و مشتقات کاربردی آن عبارت اند از: نکح، انکح، تناکح و استنکح.

نکاح در اصل به معنای جفت شدن، و به هم رسیدن است؛ چنان که وقتی شاخهٔ درختان به هم برسند و تو در توی شوند، می گویند: «تناکح الاشجار» و هنگامی که آب باران به زمین برسد و با آن مخلوط شود، می گویند: «نکح المطر الارض».

«تزوّج» به معنای جفت و قرین یکدیگر شدن است، و «تزویج» و «زَوَاج» به معنای جفت کردن و زوج دادن است؛ چنآن که گفته می شود:

«زَوَّجتُ فلانا امرأةً فتزوّجها.» (۱)پس می توان گفت: که نکاح و زواج مرادف یکدیگرند.

ص:۹۲

---

۱- (۱) . ر.ک: مصباح المنير و مقاينس اللغه، ماد نکح و زوج.

اما این که حقیقت نکاح چیست و آیا نکاح عبارت است از عقد و پیمان زناشویی، یا آمیزش و التذاذ، ارباب لغت آرای گوناگونی دارند.

جوهری می نویسد: «نکاح یعنی وطی»، ابن فارس می گوید: «نکاح یعنی عقد»، و فیومی می نویسد: «معنای حقیقی نکاح نه عقد است و نه وطی؛ زیرا در به کار بردن واژهٔ نکاح در هر دو، نیازمند به قرینه است؛ بنابراین، حقیقت نکاح، عبارت است از: اختلاط و انضمام با یکدیگر». (۱)

از ملاحظهٔ کاربرد این واژه در روایات چون: «نَکَحَ امرأته و هو صائمٌ فی رمضان»، «الناکح نفسه (خود ارضایی)»، «النکاح فی الدبر»، «نکاح البهائم.» (۲)و گونه های مشابه، به خوبی روشن می شود که به خود اختلاط و آمیزش، نکاح گفته می شده؛ سپس این واژه در مقدمات آن از قبیل عقد و پیمان زناشویی به کار رفته است.

۲. تعریف حقوقی

حقوق دانان دو نوع تعریف برای نکاح ارائه کرده اند:

اول: نکاح عبارت است از: رابطهٔ حقوقی - عاطفی، که به وسیلهٔ عقد بین زن و مرد حاصل می گردد و به آن ها حق می دهد که با یکدیگر زندگی کنند و مظهر بارز این رابطه، حق تمتع جنسی است.

ص:۹۳

---

۱- (۱) . ر.ک: صحاح، مقاییس اللغه و مصباح المنیر

۲- (۲) . ر.ک: وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۸، ج ۱۵، ۳۴۴ و ج ۲۰، ص ۳۴۹ و ۳۵۵.

دوم: نکاح رابطه ای است بین زن و شوهر برای تشکیل خانواده. (۱)

تعریف دوم تنها ازدواج دایم را مدّ نظر دارد و چهرهٔ اسلامی ندارد و با فرهنگ قرآن سازگار نمی باشد؛ زیرا قرآن کریم تعبیر به ازدواج دارد که با اطلاقش ازدواج دایم و موقت را شامل می شود؛ از این رو، تعریف اول مد نظر ماست.

اهمیت ازدواج

وقوف بر جایگاه بلند ازدواج در گرو شناخت چند اصل اساسی است:

۱. در وجود انسان و آفرینش او غریزهٔ جنسی نیرومندی نهاده شده، که خود به تنهایی با دیگر غرایز برابری می کند. این نیرومندی را می توان از سخن نبوی(صلی الله علیه و آله) به دست آورد که می فرماید:

«من تزوّج فقد احرَزَ نصفَ دینهِ؛ کسی که همسر اختیار کند، نیمی از دین خود را حفظ کرده است.» (۲)

۲. در شرع مقدس اسلام میان تشریع و تکوین هماهنگی برقرار است و هیچ گاه اجازهٔ سرکوب غریزهٔ جنسی را نمی دهد، وگرنه تشریعش بر خلاف آفرینش و تکوینش خواهد بود؛ از این رو پیامبر(صلی الله علیه و آله) ضمن نکوهش عُزُوبَت (تنهایی) می فرماید: «رکعتان یصلیهما متزوج افضل من رجل عزب یقوم لیله



---

۱- (۱) . بررسی فقهی حقوق خانواده، سید مصطفی محقق داماد، ص ۲۲

۲- (۲) . ر.ک: وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷.

و یصوم نهـاره؛ دو رکعت نمازی که مرد متأهل به جای می آورد، بر این که مرد غیرمتأهل شب ها نماز بخوانـد و روزها روزه بگیرد، برتری دارد.» (۱)

تحقیقات علمی نیز نشان داده است، که با سـرکوب غریزهٔ جنسی، تلاش و حرکت از انسان گرفته می شود، حتی نبوغ و امکان ابداع از میان می رود؛ از این رو، در میان افراد خواجه، عالم، فیلسوف و نابغه یافت نمی شود. (۲)

۳. از سـوی دیگر آفریننـدهٔ ایـن غریزه اجـازه نمی دهـد، انسـان آن را در مسـیری نـادرست بـه کـار گیرد؛ از این رو طرفین در ازدواج، را یکی به منزلهٔ پاشندهٔ بذر، و دیگری (زن) را به منزلهٔ زمین کشت آن لقب داد، و فرمود:

«نِسَاؤُکُمْ حَرْثٌ لَکُمْ؛ زنان شما، کشتزار شما هستند.» (۳) البته این بدان معنا نیست که تکوّن فرزند از یک طرف و طرف دیگر بسان ظرف نگهداری آن است، بلکه بدین معناست که همان گونه که جامعهٔ انسانی برای حفظ بقای خود به مزرعه، زراعت و مواد غـذایی نیاز دارد و بـدون آن نمی توانـد دوام داشـته باشـد، بدون وجود زن نیز حفظ جامعهٔ انسانی و بقای نسل او ممکن نخواهد بود.

۴. بایستن سه اصل بالا حکم می کند که برای بهره بری از غریزهٔ جنسی، مرزبندی هایی در دو سری آن به وجود آید، و قانون ازدواج تشریع شود،

ص:۹۵

---

۱- (۱) . همان، ص ۱۹

۲- (۲) . ر.ک: مجله زن روز، ش ۹۸۵، ص ۵۲

۳- (۳) . بقره، ۲۲۳.

لذا فرمود: « فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُم مِنَ النِّسَاءِ؛ پس آنچه از زنان، دلخواهتان است، به زنی بگیرید.» (1)

قید «طاب» بیانگر اهتمام به نسل بشری است که مبادا نسلی نابهنجار از مادرانی آلوده به جامعهٔ سالم راه پیدا کنند؛ یعنی پیش از ازدواج می بایست به فکر تربیت بود.

با توجه به این اصول، به این نتیجه می رسیم که ازدواج همان بهره برداری درست از پدیدهٔ غریزهٔ جنسی است که خالق حکیم در وجود انسان قرار داده است و انسان می باید در حد تعادل از آن استفاده کند تا ضمن هماهنگی تشریع با تکوین، زمینهٔ دوام و بقای نسل بشری را فراهم آورد.

به دیگر سخن، ازدواج و تأثیر آن بر جامعه، به منزلهٔ آب و غذا و حیات بخشی آن ها در بدن انسان است که نبود آن در اندک زمانی انسان را به نابودی می کشاند.



---

۱- (۱) . نساء، ۳.

پرسش:

## آثار و قواعد ازدواج چیست ؟

### اشاره

پاسخ:

ازدواج به عنوان یـک پدیـدهٔ طبیعی، دارای آثار و فوایـد فردی و اجتماعی فراوانی است، که در قرآن کریم نیز به برخی از آن ها اشاره شده است:

### الف – اثر اجتماعی (حفظ نسل)

آن گونه که پیش از این نیز بـدان اشاره شد، مهم ترین اثر در بعد اجتماعی ازدواج، بلکه راز اصـلی این پدیده، اسـتمرار نسـل بشری است. افزون بر اشارهٔ قرآن، امام علی(علیه السلام) در راز وجود شهوت در انبیا می فرماید:

«و امـا الشـهوهٔ فجعلهـا الله تعـالی فیهم لمـا اراده من بقـائهم فی الـدنیا... فلولاـ موضع الشـهوهٔ،لمـا اکلوا، فبطل قوه اجسامهم عن تکالیفهم و یبطل حال النکاح، فلایکون لهم نسل ولا ولـد، و ما جری مجری ذلک، فالشـهوهٔ مرکبه فیهم لـذلک؛ خداوند بدین جهت در انبیا شـهوت قرار داد که می خواست آن ها بتوانند در دنیا زندگی کنند...؛ پس اگر شـهوت در آن ها نبود، غذا نمی خوردند، بدنشان از ادای وظایف باز می ماند و نیروی نکاحشان از بین می رفت، و دیگر نسل و فرزندی نداشتند؛ پس بدین

خاطر شهوت در درونشان جاسازی گردید.» (۱) باید توجه داشت که شهوت در سخن امام اعم از شهوت جنسی و اشتهای شکمی است، ولی مصداق بارز خواست انسانی شهوت جنسی است.

### ب– آثار فردی

قرآن برای ازدواج در بُعد فردی، آثار چندی را بیان می کند که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱. آرامش روحی

وقتی بنا شد به حکم حکمت الهی و مصالح آفرینش، در درون انسان غریزهٔ جنسی نهاده شود، چنان که در روایتی از امام صادق(علیه السلام) به نقل از علی(علیه السلام)، آمده است:

«ان الله رکب فی الملائکه عقلاً بلا شهوة، و رکب فی البهائم شهوة بلا عقل، و رکب فی بنی آدم کلیهما، فمن غلب عقله علی شهوته، فهو خیر من الملائکه، و من غلب شهوته علی عقله فهو شر من البهائم؛ خداوند فرشتگان را از عقل محض آفرید، و حیوانات را از شهوت محض خلق کرد، ولی در آفرینش انسان، هر دوی عقل و شهوت را قرار داد؛ بنابراین، اگر عقل انسان بر شهوتش چیره شود، از فرشتگان برتر خواهد شد، و اگر شهوتش غالب گردد، از چهارپایان نیز پست تر می شود.» (۲)



---

۱- (۱) . ر.ک: بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۸۹

۲- (۲) . ر.ک: وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۶۴.

در درگیری میان عقل و شهوت، به هنگام فوران کورهٔ آتش شهوت، تنها چیزی که می تواند به انسان آرامش ببخشد، خاموش کردن طبیعی آتش شهوت است که در قالب ازدواج قانونی انجام می شود. اصلا وجود همسر شرعی و قانونی در کنار انسان از آن جهت که هر زمان اراده کند، در اختیار او است، خود مایهٔ آرامش است و از این رو است که قرآن می فرماید: « وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُم مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجاً لِّتَسْكُنُوا إِلَيْهَا؛ دیگر از نشانه های خدا این است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید، تا در کنار آن ها آرامش یابید» (۱) با این آرامش به دست آمده، انسان بهتر می تواند از عالم خاکی رسته، از ملک فراتر رفته و به خدا برسد.

۲. دوست یابی

انسان در این دنیا، به حکم این که در درونش، یک جاذبه و کشش قلبی وجود دارد، نمی تواند همواره به تنهایی زندگی کند، بلکه می بایست برای خود شریک و رفیقی برگزیند. بدیهی است که رفقای درسی و شرکای مالی هر کدام در کوتاه مدت، و تنها در بخشی از نیازها می توانند انسان را یاری کنند، ولی آن که در دراز مدت می تواند یار و غمخوار انسان و انیس و مونس وی باشد، همسر او است؛ از این رو، قرآن می فرماید: «وَجَعَلَ بَيْنَكُم مَوَدَّةً وَرَحْمَةً؛ (۲)و در بین شما دوستی و رحمت قرارداد.»



---

۱- (۱) . روم، ۲۱

۲- (۲) . همان.

مودت در آغاز زندگی و رحمت در پایان آن است. مودت در بیشتر مواقع، دو سویه و رحمت از یک سوی می باشد.

۳. دژسازی

قرآن کریم از هر دوی زن و مرد نسبت به یکدیگر تعبیر به لباس می کند و می فرماید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ؛ آنان لباسی برای شما، و شما لباسی برای آنان هستید.» (۱) فلسفهٔ آن نیز روشن است؛ زیرا این لباس است که انسان را از سرما و گرما و خطر برخورد اشیاء به بدن حفظ می کند، عیوب انسان را می پوشاند و نیز زینتی برای انسان است.»

زن و مردی هم که ازدواج کنند، به آثار ارزشمندی می رسند؛ زیرا جوان، چه پسر و چه دختر، وقتی به مرحله ای از زندگی رسید، از یک سو احساس استقلال می کند و می خواهد به نحوی از خانه و خانواده جدا شده و شانهٔ خود را از زیر اوامر و نواهی پدر و مادر خالی کند و از سوی دیگر، این استقلال در بسیاری امور نه تنها کارساز و مشکل گشا نیست، بلکه مشکل آفرین نیز هست.

در این جا می بایست ضمن دادن استقلال به فرزند، او را به جایی پیوند داد تا از تند بادهای زندگی، حرارت شهوت، سردی عاطفه، گفتار ناروای مردم و... در امان بماند و این تنها ازدواج است که می تواند این مهم را بر دوش بگیرد؛



---

۱- (۱) . بقره، ۱۸۷.

ی

عنی پسر و دختر را در برابر آتش شهوت بیمه کند، در سردی زندگی عاطفهٔ آن ها را تأمین نماید، از گفت و شنودهای بی پایه در امانشان دارد و هر کدام را مایهٔ آبروی دیگری سازد. افزون بر آن، این که زن و مرد بسان لباس عیب های ظاهری و باطنی یکدیگر را می پوشانند.

۴. یادگار نیک

یکی از آثار مهم ازدواج این است که انسان می تواند، یادگاری شایسته به نام فرزند صالح تحویل جامعه دهد، ثمرهٔ صالحی که چه بسا به مصلحی بدل شود و با فکر و اندیشه خود عالمی را دگرگون می سازد. روشن است که با خودداری از ازدواج ظهور چنین مصلحانی ممکن نخواهد بود؛ از این رو قرآن به دنبال بیان «حرث لکم» می فرماید: « قَدِّمُوا لأَنْفُسِكُمْ ؛ با پرورش فرزندان خوب، اثر نیکی را از پیش بفرستید.» (۱)

۵. بی نیازی

افزون بر آثار عبادی و اخلاقی ازدواج، در بعد فردی و اجتماعی، اثر اقتصادی نیز در آن وجود دارد. قرآن می فرماید: «إِن يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند آن ها را از فضل خود بی نیاز می کند.» (۲) این تعبیر در پاسخ کسانی است که از ترس

ص:۱۰۱

---

۱- (۱) . بقره، ۲۲۳

۲- (۲) . نور، ۳۲.

فقر، تن به ازدواج نمی دهند، و حال آن که قرآن نه تنها ازدواج را موجب تنگدستی نمی داند، بلکه بر عکس مایهٔ توسعهٔ زندگی می داند؛ زیرا فرد مجرد ممکن است لقمه نانی را از خانهٔ پدر به دست آورد؛ از این رو خود را آزاد انگاشته و دنبال کار و تلاش نرود، ولی همین که ازدواج کرد و وظایفی بر دوش خود احساس نمود، بی شک تلاش خواهد کرد تا خود و خانواده اش را تأمین کند، و در پرتو این سعی و کوشش به فضل الهی به زندگی اش فزونی بخشد.

۶. کسب معنویت

وقتی بر اثر ازدواج، تعادل در غریزهٔ جنسی ایجاد شد، انسان می تواند در پرتو آرامش حاصل از آن به عبادت بپردازد و به مبدأ و معاد (خدا و قیامت) توجه بیشتری داشته باشد؛ چنان که پیامبر(صلی الله علیه و آله) می فرماید: «من احب ان یلقی الله طاهراً مطهراً فلیقله بزوجه؛ هر کس می خواهد پاک و پاکیزه خدا را ملاقات کند، باید ازدواج کند.» (۱)

ص:۱۰۲

---

۱- (۱) . مقنعه، شیخ مفید، ص ۴۹۶.

پرسش:

## ازدواج چند قسم است ؟

پاسخ:

در بسیاری از جوامع بشری، ازدواج را تنها در شکل دایم آن می پذیرند و چون به ازدواج موقت اعتقادی ندارند، کسانی که به هر دلیل قادر به انجام ازدواج نباشند، بر اثر فشار شهوت به فساد روی می آورند. اما شارع مقدس اسلام نظر به ضرورت و دلایلی، دو نوع ازدواج را تشریع کرده است که عبارت اند از:

الف – ازدواج دائم: که عبارت است از: پیمان زناشویی که بین زن و مرد برای مدت غیرمعین بسته می شود. این نوع ازدواج محور احکام، حقوق، و آداب و رسوم است.

ب – ازدواج موقت (متعه)، و آن عبارت است از: پیمان زناشویی که بین زن و مرد، در برابر مهر معین و برای مدت مشخص بسته می شود. (۱)



---

۱– (۱) . اقتباس از کتاب التعریفات، ص ۱۰۸؛ فرهنگ معارف اسلامی، ج ۳، ص ۲۰۳۴.

بـدیهی است بـا تـوجه به حقـوقی که ازدواج برای طرفین ایجـاد می کنـد و سـنگینی هزینه هـا، ادامـۀ تحصـیل، آداب و رسـوم پیچیـده، ازدواج دائم چه بسـا برای همه به سـادگی مقـدور نباشـد؛ از این رو، یا می بایـد با مشـکل ارضا نشـدن غریزۀ جنسـی سوخت و ساخت و یا به مسـیر انحرافی روی آورد؛ به دیگر سـخن، یا باید رهبانیت مسـیحی را پذیرفت و یا به کمونیزم جنسی تن داد؛ یعنی به دختر و پسـر اجازه دهیم که با ده ها بلکه صـدها نفر رابطـۀ جنسـی داشـته باشـند و از هم کام بگیرند. راسل - فیلسوف انگلیسی - ولیندزی - قاضی آمریکایی - برای حل بحران جنسی، ازدواج رفاقتی و تجربی را پیشنهاد می کنند. (۱)

اسـلام ضـمن رد رهبـانیت و نیز کمونیزم جنسـی ازدواج موقت (متعه) (۲) را می پـذیرد، (۳) که طرح «راسـل» تا حـدی با آن شبـاهت دارد. در قرآن به این حقیقت اشاره شـده است: «فَمَا اسْـتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِیضَـةً؛ زنانی را که متعه می کنید، مهر آن ها را، واجب است بپردازید.» (۴)

ص:۱۰۴

---

۱- (۱) . نظام حقوق زن در اسلام، مطهری، ص ۳۰

۲- (۲) . «متعه» اسم مصـدر «تمتیع» به معنای منفعت بردن است و «متعه» در ازدواج به معنای ابراز التـذاذ و انتفاع است. (ر.ك: مقاییس اللغه و نهایه، ماد متع.)

۳- (۳) . این برنامه در قوانین مدنی کشورمان نیز پذیرفته شده است. (ر.ك: قانون مدنی، مواد ۱۰۷۵ تا ۱۰۷۷.)

۴- (۴) . نساء، ۲۴.

دلایل جواز ازدواج موقت

۱. اطلاق آیهٔ «فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُم مِنَ النِّسَاءِ؛ پس آنچه از زنان، دلخواهتان است، به زنی بگیرید». (۱)

۲. اطلاق واژهٔ «ازدواج» در آی: «وَالَّذِینَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ؛ و کسانی که آنان دامانشان را (در امور جنسی) حفظ می کنند، مگر در مورد همسرانشان یا آنچه (از کنیزان) مالك شده اند.» (۲)

۳. آیهٔ استمتاع (متعه): «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ...» این قسمت آیه دلالت دارد که قبل از نزول آن، ازدواج موقت وجود داشته است. (۳)

۴. روایات: شیخ طوسی در کتاب «الخلاف»، روایات جواز متعه را از ابن مسعود، جابر بن عبدالله، سلمهٔ بن اکوع، ابوسعید خدری، مغیرهٔ بن شعبهٔ، ابن عباس، ابن جریح، عطاء، سعید بن جبیر و جز این ها نقل می کند. (۴)

مسلمانان و مسئلهٔ متعه(ازدواج موقت)

دربارهٔ متعه در بین مسلمانان، چند نظریه وجود دارد که عمدهٔ آن عبارت اند از:



---

۱- (۱) . نساء، ۳

۲- (۲) . معارج، ۳۰

۳- (۳) . نساء، ۲۴

۴- (۴) . کتاب خلاف، ج ۴، ص ۳۴۰.

۱. موقت بودن حکم آن در زمان پیامبر(صلی الله علیه و آله)، برای چند روز. (۱)

۲. مباح بودن آن در زمان پیامبر(صلی الله علیه و آله) و نسخ آن به وسیلهٔ خود آن حضرت. بیضاوی در تفسیر خود به این نظریه اشاره دارد. (۲)

۳. مباح بودن آن در زمان پیامبر(صلی الله علیه و آله) و نسخ آن در زمان عمر. این نظریه بیشتر مفسران و علمای اهل سنت است. (۳)

معروف و مشهور این است که عمر خود گفته است: «متعتان کانتا علی عهد رسول الله(صلی الله علیه و آله)، انا انهی عنهما و اعاقب علیهما؛ دو متعه [متعهٔ نسا و متعهٔ حج] در زمان پیامبر(صلی الله علیه و آله) وجود داشت، من آن را ممنوع کردم و عقاب آن را می کشم.» (۴)

۴. جواز متعه و نسخ نشدن آن. این نظریه همهٔ فقها و مفسران شیعه و برخی علمای اهل سنت است. (۵) شیعه معتقد است متعه در زمان پیامبر(صلی الله علیه و آله) وجود داشته و حکم آن همچنان باقی است. روایات ائمهٔ معصومین(علیه السلام) نیز بر همین معنا دلالت دارند. در روایتی از امام باقر(علیه السلام) می خوانیم که فرمود: «...احلها الله فی کتابه و سنها رسول الله و عمل بها اصحابه؛ خداوند در کتابش



---

۱- (۱) . ر.ک: الغدیر، ج ۶، ص ۲۲۵

۲- (۲) . تفسیر بیضاوی، ج ۳، ص ۷۶

۳- (۳) . زمخشری در کشاف، ج ۱، ص ۴۹۸، فخررازی در تفسیر کبیر، ج ۱۰، ص ۴۹، میبدی در کشف الاسرار، ج ۲، ص ۴۶۹، ابن اثیر در نهایه - متع

۴- (۴) . تفسیر کبیر، ج ۱۰، ص ۵۰

۵- (۵) . ر.ک: الغدیر، ج ۶، ص ۲۲۳.

متعه را حلال کرده، و پیامبر(صلی الله علیه و آله) آن را سنت قرار داد، و اصحاب آن حضرت بدان عمل می کردند.» (۱) در روایت دیگری آمده است که ابوبصیر از امام باقر(علیه السلام) دربارهٔ متعه پرسید، امام فرمود: «نزلت فی القرآن، فما استمتعتم... (۲)

وقتی تشریع حکمی در زمان پیامبر(صلی الله علیه و آله) ثابت شد، نسخ شدن آن به نحو صحیح نیازمند دلیل قطع از سوی شارع می باشد.

ج - ملک یمین: این نوع سوم از نکاح است که در قرآن بدان اشاره شده است: «... إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ... (۳)»



---

۱- (۱) . ر.ک: بحارالانوار، ج ۴، ص ۳۵۶

۲- (۲) . تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۰

۳- (۳) . مومنون، ۶.

پرسش:

## مسئولیت جامعه در مورد ازدواج جوانان چیست ؟

پاسخ:

قرآن کریم در بسیاری از امور، وظایفی را بر دوش افراد جامعه گذاشته است و آن ها را مسئول رخدادهایی می داند که پیرامونشان روی می دهد. مصداق بارز این مسئولیت را می تواند در مسئله امر به معروف و نهی از منکر جستجو کرد. نمونهٔ دیگر آن همین مسئلهٔ ازدواج است؛ زیرا قرآن گاهی خطاب به افراد «عَزَب» می فرماید: «انکحوا»؛ یعنی ازدواج کنید.

اما گاهی به اولیا، پدر و مادر، دولت و ملت خطاب کرده و می فرماید: به فکر ازدواج نیازمندان باشید: «وَأَنكِحُوا الْأَيَامَى مِنكُمْ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ؛ و افراد بی همسرتان، و شایستگان از بندگانتان، و کنیزانتان را به ازدواج (یکدیگر) در آورید.» (۱)

«ایامی» مقلوب ایائم، جمع ایّم، بر وزن قیّم به معنای عزب و بی همسر است، خواه مرد باشد یا زن و پیش از این همسر داشته یا نداشته است. (۲)

ص:۱۰۹

---

۱- (۱) . نور، ۳۲

۲- (۲) ر.ک: مصباح المنیر و مقائیس اللغه - ، ماد ایم.

بـه این نکته بایـد تـوجه داشت که ازدواج امری اختیـاری است و هیـچ کس نمی توانـد دیگری را به آن وادار کنـد، و این که قرآن خطاب به جامعهٔ اسلامی سفارش می کند افراد بی همسر را همسر دهید، به هیچ وجه مجوز اجبار دیگران نیست، بلکه به معنای زمینه سازی و فراهم کردن مقدمات کار است.

نمودهای همکاری

همکاری در امر ازدواج در چند چیز می تواند نمود پیدا کند:

الف - تشویق آن ها به ازدواج؛

ب - شناسایی همسر شایسته و لایق؛

ج - کمک های مالی به ویژه از ناحیهٔ والدین؛

د - پا در میانی و وساطت کردن؛

ه- - کمک نمودن در انجام مراسم عقد و عروسی؛

همکـاری و تعاون اسـلامی در همـهٔ زمینه ها مطلوب است، اما در خصوص ازدواج شـکل دیگری دارد؛ چنان که در روایتی از امام علی(علیه السلام) می خوانیم: «افضل الشفاعات ان تشفع بین اثنین فی نکاح حتی یجمع الله بینهما؛ بهترین میانجی گری آن است که میـان دو نفر برای ازدواج وسـاطت کنی، تـا این دو به سامـان برسـند.» (۱) افزون بر آن کـه همکـاری در امر ازدواج مصداق بارز



۱- (۱) . وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۷.

«فَاسْتَبِقُوا الْخَیْرَاتِ»، (۱)است، چنـان که در روایتی دیگر، ثواب عظیمی (آسـایش در قیـامت، حور العین و همنشـینی بـا انبیـاء) برای میانجی گر ازدواج بیان شده است. (۲)

نکته:

قرآن وقـتی به خود فرد ازدواج را سـفارش می کنـد، به تعـدد زوجـات نیز اشـاره دارد، ولی وقـتی به دیگران دسـتور تلاـش و کوشـش می دهـد، سـخنی از چنـد همسـری به میان نمی آورد، و این بیانگر این است که جامعه، تنها در رفع نیاز اولیه مسـئول است، ولی تعدد زوجات بستگی به عدالت، وسعت مالی و دیگر شرایط دارد که متوجه خود شخص است.

ص:۱۱۱

---

۱- (۱) . بقره، ۱۴۸

۲- (۲) . همان.

پرسش:

## ازدواج های ممنوع کدام است ؟

پاسخ:

ازدواج در اسلام، همانند دیگر پدیده های اجتماعی، قانونمند و دارای اصول مسلمی است که باید رعایت شود. اگر آفرینندهٔ انسان در وجود وی شهوت جنسی قرار داده و هماهنگ با تکوین، در تشریع، ازدواج را مقرر کرده است، این گونه نیست که مرد بتواند با هر زنی پیمان زناشویی ببندد، و یا هر زنی بتواند با هر مردی ازدواج نماید؛ از این رو قرآن فهرستی از افرادی که زناشویی با آن ها ممنوع است، ارایه می کند.

عوامل منع ازدواج

آنچه موجب ممنوعیت ازدواج می شود، نوعی ارتباط است که میان افراد وجود دارد، که عبارت اند از:

الف – خویشاوندی یا ارتباط نسبی؛

ب – شیرخوارگی یا ارتباط رضاعی؛

ج – پیوند زناشویی یا ارتباط سببی (خواه مشروع باشد یا نامشروع)؛

ص:۱۱۳

د - کفر و طلاق نیز در مواردی موجب منع می گردد که پس از این بدان اشاره می شود؛

ارتباط خویشاوندی

ارتباط خویشاوندی باعث می شود تا ازدواج با افراد زیر ممنوع گردد:

۱. مـادر که شامل مادر بزرگ نیز می شود. ۲. دختر که شامـل فرزنـد و نوهٔ او (دختر) نیز می شود. ۳. خواهر. ۴. دختر برادر و فرزند و نوه او. ۵. دختر خواهر و فرزنـد و نوه او. ۶. عمه که شامل عمـهٔ پدر و مادر نیز می شود. ۷. خاله که شامل خالهٔ پدر و مادر هم می شود. قرآن می فرماید: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالاَتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ؛ بر شـما حرام شـده است، (ازدواج بـا) مادرانتـان، و دخترانتـان، و خواهرانتـان، و عمه هایتان، و خاله هایتان، و دخترانِ برادر، و دخترانِ خواهر.» (۱)

گفتنی است افراد براساس طبع درونی، از ازدواج بـا این افراد متنفرنـد؛ از این رو، در بیشـتر جوامع ازدواج بـا این دسته ممنوع است، به ویژه این که تأثیر هم خونی که ناشی از ازدواج با خویشاوندان است، در این گونه افراد بیشتر می باشد.

ارتباط شیری

ارتباط رضاعی با شرایط مقرر در فقه باعث می شود تا ازدواج با خویشان نسبی فرد همشیر که جزء محارم او به شمار می رود، ممنوع گردد. قرآن

ص:۱۱۴

---

۱- (۱) . نساء، ۲۳.

می فرمایـد: «وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِی أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِنَ الرَّضَاعَةِ؛ و مادران (رضاعی)تان که شـما را شـیر داده اند، و خواهران رضاعی شما بر شما حرام شده است.» (۱)

نکته ای که در این جا وجود دارد، این است که در حرمت ازدواج با مرتبطان رضاعی، تنها مادر و خواهر بیان شده و سخنی از عمه و خـاله و دیگران به میـان نیامـده است، ولی طبق روایـات، این منع شامـل همـهٔ اصـناف محرم نسبی می شود چنان که در روایتی از پیـامبر(صـلی الله علیه و آله) می خوانیم: «یحرم من الرضـاع مـا یحرم من النسب؛ تمـام کسانی که از نظر ارتباط نسبی حرام اند، از نظر شـیرخوارگی نیز حرام اند.» (۲) در روایتی دیگر از امام صادق(علیه السـلام) آمده است: «یحرم من الرضاع ما یحرم من القرابه؛ همـهٔ کسانی که از نظر نسب حرام انـد، با شـیر نیز حرام می شونـد.» راز حرمت ازدواج با خویشاوندان شـیری این است که کودکی که گوشت و اسـتخوانش با شـیر زنی پرورش می یابـد، شـباهت تامی به فرزنـدان او پیـدا می کند، و در حقیقت بخشی از بدن مادر و مانند خواهر و برادر نسبی آنان می شود.

ص:۱۱۵

---

۱- (۱) . همان

۲- (۲) . وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۹۳.

ارتباط سببی

ارتباط سببی باعث می شود تا چند گروه در دایرهٔ منع ازدواج قرار گیرند که عبارت اند از: ۱. مادر زن و نیز مادر او؛ ۲. دختر زن با شرایط مقرر؛ ۳. عروس و نیز عروس پسر و دختر؛ ۴. خواهر زن به طور هم زمان؛ ۵. زن پدر.

قرآن می فرماید: «وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِی فِی حُجُورِكُم... وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَن تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ؛ مادران همسرانتان، و دختران همسرتان که در دامانِ شما [پرروش یافته اند]...؛ و (نیز حرام است بر شما ازدواج با) همسران پسرانتان که از پشت (و نسل) شما هستند، و اینکه بین دو خواهر (در ازدواج) جمع کنید.»؛ (۱) چنان که می فرماید: «وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ؛ و زنانی را که پدرانتان به ازدواج (خود) در آورده اند، به همسری نگیرید.» (۲)

راز تحریم ازدواج با این افراد آن است که با اجرای صیغهٔ عقد، در واقع آن ها به منزلهٔ خویشاوندان قرار گرفته اند؛ از این رو همان حکم را دارند، به ویژه در جمع میان دو خواهر که تضاد عاطفی (درگیری انگیزهٔ محبت و انگیزهٔ رقابت) خود عامل دیگری در ممنوعیت است.

ازدواج با نامادری افزون بر این که در حکم مادرشان (مادر دوم) است، باعث هتك حرمت پدر نیز شود؛ از این رو، به دنبال حکم تحریم می فرماید: «إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتاً وَسَاءَ سَبِيلاً؛ [چرا] که آن، زشتکاری و کینه (ساز) و بد راهی است.» (۳)

ص:۱۱۶

---

۱- (۱) . نساء، ۲۲

۲- (۲) . همان

۳- (۳) . همان.

چرا خطاب به مردان

آنچه در این آیات آمده، همه خطاب به مردان است؛ زیرا نفرموده: «حرم علیکن آبائکن...» رازش این است که تقاضای ازدواج و خواستگاری به حسب عرف از سوی مردها صورت می گیرد؛ از این رو، به آن ها می گوید: وقتی خواستید ازدواج کنید متوجه باشید که ازدواج با این ها حرام است.

به هر صورت، ازدواج زن نیز با عده ای از مردان حرام می باشد و کافی است برای روشن شدن محارم زن در ازدواج، عناوین را برعکس کنیم و به جای مادر، پدر و به جای خواهر، برادر و به جای عمه، عمو و به جای خاله، دایی و به جای عروس، داماد و به جای نامادری، ناپدری و به جای دختر خواهر و برادر، پسر خواهر و برادر قرار دهیم.

آمیزش

آمیزش پیش از ازدواج (زنا)، موجب می شود مادر و دختر آن زن بر زنا کننده حرام شود؛ (۱) چنان که اگر کسی با زن شوهردار (مسلمان یا غیرمسلمان) زنا کند، همیشه بر زنا کننده حرام خواهد شد؛ بدین معنا که اگر از شوهرش جدا هم بشود، نمی تواند با وی ازدواج کند.

یادآور می شویم که آمیزش با مرد نیز موجب حرمت ازدواج با مادر مفعول (شخص لواط داده) و خواهر و دختر او می شود؛ زیرا این شخص در حکم همسر آن مرد قرار می گیرد. (۲)



---

۱- (۱) . تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۷۸؛ وسائل الشیعه ابواب ما یحرم بالمصاهره
۲- (۲) . همان، ص ۲۸۱.

## طلاق

طلاق نیز در صورتی که مکرر (۳ بـار) انجـام شود، بـاعث حرمت ازدواج با زن مطلقه می شود. قرآن کریم می فرمایـد: «فَإِن طَلَّقَهَا فَلاَ تَحِلُّ لَهُ مِن بَعْـدُ حَتَّی تَنکِحَ زَوْجاً غَیْرَهُ؛ و اگر (شوهر برای بار سوّم) آن (زن) را طلاق داد، پس از [آن] به بعد بر آن (مرد) حلال نخواهـد بود؛ تـا اینکه بـا شوهری غیر از او ازدواج کنـد. و اگر (شوهر دوّم) او را طلاق داد.» (۱) این محرومیت برای کنترل مردان هوس بازی است که زندگی زنان را به بازی می گیرند.

گفتنی است چنانچه با وساطت مُحَلِّل، نُه بار طلاق دهد، همواره بر او حرام می شود. (۲)

## کفر

کفر به عنوان نمادی از باور نادرست، مانع از ازدواج انسان مؤمن با کافر می شود؛ بـدین معنا که زن مسـلمان حق ندارد با مرد کـافر ازدواج کنـد، و مرد مسـلمان نیز نبایـد با زن کافر پیمان زناشویی ببنـدد. قرآن کریم مِی فرمایـد: «وَلاَ تَنکِحُوا الْمُشْـرِکَاتِ حَتَّی یُؤْمِنَّ ... وَلاَ تُنْکِحُوا الْمُشْـرِکِینَ حَتَّی یُؤْمِنُوا؛ و با زنان مشـرکِ [بت پرست] ، ازدواج نکنیـد؛ تا ایمان آورند... و به مردان مشرک [بت پرست] زن مدهید، تا ایمان آورند.» (۳)

ص:۱۱۸

---

۱- (۱) . بقره، ۲۳۰

۲- (۲) . ر.ک: جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۸

۳- (۳) . همان، ۲۲۱.

راز ممنوعیت ازدواج با مشـرکان این است که در معاشـرت ها، و به ویژه در معاشرت زناشویی که تأثیر عمیقی بر روحیهٔ طرف مقابل دارد، مشرک سعی می کند، همسر خود را به سوی عقاید باطل خویش دعوت نماید.

مشـرک به معنای کسـی است که شـریکی برای خـدا قرار می دهد، و به این معنا یهود و نصاری نیز (به خاطر این که به نحوی برای خـدا شـریک قرار می دهنـد) جزء مشـرکان می باشـند، ولی از آن جا که قرآن در خطاب با آن ها تعبیر به (اهل الکتاب) می کند، حکم شرک از این جهت شامل آن ها نمی شود.

ص:۱۱۹

پرسش:

## رخصت در ازدواج چرا؟

### اشاره

پاسخ:

در این که پسر و دختر در ازدواج خود مستقل اند یا باید با اذن و توافق بزرگ ترها اقدام کنند، باید گفت: از ناحیهٔ پسر بی تردید اجازهٔ غیر خودش شرط نیست. ولی در طرف مقابل جای سخن است:

### اقسام زنان و مسئلهٔ رخصت

پیش از بررسی مسئله یادآور می شویم که جنس مؤنثی که در ازدواج مد نظر می باشد، یکی از موارد زیر است:

۱. ازدواج مجدد باشد.

۲. صغیر و پیش از رسیدن به رشدِ کافی باشد.

۳. رشید و اولین ازدواج وی باشد.

زنانی که قصد ازدواج مجدد دارند

در این باره قرآن اشاره دارد که زن مختار است و هر تصمیمی که بخواهد، می تواند بگیرد؛ از این رو می فرماید: «فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيما فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ و هنگامی که به سرآمدِ (عدّه)شان رسیدند، پس

هیچ گناهی بر شما نیست نسبت به آنچه بطور پسندیده در باره خودشان انجام دهند.» (۱) این آیه دربارهٔ زنانی است که شوهرشان را از دست داده اند و باید چهار ماه و ده روز عدهٔ وفات نگهدارند، و پس از آن می توانند با صلاح دید خود ازدواج کنند، و نیز می فرماید: «وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلاَ تَعْضُلُوهُنَّ أَن یَنکِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ؛ و هنگامی که زنان را طلاق دادید و به سرآمدِ (عدّه)شان رسیدند. پس مانعشان نشوید که با همسرانِ (سابقِ) شان، ازدواج کنند.» (۲)

«عضـل» بر وزن عزل، بـه معنـای منـع کردن از ازدواج و سـخت گیری کردن در آن است؛ (۳) یعنی کسـی (از اولیاء زن) حق ندارد که او را از ازدواج با کسی باز دارد، و یا به ازدواج با کسی مجبور نمایند.

دختران نابالغ و غیررشید

در این مورد، در صورتی که درستی ازدواج وی پذیرفته شود، بی شک مصلحت اندیشی اولیای دختر لازم است؛ زیرا دختری که به رشـد عقلانی و اجتماعی کافی نرسـیده، نمی توانـد مصالـح و مفاسد خود را تشـخیص دهد؛ از این رو، اجازه و موافقت پدر شرط است و اگر قرآن می فرماید: «الَّذِی بِیَدِهِ



---

۱- (۱) . بقره، ۲۳۴

۲- (۲) . بقره، ۲۳۲

۳- (۳) . مقاییس اللغه و مصباح المنیر و کتاب العین، ماد غصل - عضل.

عُقْدَةُ النِّکَاحِ؛ (۱)یا کسی که پیوند ازدواج به دست اوست.» به ولایت پدر و پدر بزرگ پدری بر این نوع ازدواج اشاره دارد که بدون تردید اختصاصی به دختر نیز ندارد.

البته قرآن در مورد ازدواج «ملک یمین کنیزان» صراحت در لزوم اذن دارد. «فَانکِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ؛ (۲)پس آنان را با رخصت خانواده شان به همسری در آورید.»

دوشیزگان رشید

در مورد دخترانی که به بلوغ عقلانی و رشد کافی رسیده اند، هرچند بکر باشند، در هیچ آیه ای دلالت قطعی بر لزوم اذن و موافقت اولیا وجود ندارد.

روایات نیز بر مسئله دلالت قطعی ندارد؛ زیرا برخی روایات صراحت دارد بر این که کار بکر رشید به دست خود او است، و اگر در پاره ای از روایات آمده است:

«لا تنکح ذوات الآباء من الابکار الا باذن آبائهن ؛ با دخترانی که پدر و پدر بزرگ پدری دارند، بدون اذن آن ها ازدواج نکن.» (۳) منظور ارشاد به این است که ازدواج با دختری بدون موافقت پدرش ممکن است شادابی بایسته و شایسته را نداشته باشد. ناگفته نماند از نظر حکمت و مصلحت که در برخی موارد نظارت و کنترل پدر و مانند او شرط اساسی است؛ زیرا مرد بندهٔ شهوت

ص:۱۲۳

---

۱- (۱) . بقره، ۲۳۷

۲- (۲) . نساء، ۲۵

۳- (۳) . وسائل الشیعه، ابواب عقد النکاح، باب ۶.

و زن اسیر محبت است، آنچه مرد را می لرزاند، شهوت است و آنچه زن را از پای در می آورد، نغمهٔ محبت و عشقی است که از مردی بشنود، در لغزش مرد و اسارت زن، این بزرگ ترها هستند که می توانند آن ها را به مسیر درست و مطابق مصالح رهنمون باشند؛ از این رو وقتی یک بار ازدواج کرد، و سردی و گرمی روزگار و شیرینی و تلخی آن را چشید و ورزیده شد، چندان نیازی به نظارت نیست.

ص:۱۲۴

پرسش:

## کابین (مهر) چرا و چگونه ؟

### اشاره

پاسخ:

یکی از امور مهمی که قرآن کریم در موضوع ازدواج مطرح کرده، مسئله کابین یا مهر است که از آغاز پیمان زناشویی تا جدایی زن و شوهر از یکدیگر مورد توجه قرار دارد و با تعبیرهای مختلفی چون صدق، نحله، اجر و فریضه، (۱) به بیان احکام آن پرداخته، و می فرماید: «وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً؛ (۲)و مَهریه های زنان را (به عنوان هدیه یا) بدهی به آنان بپردازید.» و نیز می فرماید: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً؛ (۳)و کسانی از زنان را که (با مُتعه و ازدواج موقت) از او بهره می برید، پس مَهرشان را، در حالی که واجب شده، به آنان بدهید.»



---

۱- (۱) . در روایات بیشتر دو تعبیر مهر و صداق به کار رفته است

۲- (۲) . نساء، ۴

۳- (۳) . نساء، ۲۴.

«صدق» به ضم دال، جمع صداق، از ریشهٔ صدق به معنای راستی، و در مقابل دروغ است.

«نحله» به عطیه و بخشش بدون عوض گفته می شود.

«اجر» به معنای چیزی است که در ازای عمل دنیوی یا اخروی عاید انسان می گردد.

«فریضه» از ریشهٔ فرض و به معنای جدا کردن چیزی، علم و تقدیر است. (۱)

از این تعبیرها واژهٔ اجر دربارهٔ ازدواج موقت به کار رفته است که خود کنایه از مهر است، و دیگر واژگان از زوایای گوناگون در معنای مهر به کار رفته است؛ یعنی بدین جهت به مهر صداق (صدقه) گفته می شود که نشانهٔ راستین بودن علاقهٔ مرد است و به این خاطر بدان نحله گفته اند که در مقابل آن، عوض مالی وجود ندارد، و به این دلیل فریضه نام گرفته که بر مرد واجب و مقدر است که آن را بپردازد.

### تعیین مهر

اگر چه مهر شرط صحت عقد ازدواج نیست و عقد بدون تعیین مهریه نیز درست است، ولی ازدواج نمی تواند بدون مهر باشد، مگر برای پیامبر(صلی الله علیه و آله)؛ چنان که قرآن کریم می فرماید: «... وَامْرَأَةً مُّؤْمِنَةً إِن وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ



---

۱- (۱) . مفردات راغب، صدق، نحل، اجر و فرض.

النَّبِيُّ أَن يَسْتَنكِحَهَا خَالِصَةً لَّکَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ؛ (۱)و (نیز حلال کردیم) زنِ با ایمان را، در صورتی که خودش را به پیامبر ببخشد، اگر پیامبر بخواهد که او را به همسری برگزیند؛ در حالی که (چنین ازدواجی) مخصوص توست نه سایر مومنان».

این نوع ازدواج به لفظ هبه (وَهَبتُ) صورت می گیرد، نه با الفاظ انکَحتُ و زوّجت، و مهری نیز در بین نیست، لیکن این امر ویژهٔ پیامبر(صلی الله علیه و آله) است؛ زیرا می فرماید:

«خَالِصَةً لَّکَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ».

باید توجه داشت که پیامبر(صلی الله علیه و آله) یک رشته ویژگی هایی خاص به خود داشته که به «خصائص النبی» مشهور است؛ از جمله در ازدواج، می توان به زنان بدون مهریه، تعدّد همسر، (بیش از چهار نفر) و ... اشاره کرد؛ اما پیمان زناشویی دیگران همراه با مهر معین می باشد، و اگر چه زن می تواند مهر نخواهد - که بدان (تفویض البضع واگذاری حق التذاذ) گفته می شود - و یا می توانند بدون هیچ سخن مثبت یا منفی در بارهٔ مهر اجرای عقد ازدواج نمایند - این عقد صحیح است - ولی وظیفهٔ پرداخت، در برخی موارد از عهد شوهر ساقط نمی شود. با چنین عقدی، پیش از آمیزش حق هیچ گونه مهری برای زن وجود ندارد؛ همچنین اگر زن یا شوهر بمیرد، و یا عقد فسخ شود، حقی وجود ندارد.



---

۱- (۱) . احزاب، ۴۹.

اما اگر شوهر زن را طلاق بدهد، در این صورت بستگی به حال شوهر از نظر فقر، غنا، رفاه و سختی دارد که می باید متاعی به عنوان «مُتعه المطلقه» یا «صداق المتعه» پرداخت نماید؛ چرا که قرآن می فرماید:

«لاَ جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِن طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمَسُّوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتِّعُوهُنَّ عَلَى الْمُوسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ؛ هیچ گناهی بر شما نیست اگر زنان را طلاق دهید، مادامی که با آنان تماس نگرفته اید یا برایشان مهریه ای تعیین نکرده اید. و (در این هنگام با هدیه ای مناسب) بهره مندشان سازید. توانگر به اندازه [توانایی] اش و تنگدست به اندازه خودش کالایی (بعنوان هدیه ای) پسندیده بدهد. [و این کار] حقّی بر عهده نیکوکاران است.» (۱)

«موسع» به معنای توانگر و «مقتر» به معنای تنگدست است، و «متاع» عبارت است از مرکب، لباس و پول. (۲) اما پس از آمیزش، زن استحقاق مهرالمثل (مهریه ای که برای امثال این زن تعیین می شود) را دارد، (۳) و «معروف» یعنی شایسته و پسندیده از نظر شرع و عرف، و «حقا» یعنی این وظیفهٔ واجب است.



---

۱- (۱) . بقره، ۲۳۶

۲- (۲) . ر.ک: جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۵۵

۳- (۳) . ر.ک: تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۹۷.

### مهر معیّن

چنانچه به هنگام پیونـد زناشویی و اجرای عقد، مهریه تعیین شود، (۱) ولی به دلایلی توافق و تفاهم برای ادامهٔ زندگی نداشـته باشـد، و بخواهنـد از یکـدیگر جـدا شونـد، در صورتی که پیش از آمیزش جنسـی باشـد، شوهر می باید نصف مهر را بپردازد. قرآن کریم می فرماید:

«وَإِن طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِن قَبْلِ أَن تَمَسُّوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْـتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْـتُمْ؛ (۲)و اگر آن (زن)ان را، پیش از آنکه بـا آنان تمـاس بگیریـد، و در حالی که مَهری برای آنها تعیین کرده ایـد، طلاقشان دهیـد، پس نصف آنچه را تعیین کرده ایـد (به آنان بدهید) مگر اینکه [آنان] ببخشند.»

ولی اگر پس از آمیزش، طلاق انجام گیرد، بایـد تمام مهریه، هرچنـد زیاد باشـد، پرداخته شود: «وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَن تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئاً؛ (۳)و برای شما حلال نیست که از آنچه به آنان داده اید، چیزی [باز] ستانید.»



---

۱- (۱) . ممکن است اختیار تعیین مهر به مرد و یا شخص سومی داده شود که در این صورت، هر آنچه معین کنند مهر خواهد بود، ولی اگر اختیار تعیین به زن واگذار شود، نمی تواند بیش از مهر السـنه (۵۰۰ درهم) تعیین کند. (ر.ک: تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۰۰). در این مورد بین فتوای فقهـا و قوانین مـدنی اختلاـف است؛ زیرا قـانون تـا مهرالمثـل را اجـازه می دهـد. (قانون مدنی، مادهٔ ۱۰۹۰.)

۲- (۲) . بقره، ۲۳۷

۳- (۳) . بقره، ۲۲۹.

و نیز می فرماید: «وَإِنْ أَرَدتُّمُ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَاراً فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئاً؛ اگر خواستار جایگزینی همسری به جای همسر (خود) شدید، و به یکی از آنان مال فراوانی (بعنوان مهر) پرداخته اید، پس هیچ چیزی از آن را (باز) مَگیرید. آیا آن [مهر] را با تهمت و گناهی آشکار (باز پس) می گیرید؟» (۱)

«قنطار» به معنای مال فراوان است که مقدار آن دست کم تا چهار هزار دینار گفته اند. (۲)

مهر عطیه است نه قیمت

برخی با توجه به فرضیه های ذهنی خود و یافته های تحمیل شده بر تاریخ، (۳) بر این باورند که دادن مهریه به زن از سوی شوهر به معنای پرداخت قیمت زن و خریدن او است، به ویژه این که در دریافت مهر پای پدر و مادر دختر نیز در میان است و هر کدام خود را صاحب بخشی از مهر و شیر بها می دانند.

ص:۱۳۰

---

۱- (۱) . نساء، ۲۰

۲- (۲) . مصباح المنیر، ماده قطر، و نیز تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۴۰

۳- (۳) . شاید این ذهنیت از داستان ازدواج موسی(علیه السلام) با دختر شعیب ناشی شده باشد. اینان تاریخچه مهر را به چند دوره تقسیم کرده اند که عبارت اند از: دورهٔ مادرشاهی و طفیلی بودن مرد، دورهٔ پدر شاهی ولی با ربودن دختر از قبیله دیگر که مهری در کار نبود، دورهٔ کار برای پدر دختر و دورهٔ پیشکشی هدیه و ظهور مهریه. (ر.ک: نظام حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری، ص ۱۹۴.)

بایـد دانست که شـیر بها نه مهر است و نه بخشـی از مهر و چنانچه مبلغی به عنوان شـیر بهاء جزء مهر قرار گیرد و پـدر شـریک دختر در دریافت مهریه قلمداد شود، از نظر شرعی و قانونی تنها مقدار مهر صحیح و بقیه باطل است، و اگر از روی طیب خاطر مبلغی یا هدیه ای به این عنوان به پدر یا مادر دختر پرداخت، تا عین مال باقی است می تواند پس بگیرد. (۱)

اما در رابطه با اصل مهر، حق این است که ریشهٔ مهر از جای دیگر و برای چیز دیگراست. ریشهٔ مهر را باید در سیستم آفرینش زن جستجو کرد که از سیستم آفرینش مرد متفاوت است. برخی تفاوت ها عبارت است از:

۱. در مرد عشق و طلب وجود دارد، و در زن جمال و غنا.

۲. زن از مرد شهوانی تر، ولی در مقابل آن مرد تواناتر است. (۲)

۳. مرد شهوت کم تری دارد، ولی در برابر آن توان خودداری ندارد.

۴. زن در پرتـو آزرم و عفت درونی خـود می دانـد که عزت و احـترام او در این است که خـود را رایگـان در اختیـار مرد قرار ندهد، بلکه باید کاری کند که مرد را به آستانهٔ خود بکشد، و مردان را به رقابت با یکدیگر وا دارد.

ص:۱۳۱

---

۱- (۱) . ر.ک: تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۹۹

۲- (۲) . اگر چه دانشـمندان می گوینـد مرد از زن شـهوانی تر است، امـا طبـق روایـات شـهوت زن نه برابر شـهوت مرد است. (ر.ک: بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۲۲۵ و مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۴۲۸.)

۵. در طول تاریخ ثابت شده است که تأثیر زن بر مرد، از تأثیر مرد بر زن بیشتر بوده است. بسیاری از هنرنمایی ها، دلیری ها، نبوغ ها، موفقیت ها و حتی پیروزی در جنگ ها و... برخاسته از اثر بخشی همین قدرت است. (۱)

با توجه به ویژگی طلب و تقاضا و فقدان توانایی لازم برای کنترل خود، و نیز تاثیرپذیری مرد از زن از یک سو، و زیبایی و غنا، قدرت کنترل، آزرم و حیا، ربایش و قدرت اثر بخشی زن از سوی دیگر، توانسته است مرد را به پیشکشی هدیه ای به نام مهر وادار سازد.

از سوی دیگر دریافت مهر توسط زن، خود پشتوانه های مالی برای استقلال وی در دوران زندگی مشترک به شمار می رود و به هنگامی که مرد سرناسازگاری نهاد و زمینهٔ آزار زن را فراهم کرد، ابزار خوبی برای کنترل وی می باشد؛ چرا که اگر تاکنون مهریه را پرداخت نکرده است، به خاطر بار مالی نمی تواند زور بگوید، و اگر پرداخته است، زن می تواند با هزینه کردن آن (فدیهٔ طلاق خلع و مبارات) به خواست خود برسد، و به هنگام جدایی که بخشی از عمر زن گذشته و سرمایهٔ جوانی و زیبایی خود را از دست داده، خسارتی که بر روح و تن وی وارد شده، تا حدی جبران می کند و وسیله ای برای تأمین زندگی آیندهٔ او خواهد بود.



---

۱- (۱) . اقتباس از کتاب نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۹۸.

پرسش:

## چند همسری چرا و به چه شرطی ؟

پاسخ:

یکی دیگر از مسایلی که قرآن در امر ازدواج بدان پرداخته، مسئله چند همسری یا تعدد زوجات است: «فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُم مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ؛ پس آنچه از زنان، دلخواهتان است، دو دو و (یا) سه سه و (یا) چهار چهار، به زنی بگیرید.» (۱)

از آن جا که بررسی این مسئله نیازمند به فرصت بیشتری است و در این نوشتار کوتاه مجال آن نیست، تنها به یادآوری چند نکته بسنده می کنیم. و بررسی همه جانبهٔ آن را به فرصتی دیگر واگذار می نماییم.

۱. «مثنی» یعنی دو تا دو تا «ثلاث» یعنی سه تا سه تا، و «رباع» به معنای چهار تا چهار تاست؛ (۲) البته این بدان معنا نیست که به هنگام ازدواج دو تا دو تا، سه تا سه تا و چهار تا چهار تا باشد، بلکه با توجه به عموم مردم چنین تعبیر کرده است.



---

۱- (۱) . نساء، ۳

۲- (۲) . ر.ک: مفردات، صحاح و مصباح، مادهٔ ثنی، ثلث و ربع.

۲. «واو» در آیه، اگر چه عطف است، به معنای جمع نیست تا دو تا، سه تا و چهارتا و در مجموع نُه تا معنا دهد، بلکه بدین معناست که شما می توانید دو تا، یا سه تا و یا چهار همسر داشته باشید؛ از این رو، اگر با «او» عطف می کرد، موهم این معنای بود که هر کسی لزوماً باید دو یا سه و یا چهار تا زن بگیرد.

۳. اسلام نه تنها چند همسری را اختراع نکرد، بلکه چند همسری نامحدود پیش از اسلام را کنترل و محدود نمود و برای آن مرزی (حداکثر تا چهار تا) قرار داد.

۴. در تعدد زوجات قید «طاب» وجود دارد که بیانگر این حقیقت است که نباید زنان هرزه را دور خود جمع کند و حرمسرا تشکیل بدهد.

۵. در ادامهٔ آیه جواز تعدد را مشروط به اجرای عدالت کرده، و می فرماید: «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلاَّ تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً؛ و اگر می ترسید عدالت را رعایت نکنید، پس (به) یک (همسر)، اکتفا کنید.»

قید عدالت، آن هم با احتمال ترس، زمینهٔ جلوگیری از هوس بازی های مردان است؛ زیرا از یک سو افرادی که بتوانند رعایت عدالت کنند، کم هستند و از سوی دیگر، اگر به واقع عدالت اجرا شود، مشکلی نخواهد بود.

۶. اسلام در میان گونه های مختلف چند همسری (اشتراک جنسی از دو طرف، چند شوهری برای فرزند آوری، چند شوهری برای شهوت رانی (روسپی گری) و چند زنی) تنها نوع اخیر را مجاز شمرده است.

عوامل چند همسری

عواملی که می تواند مسئله چند همسری را توجیه نماید، عبارت اند از:

الف – بروز عادت ماهانه؛

ب – خستگی زن از زایمان؛

ج – نازا بودن زن و یائسه شدن او؛

د – فزونی جمعیت زنان بر تعداد مردان؛

ه- – نجات تک همسری.

شهید مطهری می نویسد: «وقتی عدد زنان نیازمند به ازدواج از مردان نیازمند فزونی یافت، اگر حق تأهل این عده از زنان به رسمیت شناخت نشود و به مردان اجازهٔ چند همسری داده نشود، رفیقه بازی و معشوقه گری ریشهٔ تک همسری واقعی را می خشکاند. (1)

یادآوری این نکته ضروری است که این عوامل، تنها حکمت (2) تشریع تعدّد زوجات است و علت واقعی آن را فقط ذات اقدس احدی می داند و بس.



---

۱- (۱) . نظام حقوق زن در اسلام، ص ۳۹۰

۲- (۲) . علت حکم آن است که وجودش مدار بود و نبود حکم است و حکمت، وجودش مدار وجود حکم است، ولی نبودش موجب نبود حکم نیست.

پرسش:

## قرآن چه توصیه هایی به زوجین دارد؟

پاسخ:

در اینجا به کسانی که ازدواج کرده و تشکیل خانواده داده اند، دو توصیهٔ قرآنی را یادآور می شویم:

۱. همزیستی مسالمت آمیز

زن و شوهر می باید کانون خانواده را به بهشتی مبدّل سازند که در آن دوستی، محبّت، موّدت و تفاهم بر قرار باشد، نه این که با مشاجره، کشمکش ها و جنگ و دعوا، این آشیانهٔ مطمئن خود و فرزندان را به جهنمی سوزان بدل کنند که همگان به ویژه فرزندان معصومشان در آتش آن بسوزند؛ البته اجرای این برنامه بیشتر در گرو برخورد شایستهٔ شوهر است؛ از این رو، خطاب به وی می فرماید

:«وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ و با آنان، بطور پسندیده رفتار کنید.» (۱)

ص:۱۳۷

---

۱- (۱) . نساء، ۱۹.

زندگی مسالمت آمیز بین زن و شوهر به این محقق می شود که محبت، صفا، صمیمیت، فرمانبری، رعایت حقوق شرعی و قانونی و از همه مهم تر تفاهم اخلاقی در خانه حاکم باشد.

۲. جدایی شایسته

اگر چنانچه زن و شوهر به هر دلیلی نتوانستند با هم زندگی کنند، حق دارند از یکدیگر جدا شوند، به شرط آن که این جدایی نیز شایسته باشد. این سفارش قرآن است که می فرماید: «فَإِمْسَاکٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِیحٌ بِإِحْسَانٍ؛ (۱)پس به طور پسندیده نگاه داشتن، یا به نیکی آزاد کردن [همسر بر شما واجب است].» اما این حق را ندارد که همسر خود را تحت

فشارهای جسمی و روحی قرار دهد تا وی مجبور شود برای رهایی خود بخشی از مهر خود را ببخشد: «وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَیْتُمُوهُنَّ؛ (۲)و بر آنان سخت گیری نکنید، تا بخشی از آنچه (مهریه) به آنان داده اید، (از دستشان به در) برید.» حتی در آخرین لحظات زندگی مشترک (روزهای آخر طلاق رجعی) نیز سفارش می کند که یا ماندن به خوشی، یا رهایی به خوبی. «فَأَمْسِکُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِکُوهُنَّ ضِرَاراً لِتَعْتَدُوا؛ و به (روزهای پایانی) سرآمدِ (عدّه)شان رسیدند، پس بطور پسندیده نگاهشان



---

۱- (۱) . بقره، ۲۲۹

۲- (۲) . نساء، ۱۹.

دارید، یا بطور پسندیده آزادشان سازید؛ و بخاطر زیان رساندن نگاهشان ندارید، تا (به حقوقشان) تجاوز کنید.» (۱)

از این همه سفارش و تأکید، به روشنی در می یابیم که روح پیام قرآن در زندگی، مودت و رحمت و پیوند زناشویی برای زندگی مسالمت آمیز است.

ص:۱۳۹

---

۱- (۱) . بقره، ۲۳۱.

پرسش:

## خواستگاری و عروسی چه آدابی دارد؟

پاسخ:

۱. نگرش الهی به ازدواج

گروهی به حضرت علی(علیه السلام) طعنه می زدند که «تو با فضیلت ترین و شجاع ترین مرد عرب هستی و می توانستی دختر ثروتمندی را به عقد خود درآوری تا با جهاز خود خانه ات را مزین کند.» آن حضرت در پاسخ فرمود: «همانا ما قوی هستیم که به دستورهای الهی رضایت داده ایم و جز رضایت خدا چیزی نمی خواهیم و افتخار ما نیزبه اعمال نیکو است نه مال و ثروت. (۱)»



---

۱- (۱) . بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۹۷.

همچنین به حضرت فاطمه(سلام الله علیها) طعنه زدند که تو همسر مرد فقیری شدی که هیچ مالی ندارد و ایشان در پاسخ فرمود: «من به علی(علیه السلام) راضی هستم و رضایت من از او. بالاترین درجات رضایت است.» (۱)

۲. زمان مناسب

مستحب و نیکو است مراسم عروسی در شب برگزار شود؛ زیرا خداوند شب را زمان آرامش قرار داده است و ولیمهٔ (غذا) عروسی در شب یا روز باشد. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «زفّوا اعرائسکم لیلاً و اطعموا ضحاً؛ عروسی و زفاف را در شب برگزار کنید و ولیمهٔ آن را در روز بدهید.» (۲)

حضرت باقر (علیه السلام) فرمود: «ولیمهٔ عروسی یک روز است و روز دوم بزرگواری و کرم و روز سوم خودنمایی و ریا (۳) است» سزاوار است مؤمنان دعوت عروسی را اجابت کرده و از ولیمهٔ عروسی تناول کنند.

۳. مهریه (صداق) و جهیزیه

در صحت عقد ازدواج تعیین مهریه واجب است که بر عهدهٔ مرد قرار می گیرد. در روایات از خوبی های دختر برای شوهر کم بودن مهریه و زیاد نبودن آن عنوان شده است و این به خاطر توجه اسلام به سعادت و سلامت عروس و داماد و تشکیل خانواده سعادتمند بوده است و می بینیم که مهر و جهاز حضرت زهرا (سلام الله علیها) با آنچه پدر بزرگوارشان فرموده، مطابقت دارد. (۴)



---

۱- (۱) . عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۳۶۳

۲- (۲) . وسایل الشیعه، کتاب نکاح، باب ۳۷، حدیث ۲

۳- (۳) . همان، باب ۴۰، حدیث ۲

۴- (۴) . همان، ابواب المهور.

نگرش به مهریه

مهریه، بدهی مرد به زن و پرداخت آن بر او واجب است و اگر کسی مهریه زیاد تعیین کند و قصد پرداخت آن را نداشته باشد؛ چنان که در زمان ما گفته می شود: «کی داده و کی گرفته»، معصیت کار بوده و نوعی دزدی محسوب می شود.

۴. دعا و صدقه

حضرت علی(علیه السلام) به مردی که می خواست ازدواج کند و از حضرت طلب دعایی کرد، حضرت به او فرمود که بگوید:

«اللهم بکلماتک استحللتها، و بامانتک اخذتها اللهم اجعلها ولوداً ودوداً لاتفرک تاکل ماراح و لاتسأل عمّا سرح (۱)»

در هنگام عروسی حضرت زهرا (سلام الله علیها) با دیدن جهیزیه مختصر دعا کردند و پس از اجرای صیغه عقد با تکبیرات و تسهیلات مراسم را برگزار کردند.

آری، از آغازین لحظه های تشکیل زندگی این دو بزرگوار ارزش های الهی و انسانی متجلی بود و سزاوار است شیعیان و محبان این بزرگواران با شناخت بیشتر سیره و منش آنان در مسیر حقیقت گام بردارند.

۵. شادی و شادمانی

مراسم عروسی نماد و نقطهٔ آغازی برای تشکیل بنیان مقدس خانواده است و عرف جامعه پس از برگزاری آن به هر شیوه ای باشد، این پیوند مقدس



---

۱- (۱) . همان، باب ۵۵، حدیث ۳.

را بـه رسـمیت می شـناسد. این مراسم در هر منطقه ای به شـکلی خـاص انجـام می گیرد که نقطه مشـترک همه آن هـا در این ویژگی است که مجلس عروسی همراه با سرور و شادی بوده و گردانندگان مراسم از برنامه ها و امکاناتی استفاده می کنند که شادی بیشتری به همراه داشـته باشد. در متون دینی نیز به این مطلب اشاره شده است که مؤمن واقعی فردی با نشاط و سـر زنده است که ناشـی از ایمـان مـذهبی وی می باشـد و نمی توان نقش آن را در زمینه هـای پیـدایش شـادی و نشاط نادیـده گرفت. درقرآن و روایات سفارش شده است که عبادات خود را با نشاط و سرحالی انجام دهید تا بدون داشتن نگرانی به اطمینان قلبی برسید.

برای برخی این شـبهه وجود دارد که اساساً نمی توان در مراسم شـادی مسائـل شـرعی و دینی را رعایت کرد و این دو منافات دارنـد و شـادی هـا فقط به شادی های ظاهری اطلاق می گردد، در حالی که اگر دقت داشـته باشـیم به این نکته می رسـیم که ارمغان دین برای بشـر شادی، سـرور، بهجت به معنای عمیق آن است و مؤمنان واقعی عمیق ترین این شادی و خوشـحالی ها را دارند. زیارت با معرفت معصومین (علیه السلام)، نماز با حضور قلب، تدبر در قرآن تا انفاق و صدقه ای که به اهلش می رسد، کشف راز علمی، پیروزی در رقابت ورزشی، شادمانی و خرسندی که از حسن انجام وظیفه حاصل می شود، احساسی که پس از توسـعه رزق و روزی که برای خانواده مهیا کرده است، رضایت از خدمتی که به بشـریت عرضه کرده است و ده ها و صدها احساس بهجت و سرور که پس از انجام کارهای خداپسندانه و مطابق فطرت پاک انسانی پدیدار

می شود، برگرفته شده از یک جوهره و حقیقت بوده و همه جلوه ای از زیبایی و عظمت و کمال بی حد و حصر خداوند متعال است، که برای کسانی که در این مسیر زندگی می کنند، شادی های ظاهری و باطنی به همراه دارد و در مقابل هر آنچه شادی و سرور از راه های شیطانی و انحرافی حاصل می شود، زودگذر و لحظه ای بوده و پس از اندکی آثار سوء خود را مشخص خواهد کرد؛ همانند فردی که از مواد مخدر و مشروبات الکلی برای شادی چند لحظه ای خود استفاده می کند. اکنون که با ماهیت شادی واقعی آشنا شدیم، به این نکته توجه می کنیم که مؤمن برای لذت و شادی چند دقیقه ای، مرتکب نافرمانی خدا نمی شود تا برای شادی مراسم عروسی خود گرفتار آداب آلوده به گناه گردد.

گاهی در مراسم ازدواج، اختلاط زن و مرد با پوشش نامناسب، موسیقی حرام، مزاحمت برای دیگران از جمله همسایه ها و به راه انداختن کارناوال های پر طمطراق، اسراف، چشم و هم چشمی، بی توجهی به واجبات مهمی مانند نماز دیده می شود که ناشی از عدم آگاهی برگزار کنندگان از لذت و شادی واقعی است که همیشه به دست خداست و با گناه و معصیت به دست نمی آید.

راهکارها:

برای اجرای مراسم عروسی با رعایت اصل شادی و شادمانی به دور از امور غیر قابل قبول نزد شرع و عرف باید نگرش های جدید و صحیح را اعتقاد و باور داشت و از مدت ها قبل برای جایگزین کردن آن ها با امور خرافی و

غیرشرعی برنامه ریزی کرد. قبل از ذکر راهکارها این نکته جالب توجه است که با کسب آگاهی های لازم و این که انسان با توانایی خود می تواند گره از مشکل ترین کارها بگشاید و امور را بر وفق مراد خود تنظیم کند، می تواند بر موانع و مرارت ها پیروز گردد. برای این که مجلس عروسی برگزار کنیم که هم سرشار از شادی باشد و هم از گناه و معصیت به دور ماند و خانواده و فامیل نیز راضی باشند، توجه به نکات زیر سازنده خواهد بود:

۱. سعی شود ابتدا دختر و پسر انجام چنین مراسمی را به صورت جدی از بزرگ ترها خواستار شوند و به برگزاری آن باور و اعتقاد داشته باشند؛ پس اهمیت موضوع را در شرایط مختلف به اعضای خانواده ها به ویژه والدین و خواهران و برادران خود تفهیم کنند و برای همه روشن کنند که عروس و داماد حق دارند مطابق نظریات خودشان مراسم عروسی را برگزار کنند.

۲. چون آداب نادرست در عروسی در طول زمان پایدار شده و به صورت یک فرهنگ در آمده است، می توان با جایگزین های مناسب فرهنگ و آداب نادرست را تغییر داد؛ از جمله این جایگزین ها می توان به استفاده از مداحان موفق در این گونه مجالس و هنرمندانی که با تردستی های مفید و یا خواندن اشعار و لطیفه های مناسب مجلس گردانی می کنند، استفاده کرد.

بهتر است مجالس عروسی در مناسبت های مذهبی و جشن های میلاد ائمه(علیه السلام) برگزار گردد و سپس از وجود مداحان و هنرمندان استفاده برد؛ همچنین حضور برخی شخصیت های مذهبی و معتمدان محلی نیز چاره ساز خواهد بود.

ص:۱۴۶

۳. اگر ممکن نبود مراسمی صد در صد به دور از این گونه برنامه ها باشد، سعی شود جلوی برخی گناهان بزرگ گرفته شود؛ مانند جلوگیری از اختلاط زن و مرد و... و عروس و داماد به انجام این امور رضایت ندهند تا گناهی به حساب آنان نباشد.

۶. آداب خواستگاری

برخی فقهاء خواستگاری را مستحب دانسته اند و همچنین مستحب است مردی که تصمیم بر ازدواج می گیرد، قبل از تعیین دختر و خواستگاری از او، دور رکعت نماز بخواند و پس از آن به دعاهایی که از ائمه(علیه السلام) رسیده، تمسک جوید. (۱)

از پسندیده ترین آداب ازدواج که ریشه در فطرت انسانی و طبیعت و نظام آفرینش دارد و در مناطق مختلف به عنوان یکی از رسوم و آیین و حامل اندرزهای حکیمانه پذیرفته شده است و اجرا می شود، خواستگاری است. در خواستگاری، مرد به خواستن زن اقدام می نماید و برای اجرای آن از طریق خود او و یا خانواده و دوستان او اولین گام برداشته می شود و این زن است که مؤدبانه و پسندیده خواسته می شود و طلب و عشق مرد را می پذیرد که به



---

۱- (۱) . همان، و عروة الوثقی، ج ۲، باب نکاح، مسئله ۵. «اللهم انی ارید أن اتزوّج فقدر لی من النساء اعففهن فرجاً و احفظن لی فی نفسها و مالی و او سعهنّ رزقاً و اعظمهنّ برکهٔ و قدر لی ولداً طیّباً و تجعله خلفاً صالحاً فی حیاتی و بعد موتی».

قول شهید مطهری یکی از تدابیر حکیمانه و شاهکارهای خلقت به شمار می رود. (۱)

از این رو، در قرآن که آیین فطرت است و روایات معصومین(علیه السلام) نیز در هماهنگی با فطرت و نظام آفرینش، مردان در امر ازدواج مورد خطاب واقع شده اند و به طور مستقیم به آن ها دستور خواستگاری و انتخاب همسر داده شده است، آن جا که خداوند در آیه مربوط به خواستگاری می فرماید:

«وَلاَ جُنَاحَ... أَنْفُسِكُمْ» (۲)

و آیه ازدواج می فرماید: «فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُم مِنَ النِّسَاءِ؛ (۳)پس آنچه از زنان، دلخواهتان است به زنی بگیرید.»

شایسته است زنان و خانواده هایشان مردانی را که دارای صفات پسندیده اند و از برخی صفات ناپسند به دورند، بپذیرند و رد نکنند که باعث فتنه انگیزی و فساد در جامعه خواهد شد. (۴)

شوهر مطلوب

براساس دسته ای از روایات نورانی که از معصومین(علیه السلام) رسیده است، پنج ویژگی خواستگار عبارت اند از: اخلاق، دین، امانت، عفت و توانایی در تأمین



---

۱- (۱) . نظام حقوق زن در اسلام، شهید مطهری، ص ۱۵

۲- (۲) . بقره، ۲۳۵

۳- (۳) . نساء، ۳

۴- (۴) . تهذیب الاحکام، ج ۷، کتاب نکاح، باب ۳۳، کفویت در ازدواج؛ تحریر الوسیله، کتاب نکاح، مسئله ۴؛ وسائل الشیعه، کتاب نکاح، باب ۲۸؛ فروع کافی، باب ۲۴ و ۲۵.

هزینه زندگی. (۱) و سزاوار است که (زن) دختر و خانواده او به خواستگاری شارب الخمر (معتاد به شراب و یا مانند آن، بدخلق و خو، مخنث و فاسق جواب رد بدهند؛ زیرا چنین فردی همشان نمی باشد و نمی تواند زندگی سعادتمندی داشته باشد. (۲)

همسر مطلوب

مردی که قصد ازدواج دارد، نمی تواند از هر زنی خواستگاری کند، بلکه از نظر دستورهای دینی که در قانون نیز بدان تصریح شده است، می تواند از هر زنی که خالی از موانع ازدواج باشد. (موارد آن ذکر خواهد شد) یعنی ازدواج با او مشروع باشد، خواستگاری نماید. (۳)

ازدواج با چند گروه از زنان حرام است و در نتیجه نمی توان از آنان خواستگاری کرد که عبارت اند از:

۱. زنانی که با انسان حرام دایمی هستند؛ مانند، خاله، عمه، مادر.

۲. زنانی که به سببی خاص بر انسان حرام می شوند؛ مانند زن پدر، خواهر زن مادامی که همسر انسان زنده است و یا زنانی که همسر دارند، مادر زن، و ... .



---

۱- (۱) . همان

۲- (۲) . تهذیب الاحکام، ج ۷، کتاب نکاح، باب۳۳، کفویت در ازدواج؛ وسایل الشیعه، باب ۲۹ و ۳۰

۳- (۳) . ر.ك: در پاسخ پرسش های دیگر، این موارد روشن شده است.

۳. زنانی که از طریق شیر خوردن از یک مادر با شرایط خاص بر مرد حرام می شوند.

۴. زنانی که به خاطر کفر و طلاق و یا ارتباط نامشروع جنسی بر مرد حرام می شوند. (۱)

پیشنهاد خواستگاری

ممکن است این پیشنهاد بدون دخالت خانواده و یا دوستان وی به دختر گفته شود؛ اما در این مرحله نیز انسان عاقل سعی می کند با در نظر گرفتن فرهنگ جامعه و آداب و رسوم اجتماعی و ارج نهادن به مقام و منزلت زن و همچنین احترام به والدین و دیگران و بهره مندی از حمایت های مادی و معنوی آن ها و احترام به پیوندهای نزدیک خانوادگی از تنها پیشقدم شدن اجتناب نماید و باعث جلوگیری از برخی آسیب های روحی و روانی و برخی عوارض منفی شود که معمولاً ناشی از تحت تاثیر احساسات و عواطف قرار گرفتن طرفین به ویژه دختر می باشد؛ بنابراین، مناسب است مقدمات خواستگاری نیز به شیوهٔ پسندیده و معمول هر منطقه ای صورت بگیرد.

مستحب است مرد هنگامی که تصمیم بر ازدواج می گیرد، قبل از این که دختر معینی را برای خواستگاری مدنظر قرار دهد، دو رکعت نماز بخواند و دعا کند و سپس به خواستگاری اقدام نماید.



---

۱- (۱) . ر.ک: توضیح المسائل، مراجع؛ تحریر الوسیله، امام خمینی (ره).

مجلس خواستگاری

جلسه خواستگاری در هر منطقه آدابی دارد که مطابق آن برگزار می شود، ولی وجوه مشترکی نیز وجود دارد؛ مانند گفتگوی خانواده ها در این جلسه، امروزه تقریباً همه جا پسر و دختر نیز جداگانه با یکدیگر به گفتگو نشسته و از نزدیک در باره شخصیت خود و اهداف و دیدگاه ها و برنامه هایشان برای زندگی آینده صحبت می کنند و در این دیدار اگر به تفاهم رسیدند، انس و الفت مضاعفی حاصل خواهد شد.

در این دیدار، به مرد اجازه داده شده است که به صورت و دست ها و مو و قسمت های زیبای (محاسن) دختر مورد نظر نگاه کند و احتیاطاً از روی لباس نازک و چون که برای شناخت و اطلاع یافتن بر حال و وضعیت دختر است، محدودیتی از نظر دفعات نگاه کردن نیست؛ البته توجه به این نکته ضروری است که جواز شرعی مسئله زمانی است که تصمیم مرد به ازدواج جدی باشد و احتمال حصول توافق بر ازدواج بدهد و امکان ازدواج با زن فراهم و با این نگاه در صدد انتخاب همسر باشد. (۱)

از دیگر ویژگی های این دیدار، این است که زیبایی های ظاهری را بر اساس گرایش طبیعی و فطری انسان به زیبایی و جمال، مورد توجه قرار می دهد و نقش آن را در انتخاب هایی که انسان در زندگی دارد، به ویژه ازدواج



۱- (۱) . تحریر الوسیله، امام خمینی (ره)، کتاب نکاح، مسئله ۲۸؛ وسایل الشیعه، کتاب نکاح، باب ۲۶.

نمی توان نادیده گرفت و از این طریق، باعث ایجاد و استمرار محبت و صمیمیت می گردد.

پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله) به جوانی که قصد ازدواج داشت، فرمودند: «لو نظرت الیها فانّه اخری ان یودم بینکما (۱)؛ نگاه به دختر مورد نظر برای دوام ازدواج شما بهتر است.»

به ویژه این که مورد پسند بودن همسر تأثیر عمیقی در روابط سرشار از عاطفه و احساسات زن و شوهر دارد و حقیقت نگاه مرد که به قول شهید مطهری طبیعت و خلقت وی را مظهر طلب و عشق و تقاضا قرار داده، این است که کمک می کند مرد به بهترین شکل به وصالش برسد.

۷. روابط دوران نامزدی و لزوم خواندن صیغه محرمیت

دوران نامزدی پس از قبول پسر و دختر برای ازدواج شروع می شود و تا زمانی که صیغهٔ عقد شرعی خوانده نشده، دختر و پسر با یکدیگر نامحرم و بیگانه اند، هرچند در آینده ازدواج کنند؛ بنابراین، باید روابط خودشان را با معیارهای شرعی بسنجند و از ملازمت با یکدیگر، گفتگوی طولانی، خلوت کردن با یکدیگر و ارتباط نزدیک به ویژه ارتباط جنسی نامشروع بپرهیزند و در موارد ضروری از پدر یا سرپرست دختر رخصت بگیرند (۲) و عقد موقت جاری کنند.



---

۱- (۱) . وسایل الشیعه، کتاب نکاح، باب ۳۶ حدیث ۱۳

۲- (۲) . همان، باب ۱۰۵ و ۱۱۸.

بنـابراین، اگر فاصـله بین خواسـتگاری و اجرای مراسم عقـد شـرعی طولانی می شود، برای این که موانع شـرعی روابط در این دوران برداشـته شود، مناسب است صـیغهٔ محرمیت شـرعی خوانده شود. این عقد همان شرایط ازدواج موقت را دارد و خانواده ها می توانند آن را به صورت مشروط اجرا کنند و از بعضی جهات محدودیت هایی را در روابط دختر و پسر اعمال نمایند.

از شرایط اصلی صیغه محرمیت تعیین مهریه و تعیین مدت است. اگر طرفین بخواهند عقد دایم بخوانند، ولی هنوز مدتی که در عقد محرمیت ذکر کرده بودند، باقی است، مدت باقی مانده را می بخشند و سپس عقد جدید جاری می شود. (۱)

برای اجرای این کار فوایدی مادی و معنوی مترتب می شود؛ از جمله این که اصل اجرای صـیغه محرمیت خشـنودی خداوند را به همراه دارد و بهترین راه حل برای مقابله با رفتارهای غیر شـرعی و باورهای غلط در مقـدمات ازدواج است و به جای این که نامزدها از این گونه روابط احساس تخلّف و دلهره و دغدغه داشـته باشـند، با خواندن عقد محرمیت به این ارتباط رسمیت داده می شود و (عوارض) احساسـات منفی جای خود را به احساس عاطفی - الهی در مسـیر رشـد و شـکوفایی و آرامش روانی در راستای تقویت ایمان می دهد و از خوشگذرانی و دوستی های خطرناک جلوگیری می کند.

ص:۱۵۳

---

۱- (۱) . تحریر الوسـیله، امام خمینی (ره)، القول فی النکاح المؤجّل، ص ۲۷۴ - ۲۷۷؛ وسایل الشیعه، کتاب نکاح، باب المتعه، باب ۱۸.

۸. زمان اجرای عقد

در برگزاری مراسم عقـد و عروسـی بهتر است از بعضـی امور که پیامدهای منفی دارد و در روایات به آن ها اشاره شده است، اجتنـاب گردد، از جمله این که صـیغه عقـد در زمـانی خوانـده نشـود که قمر در برج عقرب باشـد و یـا در روز چهارشـنبه و یا درزمـانی که مـاه در محـاق باشـد (دو یا سه شب آخر ماه) (۱) و ایـام وفـات و سوگواری معصومین (علیه السـلام) به ویژه ایام محرم و صفر.

ص:۱۵۴

---

۱- (۱) . عروهٔ الوثقی، باب نکاح، مساله ۶؛ وسایل الشیعه، کتاب نکاح، باب ۵۴.

پرسش:

## نظر قرآن در باره ازدواج موقت چیست ؟

### اشاره

پاسخ:

در مورد ازدواج موقت چند بحث اساسی وجود دارد:

الف - ازدواج موقت قبل از اسلام؛

ب - ازدواج موقت بعد از اسلام؛

- ازدواج موقت از منظر قرآن؛

- ازدواج موقت از منظر روایات؛

- ازدواج موقت در فتوای جدید برخی از علمای اهل سنت؛

- ازدواج موقت از منظر عقل؛

- ازدواج موقت از منظر حقوق؛

- راهکار اجرای ازدواج موقت؛

- شرایط و مقررات ازدواج موقت.

مقدمه

از شیرین ترین و پرخاطره ترین رخدادهای دوران حیات هر فردی ازدواج است که خداوند آن را از آیات خود معرفی کرده است:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُم مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجاً لِّتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُم مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ و از نشانه های او این است که همسرانی از (جنس) خودتان برای شما آفرید، تا بدآن ها آرامش یابید، و در بین شما دوستی و رحمت قرارداد؛ قطعاً در آن[ها] نشانه هایی است برای گروهی که تفکّر می کنند.»

و در آیات دیگر به آن توصیه و سفارش نموده است و فقر را مانع آن نمی داند:

«وَأَنكِحُوا الْأَيَامَى مِنكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِن يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لاَ يَجِدُونَ نِكَاحاً حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْراً وَآتُوهُم مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِی آتَاكُمْ وَلاَ تُكْرِهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّناً لِتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَن يُكْرِههُّنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِن بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ؛ و افراد بی همسرتان، و شایستگان از بندگانتان، و کنیزانتان را به ازدواج (یکدیگر) در آورید؛ اگر نیازمند باشند، خدا از بخشش خود آنان را توانگر می سازد؛ و خدا گشایشگری داناست. و کسانی که (وسایل) ازدواج نمی یابند، باید خویشتنداری کنند تا خدا از بخشش خود آنان را توانگر سازد. و از میان آنچه (از بردگان) مالک شده اید، کسانی که خواستار (قرارداد آزادی ) مُکاتبه هستند، پس با آنان (قرارداد) مُکاتبه ببندید، اگر در (آزادی) ایشان نیکی می دانید؛ و از

مال خدا که به شما داده، به آنان بدهید. و کنیزان جوانسال خود را اگر پاکدامنی را می خواهند، بر تجاوزکاری ( زنا) به اکراه وامَدارید، تا (کالای) ناپایدار زندگی پست (دنیا) را بجویید؛ و هر کس آنان را (بر این کار) به اکراه وادار کند (و پشیمان شود،) پس بعد از اکراه آنان خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است.»

افزون بر آیات قرآن، روایات اسلامی نیز ضمن پرهیز دادن انسان ها از رهبانیت، ازدواج را به عنوان سنت معرفی کرده و رویگردانی از آن را روی گردانی از سنت و دین رسول خدا(صلی الله علیه و آله) معرفی می کند: «النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی (۱).»

بیش از اسلام و تشریع احکام نورانی آن، مردم در قالب های مختلفی ازدواج می کردند و هر کدام از این قالب ها برای ایشان از منزلگاه خاصی برخوردار بود. (۲) در این نوشتار برآنیم تا ضمن بررسی ازدواج موقت (متعه) چهره واضح و روشن از این نوع ازدواج ارائه دهیم و آن را به عنوان راهکاری در ترویج فرهنگ ناب اسلامی در مسیر کاهش آمار مفاسد اجتماعی آشکار و



---

۱- (۱) . میزان الحکمه، محمدی ری شهری، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۷، قم، ج ۴، ص ۲۷۱، ح ۷۸۰۲

۲- (۲) انواع ازدواج های مرسوم در زمان جاهلیت عبارت اند از: ۱. نکاح الاستبضاع؛ ۲. نکاح الرهط؛ ۳. نکاح البدل؛ ۴. نکاح المقت؛ ۵. نکاح الخدن؛ ۶. نکاح الشعار؛ ۷. نکاح السفاح؛ ۸. زواج المتعه. برای توضیح بیشتر ر.ک: تاریخ الجاهلیه، عمر فروخ، چاپ ۲، ص ۱۵۶؛ جاهلیت و اسلام، یحیی نوری، ص ۶۰۲ به بعد.

نهان معرفی نماییم، باشد تا با به کارگیری این شیوه صحیح گامی در راستای اصلاح روابط زن و مرد در جامعه اسلامی برداریم.

۱. سابقه تاریخی ازدواج موقت

این نوع از ازدواج به همراه انواع دیگر در میان امت های پیشین و قبل از اسلام وجود داشته است در کتاب دکتر عمر فروخ می نویسد:

این عقد که از عقود ازدواج زمان قبل از اسلام است بین مرد و زن غیر باکره بود که این عقد در زمان معینی براساس مهر مشخص بسته می شد، و این نوع از ازدواج با پایان یافتن مدت تمام می شد. (۱)

۲. ازدواج موقت در اسلام

ازدواج موقت در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و در دوران حکومت ابوبکر و بیشتر از نیمی از زمان حکومت عمر مرسوم بود، لیکن در اواخر حکومت عمر بن خطاب این مسئله با نهی و جلوگیری شدید عمر رو به رو شده وی اعلام کرد: اگر به من خبر دهند که مردی ازدواج موقت کرده، وی را سنگسار خواهم کرد.

او در خطبه ای دیگر گفت: «همانا قرآن همان قرآن است و رسول، همان رسول، اگرچه دو متعه در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حلال بود ] متعه حج و متعه



---

۱- (۱) . نگرشی نو بر ازدواج موقت، سید محمد حسین سجاد، چاپ اول، ۱۳۷۵ قم.

زنان [ پس من از آن دو نهی و جلوگیری می کنم و بر مرتکب شونده آن حد زنا جاری می سازم.» (۱)

این عمل خلیفه مورد اعتراض بزرگان صحابه قرار گرفت؛ از جمله مخالفان عبارت اند از:

۱. امیرالمومنین علی (علیه السلام) که فرمودند: اگر عمر از ازدواج موقت جلوگیری نمی کرد، به جز شخص شقی و بد سرشت کسی زنا نمی کرد. (۲)

۲. عبدالله بن عمر؛

۳. عبدالله بن عباس؛

۴. جابر بن عبدالله انصاری.

راغب در کتاب محاضرات خود می گوید: روزی یحیی بن اکثم به بزرگی از اهل بصره گفت: چرا ازدواج موقت را حلال می دانی و از چه کسی در این مورد پیروی می کنی؟ شیخ گفت: به عمر بن الخطاب. یحیی گفت: چگونه ممکن است و حال آن که عمر در این مورد اول کسی بود که جلوگیری کرد و خیلی در این مورد تعصب به خرج داد.

شیخ گفت: به خاطر آن که خبر صحیحی از جانب عمر به ما رسیده است و به آن عمل می کنیم و آن خبر این است که: روزی عمر بالای منبر رفت و گفت: به درستی که خدا و رسولش برای شما دو نوع متعه را حلال کرده اند؛



---

۱- (۱) . مسند احمد حنبل، ج ۱، ص ۲۸ - ۲۶

۲- (۲) . تفسیر کبیر، فخر رازی، ج ۱۰، ص ۵۱.

متعه حج و متعه زنان، ولی من آن دو را بر شما حرام می کنم و کسی که مرتکب شود، او را سنگسار می نمایم؛ پس ما شهادت عمر را بر حلال بودن متعه قبول می کنیم، لیکن حرام کردنش را خیر. (۱)

به گواهی تاریخ و به اتفاق همهٔ علمای شیعه و سنی، اولین کسی که متعه و ازدواج موقت را منع کرد و به خلاف خدا و پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) در این مورد دستور داد حتی برای مرتکب شونده حد قرار داد عمر بن الخطاب بود. (۲)

اما علمای شیعه به تبعیت از پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیه السلام) ازدواج موقت را جایز می دانند. شهید ثانی در این مورد می نویسد: آن قدر احادیث در مورد ازدواج موقت به ما رسیده که نزدیک است به حد تواتر برسد و البته این کثرت احادیث در حالی است که شیعه و امامان آن مراحل سخت سیاسی دوران بنی امیه و بنی عباس را طی کردند و این بسی جای تعجب است که با این همه موانع این قدر زیاد احادیث در این مورد به ما رسیده است.

### ازدواج موقت در قرآن مجید

«وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُم مَا وَرَاءَ ذلِكُمْ أَن تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُم مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ



---

۱- (۱) . الغدیر، ج ۶، ص ۲۱۲

۲- (۲) . الغدیر، ج ۳، ص ۳۳۳.

فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلاَ جُنَاحَ عَلَيْكَمْ فِيما تَرَاضَيْتُم بِهِ مِن بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللّهَ كَانَ عَلِيماً حَكِيماً؛ (1)و زنان شوهردار (نیز بر شما حرام است؛) مگر آنچه (از کنیزان) که مالك شده اید. (این احکامی است که) خدا بر شما مقرّر داشته است. و غیر از این (زنانِ نامبرده)، برای شماحلال است، که با اموالتان آنان را طلب کنید؛ در حالی که پاکدامنانِ غیر زشتکار ( غیر زناکار) باشید. و کسانی از زنان را که (با مُتعه و ازدواج موقت) از او بهره می برید، پس مَهرشان را، در حالی که واجب شده، به آنان بدهید. و هیچ گناهی بر شما نیست در آنچه، بعد از وجوب (مَهر)، با یکدیگر در موردش توافق کردید؛ براستی که خدا، دانای فرزانه است.»

در باره چگونگی استدلال به آیه شریفه بر ازدواج موقت توجه به نکات زیر راهگشاست:

الف – شان نزول: این آیه از آیات مدنی است که در سال اول هجرت در شرایطی که مسلمانان در مقابل پرداخت اجرت، ازدواج موقت می کردند، نازل شد. لیکن؛ البته مسلمانان در پرداخت اجرت به زنان مسامحه می کردند؛ از این رو، آیه بر طبق عادت معمولی برای تاکید در پرداخت اجرت نازل شد که بیانگر تایید ازدواج موقت می باشد.



---

۱- (۱) . نساء، ۲۴.

ب – کـاربرد واژه «متعه»: کـاربرد این واژه در عرف مردم به معنای متـداول «ازدواج موقت» بیانگر این مطلب است که این آیه در مورد ازدواج موقت است.

ج – سیاق آیه: این آیه در ادامه آیات مربوط به بیان شأن و جایگاه ارتباط زناشویی در قالب حلال و حرام است و نوعی دیگر ازدواج را بیـان می کنـد که بایـد در بـارهٔ آن توضـیح داده شود در آیه می خوانیم: «و کسـانی از زنان را که (با متعه و ازدواج موقت) از او بهره می برید، پس مهرشان را در حالی که واجب شده به آن ها بدهید.»

پرداخت اجرت نیز در بهره برداری در ازدواج موقت قابل تصور است. آیه بعد هم در مورد ارتباط صحیح زناشویی است.

د – نظرگاه مفسران: علامه امینی هجده منبع را از منابع اصلی معرفی می کند و این آیه را در مورد ازدواج موقت می داند؛ (۱) از جمله مجمع البیان، المیزان، و ...

– گفته عمر: این گفته که متعـهٔ حـج و متعهٔ نسا در زمان پیامبر وجود داشت و من ممنوع کردم، دلالت بر وجود ازدواج موقت در زمان پیامبر(صلی الله علیه و آله) دارد؛ همان طور که از این آیه به دست می آید.

### ازدواج موقت در روایات شیعه

بیان شد که تعداد قابل توجهی از روایات شـیعه در تفسـیر آیه ازدواج موقت و پیرامون مسائل دیگر از جانب اهل بیت عصمت (علیه السلام) مطرح شده است. در یک تقسیم بندی می توان روایات را به چهار دسته کلی تقسیم کرد:



---

۱– (۱) . الغدیر، ج ۳، ص ۲۳۰ – ۲۳۱.

دسته اول: احادیث دلالت کننده بر جواز ازدواج موقت و علت آن.

محمد بن مسلم می گوید: امام صادق(علیه السلام) فرمود: خداوند تبارک و تعالی نسبت به شما رأفت و مهربانی کرده و عوض از حرام کردن شراب، ازدواج موقت را حلال نموده است. (۱)

امام رضا(علیه السلام) متعه و ازدواج موقت را از شرایط اسلام دانسته و می فرماید: محض اسلام، و اساس اسلام شهادت به وحدانیت خداوند است .... و از اساس اسلام این است که متعتین (ازدواج موقت و تمتع و لذت جویی در ایام حج بین عمره و اعمال حج) را حلال بدانی؛ آن دو متعه ای که خداوند در کتابش آیه ای در موردش نازل فرموده، و پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) آن دو را سنت و مستحب قرار داده است. (۲)

دسته دوم: احادیثی که بر مستحب بودن ازدواج موقت دلالت دارند.

صالح بن عقبه از پدرش نقل می کند که گفت:

از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم: آیا برای کسی که ازدواج موقت بنماید، ثوابی (از طرف خدا) در نظر گرفته شده است؟ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: اگر با این عمل (ازدواج موقت) قصد قربت کند و ... کلمه ای با آن زن صحبت نمی نماید، مگر آن که خداوند به عدد هر کلمه حسنه ای برای او قرار می دهد و دستی به طرف زن دراز نمی نماید مگر این که خداوند برای او حسنه ای قرار می دهد و



---

۱- (۱) . وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۴، ص ۴۳۸ ح ۷، باب یک ابواب المتعه کتاب النکاح

۲- (۲) . همان، ص ۴۳۹، ح ۱۵.

وقتی به او نزدیک شود، خداونـد گناهی از او می آمرزد، و وقتی غسل می کند، خداوند به عدد هر مویی از بدن او که آب بر آن جریان پیدا می کند، از او گناه می بخشد.

عقبه می گوید: (با تعجب) پرسید: به عدد هرمو؟

حضرت فرمودند: (آری) به عدد هر مو (خداوند گناهی از او می بخشد). (۱)

هشام ازامام صادق (علیه السلام) نقل می کند که حضرت فرمودند: همانا دوست دارم که مؤمن از دنیا نرود مگر آن که ازدواج موقت کرده باشد، هرچند یک مرتبه. (۲)

دسته سوم: احادیثی که بر کراهت ازدواج موقت در مواردی دلالت می کند.

محمد بن فیض گوید:

از امام صادق(علیه السلام) در مورد متعه و ازدواج موقت سوال کردم، حضرت فرمود: آری، اگر زن عارفه و آگاه باشد، اشکال ندارد (شما را از چند دسته زنان بر حذر می دارم): از «کواشف» بر حذر باشید، از «دواعی» بر حذر باشید از «بغایا» بر حذر باشید و از شوهرداران بر حذر باشید.



---

۱- (۱) . من لا یحضره الفقیه، کتاب النکاح باب المتعه، ج ۳، ص ۴۶۳، ج ۱۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۴۲، حدیث ۲

۲- (۲) . همان، ج ۱۴، ص ۴۴۳، حدیث ۷.

عرض کردم: کواشف چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: زنانی که کشف شده هستند (بی حجاب هستند) و خانه هایشان شخصی است و رفت و آمد (نامشروع) دارند.

عرض کردم: دواعی چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: زنانی که مردان را به خود می خوانند و به فساد شناخته شده اند.

عرض کردم بغایا چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: زنانی هستند که به زنا معروف می باشند.

عرض کردم: شوهرداران چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: زنانی که به طور غیر شرعی طلاق داده شده اند. (۱)

دسته چهارم: احادیثی که احکام متعه را بیان می کنند.

شیخ حر عاملی از محدثان قرن دوازدهم و نویسندهٔ کتاب گران سنگ وسایل الشیعه در بخش نهم از کتاب النکاح، ۴۶ باب با عناوین گوناگون باز کرده است و تعداد ۲۲۳ روایت نقل می کند؛ از جمله:

۱. باب مباح بودن ازدواج موقت (۳۲ روایت)؛

۲. باب مستحب بودن ازدواج موقت (۱۵ روایت)؛

۳. باب مستحب بودن ازدواج موقت، اگرچه عهد بسته باشد که آن را ترک کند یا بر او نذر کرده باشد (۳ روایت)؛

۴. مکروه بودن متعه در صورت بی نیازی و منجر شدن به فساد زنان (۶ روایت)؛

۵. باب مستحب بودن ازدواج موقت با زنان امین و عفیف (۳ روایت)؛



---

۱- (۱) . وسائل الشیعه، کتاب النکاح، ابواب المتعه، باب ۸، حدیث ۳.

و ابواب دیگر که در بیان احکام، شرایط و آداب ازدواج موقت است.

این تعداد روایت بیانگر اهمیت موضوع در پیشگاه ائمه معصومین(علیه السلام) راویان و محدثان اخبار معصومین (علیه السلام) است.

## فتوای جدید برخی از علمای اهل سنت درباره ازدواج موقت

(۱)

مشکل بالا رفتن سن ازدواج دختران، تنها به کشورهای عربی خاور میانه محدود نمی شود، بلکه به یک شبح تهدید آمیز برای همه کشورهای اسلامی تبدیل شده است. وب سایت «محیط » طی گزارشی، خاطر نشان کرد که ۳۴ دختران در کشورهای عربی از سن ۳۵ سال گذشته اند و این افراد را دختران ناامید می نامند، زیرا دیگرامیدی به ازدواج با فردی شایسته و دلخواه ندارند. تنها در مصر ۸ میلیون ناامید وجود دارد، در مراکش وضعیت بدتراست. ممکن است همین رقم و شاید هم بیشتر از آن وجود داشته باشند، البته کشورهای عربی خلیج فارس نیز همین مشکل را به نوع دیگری دارند. در این میان، وضع «یمن» از همه بدتر است. درصد ازدواج های زود هنگام، اشتغال دختران خردسال به عنوان خدمتکار و .... ناهنجاری های بسیاری را ایجاد کرده است. بالا- رفتن آمار دختران ناامید به عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برمی گردد. در این میان، بالا رفتن سن ازدواج پسران نیز

ص:۱۶۶

---

۱- (۱) . ماهنامه معارف، صاحب امتیاز: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، معاونت امور اساتید، خرداد و تیر ۱۳۸۵، شمارهٔ ۳۶.

بر این پدیده تأثیر گذاشته است. از نظر فرهنگی، امروزه ازدواج پسران در سن بالا، امری ناپسند به حساب نمی آید، حال آنکه تا نیمه قرن گذشته، میانگین سن ازدواج پسران ۲۲ سال بود و مجرد بودن آنان، امری ناپسند تلقی می شد، در سال های اخیر در کشورهای عربی، کنفرانس های متعددی در خصوص راهکارهایی برای حل مشکل دیر ازدواجی و پیر دختری برگزار شده است. یکی از راه هایی که مورد بررسی قرار گرفت، ازدواج موقت است. در فقه شیعه، ازدواج موقت و زمان دار و به قصد طلاق برای زنان بدون شوهر با شرایط خاص،مجاز است، اما در فقه اهل سنت، ازدواج موقت و یا هر ازدواجی که مدت دار باشد، حرام است.

به تازگی، تعدادی از علمای اهل سنت اعلام کرده اند که خلیفه دوم، سنت خدا و پیامبر را حرام کرده است، در حالی که این حرمت، جایگاه شرعی و قانونی نداشته است. از جمله در کتابی به نام « ازدواج متعه حلال است»، صالح وردانی، فقیه سنی سلفی مصری، نوشته است که دلایلی بر تحریم ازدواج موقت و نیز دلایلی بر تأیید آن وجود دارد، اما دلایلی که در تأیید وجود دارند، محکم ترند، زیرا همه آنها به پیامبر اعظم(صلی الله علیه و آله) منسوبند، اما دلایل ابطال به خلیفه دوم و صحاح سته منسوب است. ولی در استدلال های خود،به فقه شیعه نزدیک شده و بطور ضمنی، احادیث شیعه را در مورد ازدواج موقت، صحیح دانسته و ادله فقهایی که در نسخ آن،سخن گفته اند را با نقد و بررسی فقهی رد کرده است.

ص:۱۶۷

این نخستین بار است که یک مفتی سنی، وارد مباحث و مفاهیم بنیادین در رفتارشناسی جنسی مانند: آموزش و تربیت جنسی، جنسیت یا تمایل جنسی، هویت جنسی، نقش جنسی، حدود و ثغور آموزش و تربیت جنسی، آموزش جنسی قبل از ازدواج می شود و درباره آنها کند و کاو می کند.

به هر حال، مسئله ازدواج موقت، یکی از موضوعات قابل بحث در حوزه وضعیت زنان در کشورهای عربی است. بیوه زنانی که در کشورهایی مانند مغرب، مصر، الجزایر و یمن زیر فشارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، کمر خم کرده اند، «ازدواج موقت» را به عنوان وسیله ای برای آرامش و تأمین حداقل معیشت می یابند. آنان نه تنها این را عملی از روی اکراه و اجبار، بلکه با رضایت می پذیرند. امروزه،زنان از قشرهای مختلف،پذیرای این پیشنهاد هستند. زنان و دختران جوان گرفتار، برای گره گشایی از وضعیت نابسامان مالی خود، ازدواج زمان داررا می پذیرند و پس از ناامیدی، خوشبختی خود را یک بار دیگر آزمایش می کنند.

مشکل اساسی، قبلا این بود که فرزندان ناشی از ازدواج های موقت، وضعیت حقوقی و شرعی مشخصی نداشتند و این ازدواج های عرفی توسط شاهدانی از فامیل و یا وعاظ درجه پایین انجام می شد، ولی اگر قانونی و شرعی بودن این نوع زناشویی رسما پذیرفته شود، مشکل حضانت کودکان نیز قانونمند خواهدشد.

روند فزاینده این گونه ازدواج ها در بین اقشار تحصیل کرده و شهرنشین، افراد جدا شده و کسانی که مسافرت های کاری طولانی مدت و یا سفر فصلی

ص:۱۶۸

دارند به گونه ای است که قبح و زشتی حرمت این گونه ازدواج ها نزد عامه مردم از بین رفته است.

به طوری که شاید میزان ازدواج های عرفی سال های اخیر در کشورهای عربی سنی، از جمله در یمن به مراتب بیشتر از جوامع شیعی است.

بسیاری از دختران و یا بیوه زنان تحصیل کرده که صاحب شغل هستند نیز برای حفظ موقعیت خود در محل کار و تثبیت وضعیت اقتصادیشان، گاه مجبور به پذیرفتن ازدواج موقت از سوی کارفرمای خود می شوند.

این امر چنان امروزه در کشورهای عربی پیداست که هیچ کس نمی تواند، منکر آن شود.

عقل و ازدواج موقت

شهوت یک نوع غریزه در وجود انسانی است اگر در راه خود مصرف نشود، ناگزیر در غیر راه خود مصرف خواهد شد و انسان را به انحراف های جنسی پنهانی و یا علنی خواهد کشید. زنی که طلاق گرفته یا شوهر او از دنیا رفته و زمانی با شوهر زندگی کرده، چگونه می تواند بعد از چشیدن لذت از شوهر اکنون بدون آن زندگی کند؟ آیا این زن نمی تواند به انحراف های جنسی دیگر مانند، خود ارضایی، زنای مخفیانه و یا ارضاع با همجنس کشیده شود؟ آیا اگر شرایط مساعدتر شود، این زن تن به زنای آشکار نمی دهد؟

جوانی که در بحران جوانی و شهوت قرار دارد و شهوت عقل او را می رباید و قدرتی نیز برای ازدواج دائم در خود سراغ ندارد، برای ارضای غریزه جنسی به طور مشروع راهی به جز ازدواج موقت ندارد.

ص:۱۶۹

عقـل سـالم و انسـان منصف برای پیشـگیری از گرفتاری های نامشـروع جنسـی برای ارضای غریزهٔ قوی شـهوت، راه صـحیح و شرعی ازدواج موقت را توصیه می کند که با شرایط، آداب و احکام خاص خود و حفظ حریم های شرعی انجام می پذیرد.

### ازدواج موقت در حقوق

قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ در کتاب هفتم از جلد دوم به پیروی از فقه امامیه بر ازدواج موقت صـحه گذاشـته است. ماده ۱۰۷۵ قانون یاد شده می گوید: نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی باشد.

ماده ۱۰۷۶: مدت نکاح منقطع باید کاملاً معین شود.

ماده ۱۰۹۵: در نکاح منقطع عدم مهر در عقد موجب بطلان است.

ماده ۱۰۹۶: در نکاح منقطع موت زن در اثنای مدت موجب سقوط مهر نمی شود و همچنین است اگر شوهر تا آخر مدت با او نزدیکی نکند.

ماده ۱۰۹۷: در نکاح منقطع هرگاه شوهر قبل از نزدیکی تمام مدت نکاح را ببخشد، باید نصف مهر را بدهد.

ماده ۱۰۹۸: در صورتی که عقـد نکـاح اعم از دائم یا منقطع باطل بوده و نزدیکی واقع نشـده، زن حق مهر نـدارد و اگر مهر را گرفته شوهر می تواند آن را استرداد نماید.

ص:۱۷۰

۱۱۱۳. در عقد منقطع، زن حق نفقه ندارد مگر این که شرط شده یا آن که عقد مبنی بر آن جاری شده باشد. (۱)

شرایط و احکام (۲) ازدواج موقت

شرایط:

اول: صیغه عقد ازدواج موقت (ایجاب و قبول)

در زناشویی، چه دائم و چه غیر دائم، باید صیغه خوانده شود و تنها راضی بودن زن و مرد کافی نیست و صیغه عقد را یا خود زن و مرد می خوانند، یا دیگری را وکیل می کنند که از طرف آنان بخواند. (م۲۳۶۳)

- وکیل لازم نیست مرد باشد، زن هم می تواند برای خواندن صیغه عقد از طرف دیگری وکیل شود. (م ۲۳۶۴)

- زن و مرد تا یقین نکنند که وکیل آن ها صیغه را خوانده است، نمی توانند به یکدیگر نگاه محرمانه نمایند و گمان به این که وکیل صیغه را خوانده کفایت نمی کند، ولی اگر وکیل بگوید صیغه را خوانده ام کافی است.

(م ۲۳۶۵)



---

۱- (۱) . قانون مدنی، مصوب ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۷ به کوشش سید عباس حسینی نیک، انتشارات مجد، چاپ چهارم، ۱۳۸۲، تهران

۲- (۲) . کلیه احکام که بعد از آن ها عدد چهار رقمی در داخل پرانتز قرار دارد، از رساله مراجع (دوازده نفر) دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم می باشد.

الف - ایجاب (آنچه زن موقع خواندن صیغه ازدواج موقت می گوید): اگر خود زن و مرد بخواهند صیغه عقد غیر دائم بخوانند، بعد از آن که مدت و مهر را تعیین کردند، زن بگوید:

«متعتک نفسی فی المدّهٔ المعلومهٔ علی المهر المعلوم؛ خودم را مورد بهره برداری تو (مرد) قرار دادم در مدت معلوم بنابر پاداش معلوم.»

ب - قبول (آنچه مرد در پاسخ زن می گوید): مرد بدون فاصله بگوید: «قَبِلْتُ» و اگر دیگری را وکیل کنند، اول وکیل زن به وکیل مرد بگوید: «متعت موکلتی موکلک فی المدهٔ المعلومه علی المهر المعلوم» پس بدون فاصله وکیل مرد بگوید: «قبلت لموکلی هکذا» (۲۳۶۹)

احکام:

۱. در صورتی که صیغه عقد ازدواج موقت صحیح خوانده نشود، عقد باطل است. اگر در عقد یک حرف غلط خوانده شود که معنی آن را عوض کند، عقد باطل است. (۲۳۷۱)

۲. در صورتی که زن و مرد نمی توانند صیغه را صحیح بخوانند، باید به شخص ثالثی که می تواند صیغه را صحیح بخواند، وکالت دهند تا از جانب آن ها اجرای صیغه نماید.

۳. در صورتی که زن به تنهایی قادر به تلفظ صحیح صیغه عقد ازدواج موقت از جانب خود نباشد، می تواند به شوهر موقت خود وکالت دهد تا از طرف او اجرای صیغه نماید.

ص:۱۷۲

۴. در صورتی که مهریه مشخص نباشد و اجرای صیغه عقد موقت شود، عقد باطل است.

۵. کسی که دستور زبان عربی را نمی داند، اگر قرائتش صحیح باشد و معنای هر کلمه از عقد را جداگانه بداند و از هر لفظی معنای آن را قصد نماید، می تواند عقد را بخواند. (۲۳۷۲، ص ۳۸۶ مراجع)

۶. عقد ازدواج باید به عربی صحیح خوانده شود و اگر خود زن و مرد نتوانند صیغه را به عربی صحیح بخوانند، به هر لفظی که صیغه را بخوانند، صحیح است و لازم نیست وکیل بگیرند، اما باید لفظی بگویند که معنی را بفهماند.

دوم: تعیین مهر در ازدواج موقت

باید طرفین بر مال توافق نمایند. مهر زن می تواند پول یا منفعت و انجام کاری حلال و یا مباح باشد.

در صورت معلوم نبودن مهریه چه از نظر کیفیت یا کمیت، عقد ازدواج باطل است.

سوم: تعیین وقت در صیغه عقد ازدواج موقت

تعیین وقت در موقع اجرای صیغه از شرایط عقد ازدواج موقت است و در صورت تعیین نکردن وقت، عقد باطل می شود. (۱)

ص:۱۷۳

---

۱- (۱) . همان، ص ۴۱۱.

چهارم: خالی بودن زن از موانع ازدواج

۱. زن نباید موقع خواندن صیغه ازدواج موقت در عده شوهر قبلی باشد.

تبصره: عده به ایامی می گویند که پس از جدا شدن، زن باید صبر کند و حق شوهر کردن ندارد تا زمانی که دو باره خون حیض ببیند و همین که حیض دوم را دیده، عده او تمام می شود و می تواند شوهر دیگر اختیار نماید.

اگر زن به طور طبیعی خون حیض نمی بیند و یا به این علت که رحمش را در آورده باشند، اگر در سن کسانی می باشد که حیض می بینند (از ۹ سال تا ۵۰ یا ۶۰ سالگی) باید ۴۵ روز عده نگهدارد و سپس ازدواج نماید.

زنانی که عده ندارند

یک - زنی که اگر سیده باشد، در شصت سالگی و اگر غیر سیده باشد، در پنجاه سالگی دیگر خون حیض نمی بیند (یائسه).

د - زنی که ازدواج کرده، ولی با او همبستر نشده باشد.

سه- زنی که ۹ سالش تمام نشده باشد.

زنانی که عده ندارند می توانند پس از تمام شدن وقت ازدواج موقت، بلافاصله با شخص دیگری ازدواج کنند.

- اگر شوهر موقت بخواهد در ایام عده ازدواج دو مرتبه به همان زن رجوع کند، لازم نیست زن ایام عده را به پایان برساند.

- زنی که در ایام عده (ممنوعیت از ازدواج) به سر می برد، اگر مسئله حرمت ازدواج در این ایام را نمی دانست و ازدواج مجدد نماید، در صورتی که به او دخول نشده باشد، زن به مرد حرام ابدی نخواهد شد، لیکن در صورتی

که دخول انجام گرفته باشد، هر چند مسئله را نمی دانسته، زن بر مرد حرام ابدی خواهد شد.

- زن و مردی که می دانسته اند ازدواج در ایام عده حرام است، اگر ازدواج نمایند، زن بر مرد حرام ابدی خواهد شد.

- عدهٔ زنی که از ازدواج موقت حامله شده باشد، به وضع حمل او، یا دیدن دو حیض (در کسانی که حیض می بینند) و یا ۴۵ روز در کسانی که حیض نمی بینند، به هر کدام که زمانش بیشتر باشد، می باشد.

- عده زنی که شوهرش بمیرد، چه ازدواج موقت و یا دائم، چهار ماه و ده روز قمری می باشد. چه یائسه باشد یا زیر ۹ سال و چه دخول شده باشد یا نشده باشد.

- اگر زن بگوید من در ایام عده نیستم، در صورتی که متهم به دروغ گویی و یا فحشا نباشد، می شود سخن او را قبول و با او ازدواج کرد.

۲. زن نباید محرم مرد باشد.

- ازدواج با زن هایی مثل مادر، خواهر، (دختر، عمه، خاله، دختر برادر و دختر خواهر)، مادر زن (فعلی و قبلی)، مادر مادر زن و مادر پدر زن با مرد محرم هستند، حرام است. (۲۳۸۴ م)

اگر کسی زنی را برای خود عقد نماید، اگرچه با او نزدیکی نکند، مادر و مادر مادر آن زن و مادر پدر او و هرچه بالا رود، به آن مرد محرم می شوند. (۲۳۸۵)

ص:۱۷۵

– اگر زنی را عقد کند و با او نزدیکی نماید، دختر و نوه دختری و پسری او، هرچه پایین روند، چه در وقت عقد باشند و یا بعداً به دنیا بیایند، به آن مرد محرم می شوند. (۲۳۸۷ م)

– ازدواج با زن هایی که از طریق شیر خوردن به انسان محرم می شوند (خواهر رضاعی) حرام می باشد.

– ازدواج با خواهر زن حرام و باطل است، مگر آن که زن خود را طلاق بدهد و یا اگر ازدواج با او موقت است، باقی وقت را به او ببخشد و بعد از خروج آن زن از عده، با خواهرش ازدواج نماید. (۳۹۴) (۲۳۹۷م)

### –احکام و مسائل متفرقه

۱. کسی که صیغه را می خواند باید بالغ و عاقل باشد، چه برای خودش بخواند یا از طرف دیگری وکیل شده باشد. (۲۳۷۰)

۲. در ازدواج موقت هر کدام از طرفین می توانند به نفع خود شروطی را قرار دهند و پس از آن که به توافق برسند، صیغه عقد ازدواج را بخوانند.

۳. در موقع خواندن صیغه، زن و مرد باید قصد انشا کنند؛ به این معنا که با خواندن صیغه همین الان زن با این مرد و یا مرد با این زن محرم خواهند شد.

۴. مردم و یا زن و یا هر دو می توانند به صورت تلفنی شخص دیگری را وکیل خود نمایند تا در غیاب آن ها اجرای صیغه عقد نماید.

۵. در ازدواج موقت زن از مرد ارث نخواهد برد.

ص:۱۷۶

۶. زن مسلمان نمی تواند به عقد کافر در آید، مرد مسلمان هم نمی تواند با زن های کافرهٔ غیر کتابیه به طور دائم ازدواج کند وبه احتیاط واجب ازدواج دائم با زن های کافرهٔ اهل کتاب نیز جایز نیست، ولی صیغه کردن زن های اهل کتاب مانند یهود و نصاری مانعی ندارد. (۲۳۹۷)

۷. اگر با زنی که در عدهٔ طلاق رجعی است، زنا کند، آن زن بر او حرام می شود و اگر با زنی که در عدهٔ متعه یا طلاق یا عدهٔ وفات است، زنا کند، بعداً می تواند او را عقد نماید (اگرچه احتیاط مستحب آن است که با او ازدواج نکند) (۲۳۹۸)

۸. اگر با زن بی شوهری که در عده نیست، زنا کند، بعداً می تواند آن زن را برای خود عقد نماید، ولی احتیاط مستحب آن است که صبر کند تا آن زن حیض ببیند بعد او را عقد نماید، بلکه احتیاط مزبور حتی الامکان نباید ترک شود و همچنین است اگر دیگری بخواهد آن زن را عقد کند. (۲۳۹۹)

۹. اگر زنی را که در عده دیگری است برای خود عقد کند، چنانچه مرد و زن یا یکی از آنان بدانند که عدهٔ زن تمام نشده و بدانند عقد کردن زن در عده حرام است، آن زن بر او حرام می شود، اگرچه مرد بعد از عقد با آن زن نزدیکی نکرده باشد. (۲۴۰۰)

۱۰. اگر زنی را برای خود عقد کند و بعد معلوم شود که در عده بوده، چنانچه هیچ کدام نمی دانسته اند زن در عده است و نمی دانسته اند که عقد کردن زن در عده حرام است، در صورتی که مرد با او نزدیکی کرده باشد، آن زن بر او حرام می شود. (۲۴۰۱)

۱۱. اگر انسان بدانـد زنی شوهر دارد و با او ازدواج کنـد، بایـد از او جـدا شود و بعداً هم نمی تواند او را برای خود عقد کند. (۲۴۰۲)

۱۲. شوهر بیش از چهار ماه نباید نزدیکی با متعه خود را ترک کند. (۲۴۲۲)

۱۳. زنی که صیغه می شود اگر در عقد شرط کند که شوهر با او نزدیکی نکند، عقد و شرط او صحیح است و شوهر فقط می تواند لذت های دیگر از او ببرد، ولی اگر بعداً به نزدیکی راضی شود، شوهر می تواند با او نزدیکی نماید. (۲۴۲۳)

۱۴. زنی که صیغه شده است اگر چه آبستن شود، حق خرجی ندارد. (۲۴۲۴)

زنی که صیغه شده است حق همخوابی ندارد و از شوهر ارث نمی برد و شوهر هم از او ارث نمی برد (۲۴۲۵)

۱۵. زنی که صـیغه شـده می توانـد بـدون اجازه شوهر از خانه بیرون برود، ولی اگر به واسـطه بیرون رفتن حق شوهر از بین می رود، بیرون رفتن او حرام است. (۲۴۲۷)

پرسش:

## از نظر قرآن و فقه چه تفاوتی بین زنا و عقد موقت وجود دارد؟

پاسخ:

این پرسش را می توان به دو بخش تقسیم کرد:

۱. تفاوت بین زنا و ازدواج موقت از نظر قرآن چیست؟

۲. زنا و عقد موقت از نظر فقه چه تفاوتی دارند؟

پیش از بیان تفاوت بین زنا و ازدواج موقت، مناسب است آن دو را تعریف کنیم.

تعریف:

در تعریف «زنا» گفته اند: «نزدیکی با زن، بدون عقد شرعی را زنا گویند.» (۱) و در تعریف ازدواج موقت می توان گفت: «نزدیکی با زن با عقد شرعی که مدت و مهر آن معلوم باشد.»



---

۱- (۱) . المفردات، راغب اصفهانی، انتشارات کتابفروشی مرتضویه، چاپ ۱۳۶۲، ص ۲۱۵.

## گناه بزرگ:

قرآن کریم «زنـا» را در ردیف شـرک به خـدا و قتل نفس معرفی می کنـد. (۱) در این باره ابن عباس حـدیثی نقل می کنـد از پیامبر گرامی(صلی الله علیه و آله): سوال کردم،

کدام گناه از همه گناهان بزرگ تر است؟ حضـرت فرمود: این که برای خداوند شـریکی قرار دهی، در حالی که او تو را خلق کرده است؛ بعد گفتم: بعد از آن کدام گناه؟ فرمود: این که به قتل برسانی فرزند خود را به خاطر ترس از این که با تو هم غذا شود. بعد پرسیدم: بعد از آن کدام گناه؟ فرمود: این که با زن همسایه ات زنا کنی. (۲)

قرآن کریم در مذمت و تقبیح عمل زنا می فرماید:

«وَلاَ تَقْرَبُوا الزِّنَی إِنَّهُ کَانَ فَاحِشَهً وَسَاءَ سَبِیلاً (۳)؛

و نزدیک زنا نشوید؛ [چرا] که آن، زشتکاری است، و بد راهی است.»



---

۱- (۱) . آن جا که در توصـیف «عباد الرحمن» می فرمایـد: «وَالَّذِینَ لاَ یَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلهاً آخَرَ وَلاَ یَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِی حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلاَ یَزْنُونَ وَمَن یَفْعَلْ ذلِکَ یَلْقَ أَثَاماً؛ و کسانی که معبود دیگری را با خـدا (بعنوان پرسـتش) نمی خوانند؛ و شخصـی را که خدا (کشـتن او را) حرام کرده است، جز بحق نمی کُشـند؛ و زنا نمی کنند؛ و هر کس این (کارها) را انجام دهد، [کیفرِ] گناه را خواهد دید.» (فرقان، ۶۸)

۲- (۲) . مجمع البیان، طبرسی، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، سال ۱۳۵۵، ص ۱۷۹

۳- (۳) . اسراء، ۳۲.

خداوند در این آیه، «زنا» را عملی بسیار زشت و ناپسند و راهی بسیار بد و خطرناک معرفی می کند و می فرماید: هیچ کس حق ندارد به آن نزدیک شود!

## راهکار قرآنی برای سلامت جامعه

قرآن کریم برای حفظ جامعه، عقد موقت را به عنوان راهی بسیار مناسب و مطابق با حکمت برای انسان قرار داده است:

«فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً... إِنَّ اللّهَ كَانَ عَلِيماً حَكِيماً؛ (۱)و کسانی از زنان را که (با مُتعه و ازدواج موقت) از او بهره می برید، پس مَهرشان را، در حالی که واجب شده، به آنان بدهید... براستی که خدا، دانای فرزانه است.»

از این بخش از آیه استفاده می شود که اصل ازدواج موقت و صیغه، قبل از نزول این آیه برای مسلمانان امری مسلم بوده که در این آیه نسبت به پرداخت مهر توصیه می کند. (۲) در پایان آیه آمده است: و خداوند نسبت به مصالح بندگان آگاه و احکامش مطابق با حکمت است.



---

۱- (۱) . نساء، ۲۴

۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۷۲.

ازدواج موقت یک ضرورت اجتماعی

بـا توجه به این که غریزهٔ شـهوت یکی از غرایز نیرومنـد انسـان است و نمی شود آن را از بین برد؛ زیرا خداونـد آن را به خاطر حفظ بقای انسان در نهاد او گذاشـته است، باید از طریق شـرعی تعدیل کرد. اکنون در بسـیاری از محیطها و شرایط، افرادی به خاطرمشکلات مادی و یا به خاطر تحصیلات

طولاـنی قـادر به ازدواج دائم نیسـتند و یـا برخی افراد متأهل در مسافرت های طولانی که با مشـکل عـدم ارضای غریزهٔ جنسـی مواجه می شوند، چکار باید بکنند؟ آیا باید این غریزهٔ خدادادی را سرکوب کنند و راه راهبان را پیش بگیرند؟ – اسلام به این امر راضـی نیست – و یا باید آزاد و بی بند و بار باشند؟ در این جا راه سومی نیز هست که نه مشکلات ازدواج دائم را به دنبال دارد و نـه به سـرکوب غریزه جنسـی می انجامـد و نه آن بی بنـد و بـاری را در پی دارد و آن ازدواج مـوقت (صـیغه) است که اسلام آن را پیش روی ما گذاشته است؛ بنابراین، در صورت ضرورت و اضطرار می توان بدان عمل کرد. (۱)



---

۱- (۱) . همان، ج ۳، ص ۳۴۱، (با تلخیص و تصرف).

تفاوت های زنا و عقد موقت:

۱. عمـل «زنـا» به تعبیر قرآن (إِنَّهُ کَانَ فَاحِشَـةً وَسَاءَ سَبِیلًا) (۱)عمـل زشت و بـد راهی است و ازدواج مـوقت از روی حکمت و علم خداوند به مصلحت بندگان است: «إِنَّ اللَّهَ کَانَ عَلِیماً حَکِیماً».

۲. بر اثر این عمل زشت اگر فرزندان نامشروعی ب ه وجود آیند، بین آنان هیچ گونه ارتباطی وجود نخواهد داشت و خودشان را نسبت به یکـدیگر بیگـانه قلمـداد خواهنـد کرد؛ چرا که از اصـالت خـانوادگی، عـاطفه و محبت که موجب ارتباط و اتصال است، برخوردار نمی باشند؛ اما در ازدواج موقت اگر صاحب

فرزند شوند چون شرعی و قانونی است، با فرزندانی که از ازدواج دائم به دنیا می آیند، هیچ تفاوتی ندارند.

۳. عمل زنا غالباً همراه با اضطراب و ترس است، به ویژه برای کسانی که اهل ایمان باشند، حال اگر فرزندی به وجود آید طبعاً اضـطراب و دلهره در فرزنـد تـاثیر می گـذارد که این خـود مشـکلات جسـمی و روحی - روانی برای وی به بـار می آورد؛ اما نزدیکی بر اساس عقد موقت چون شرعی و قانونی است و قرآن آن را مباح دانسته، مفاسد مذکور را به همراه نخواهد داشت.

۴. فرزندان نامشـروع خودشان را به کسـی و جایی منتسب نمی دانند و خود را معلول شـهوات و غرایز جنسی یک عده شهوت ران می دانند؛ در نتیجه



---

۱- (۱) . اسراء، ۳۲.

روشن است که در جامعه بحران آفرینی می کنند، به طوری که امنیت و آسایش از جامعه سلب خواهد شد، ولی مقاربت مشروع آن عواقب سوء را به دنبال نخواهد داشت.

فرزند نامشروع سرنوشت خود را در آینده مبهم می داند، ولی فرزند قانونی و شرعی این گونه نیست؛ زیرا از اصالت خانوادگی بهره مند و نسب وی برای دیگران معلوم است. ممکن است گفته شود: با ایجاد کانون های تربیتی چه بسا بشود مشکلات مذکور را حل کرد؛ اما باید دانست که ممکن است در یک مقطع زمانی با محبت و عاطفه های مجازی از بروز مشکلات پیش گیری کرد، ولی از آن جا که آنان از نعمت محبت و عاطفهٔ واقعی محروم اند مشکلات تربیتی و اخلاقی همچنان باقی می ماند.

۵. ارتباط زن و مرد در قالب ازدواج موقت خود به خود روابط زناشویی را مدیریت می کند و از ارتباط با افراد متعدد کاسته می شود و همین که این روابط در چهارچوبی نظام مند شد، به طور طبیعی از بسیاری از بیماری های مقاربتی و... کاسته می شود و بهداشت جسم و روانِ زن و مرد و جامعه را به ارمغان می آورد.

با توجه به تفاوت هایی که بین زنا و ازدواج موقت بیان شد، حکمت این مطلب روشن می شود که چرا قرآن از عمل زنا نهی کرده و عقد موقت را مباح و جایز دانسته است.

ص:۱۸۴

## ویژگی های ازدواج موقت از منظر فقه

در کتب فقهی برای ازدواج موقت ویژگی هایی ذکر شده که از آن ها تفاوت ازدواج موقت با زنا روشن می شود. اکنون به بعضی از آن ها اشاره می کنیم:

۱. ازدواج موقت که به آن «متعه» نیز گفته می شود، مانند ازدواج دائمی است که احتیاج به عقد مشتمل بر ایجاب و قبول دارد و تنها رضایت قلبی دو طرف و نگارش و اشاره و داد و ستد کافی نیست. (۱)

۲. زن باید در طول مدت ازدواج موقت (صیغه) در اختیار مرد باشد و حق ندارد خودش را در معرض مرد دیگری برای صیغه شدن قرار دهد؛ اما در زنا این حکم رعایت نمی شود.

۳. زن باید بعد از اتمام مدت صیغه عدّه نگه دارد؛ یعنی اگر زن «رگل» می شود، در صورت آمیزش باید به اندازه ی دو نوبت قاعدگی عدّه نگه دارد و اگر «رگل» نمی شود، باید ۴۵ روز عده نگه دارد (۲) و در این مدت با مرد دیگری ازدواج نکند. در این حکم فرق نمی کند از وسایل جلوگیری کننده از باردار شدن استفاده کرده باشد یا نه، در حالی که در زنا این حکم رعایت نمی شود. (۳)



---

۱- (۱) . تحریر الوسیله، امام خمینی، ج ۲، ص ۲۸۹ - ۲۹۱

۲- (۲) . همان

۳- (۳) . تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۸۱.

۴. اگر مردی از زنش صاحب فرزندی شد، باید مثل فرزند ازدواج دائم مورد حمایت مرد قرار گیرد و نفقهٔ او را پرداخت نماید؛ اما در زنا چون فرزند شرعی و قانونی نیست، از حمایت مرد محروم است.

۵. در صورتی که مرد بعد از ازدواج موقت بمیرد، فرزندش از او ارث می برد، بر خلاف فرزند نامشروع.

ی ادآوری

این که شهوت رانی لجام گسیخته را بتوان به شکل قانونی و در چهارچوب خاصی مدیریت کرد، دغدغه ای بوده که فکر اندیشمندان را همواره به خود مشغول داشته است؛ چنان که برتراند راسل - دانشمند معروف انگلیسی - ازدواج موقت را به نام «زنا شویی دوستانه» راه حل مشکل جنسی جوانان در

عصر حاضر می داند و آن را به دولت ها پیشنهاد می کند (۱) و یکی از علمای اهل سنت، پس از نقل این پیشنهاد، افتخار می کند که این قانون جزو قوانین یکی از مذاهب اسلامی یعنی شیعه است. (۲)

ص:۱۸۶

---

۱- (۱) . ایشان می گوید: جوانان باید قادر باشند ازدواجی داشته باشند که با ازدواج دائم معمولی سه تفاوت داشته باشد: نخست این که طرفین قصد بچه دار شدن نداشته باشند؛ دیگر این که جدایی آن ها به آسانی صورت گیرد و سوم این که بعد از طلاق زن هیچ گونه حق نفقه نداشته باشد. (ج ۳، ص ۲۸۳)

۲- (۲) . رساله نوین، ج ۳، ص ۶۸.

بدیهی است طرح فوق از جهات زیادی به «ازدواج موقت» در اسلام نزدیک است، ولی طرح اسلام از جهات زیادی روشن تر و کامل تر و جامع تر می باشد.

ص:۱۸۷

## فصل دوم: مسائل گوناگون

### اشاره

ص:۱۸۹

پرسش:

## روابط دختر و پسر

### اگر شخص به خاطر این که فرد مورد نظر از نظر ایمان کامل نیست و یا ... ، با او ازدواج نکند، نظر اسلام در این مورد چیست ؟

### اشاره

پاسخ:

اگر انسان با فردی که مورد علاقه او نیست و یا شرایط همسر خوب را ندارد، ازدواج نکند، این گونه نیست که تا آخر عمر بدون همسر بماند؛ زیرا اگر خانم ها در محیط خانه و اجتماع به وظایف دینی و شخصی خود عمل کنند، با امید به رحمت و فضل الهی، ان شاءاللّه در کار آن ها گشایش حاصل خواهد می شود و نباید با ناامیدی، در حال در باره ی آینده نامعلوم قضاوت کرد.

ازدواج که بنیان گذار کانون پر مهر خانواده است، آن قدر مهم و با ارزش است که حتی در جوامع غیراسلامی و غیردینی نیز اهتمام ویژه ای نسبت به آن دارند.

در قرآن کریم نیز از آن به عنوان آیه و نشانهٔ خدا که باعث آرامش و سکونت انسان می گردد، یاد شده است و این نیاز طبیعی همهٔ انسان هاست.

ازدواج امری فطری، خدادادی و طبیعی است که سلامت «جسم و روح» انسان را تأمین می کند و نقش فراوانی در پرورش استعدادهای روحی و فکری

ص:۱۹۰

و جسـمی انسـان برعهـده دارد و باعث تکامل انسان می گردد. شـهید مطهری در این راسـتا می گویـد: انسان بـدون ازدواج به مرحله تکامل نمی رسد، اگر چه مراحل علمی و معنوی بالایی را گذرانده باشد.

هر شخصـی که بخواهـد ازدواج موفقی داشـته باشـد، بایـد ویژگی های همسـر مناسب را بدانـد و طبق آن ویژگی ها «انتخاب» کند.

## ویژگی های همسر مناسب

با توجه به روایات و سـخن بزرگان، ویژگی هایی گوناگون برای همسر شایسته بیان شده که برای رعایت اختصار برخی از آن ها را بر می شماریم:

برخی برای انتخاب همسـر شایسـته چهار ویژگی اساسـی و چهار ویژگی که شـرط کمال است را نامبرده انـد که «ویژگی های اساسی» عبارت اند از:

الف: تدیّن و تعهد

در روایت می خوانیم: «علیك بـذوات الـدین» (۱) بـا انسان متـدین ازدواج کنیـد. اعتقاد به خـدا و دین باوری نگاه انسان را به هستی و خوشـبختی تغییر می دهـد، و ارزش های واقعی را می فهمانـد و در فراوانی نعمت روحیهٔ شـکر و انفاق به دیگران، در سختی و مشکلات زندگی، به جای کج خُلقی و بدبینی، امید و تلاش را سرلوحهٔ زندگی قرار می دهد.

ص:۱۹۱

---

۱- (۱) . وسایل الشیعه، جلد ۱۴، ص ۱۲۰.

«دین» انسان را مسئولیت پذیر می کند و استقلال شخصیت و روی پای خود ایستادن را به انسان هدیه می دهد؛ همان چیزی که زن ها از مردشان انتظار دارند، و رهایی از تنبلی و انجام ندادن کارهای لغو و دوری از گناه که بنیان خانواده را سست می کند، از دیگر نتایج ایمان می باشد. خلاصه در «سایه دین» است که انسان «طعم خوشبختی» را می چشد.

ب- اخلاق نیک

از امام باقر(علیه السلام) نقل شده که فرمود:

«اذا جاءکم من ترضون خُلقه و دینه فزوجوه؛ (۱)اگر کسی که برای خواستگاری شما آمد از اخلاق و دین داری او راضی هستید، پس با او ازدواج کنید.»

ج- شرافت خانوادگی و اصالت داشتن

این ویژگی به این معنا نیست که شهرت یا ثروت و یا موقعیت اجتماعی بالا داشته باشند، بلکه با نجابت بزرگوار باشند و به کارهای باطل و حرام شهرت نداشته باشند.

د- عاقل باشد و احمق و نادان نباشد

فرق است بین «عاقل» و «عالم و با سواد»، زیرا چه بسا افرادی که سواد زیادی ندارند، ولی تدبیر و عقل معاش و عقل معاد خوبی دارند.

ص:۱۹۲

---

۱- (۱) . کافی، ج ۵، ص ۲۴۷.

## شرایط چهارگانه کمال در همسر

الف - سلامت جسمی و روحی

اگر شخص بیماری خاصی دارد، از چگونگی آن پیش از عقد با خبر شود و با آگاهی کافی ازدواج کند.

ب- زیبایی

از نظر ظاهری حداقل زیبایی را داشته باشد؛ البته کمال زیبایی یک «امتیاز» است و «شرطی» که مانع ازدواج باشد نیست. برخی افراد به هنگام انتخاب همسر فقط زیبایی های معنوی همسر خود را مد نظر دارند و نسبت به زیبایی های ظاهری بی توجهی می کنند و مهم نمی دانند و از سوی دیگر، برخی افراد نیز به خاطر انتخاب همسر زیبا بقیهٔ ویژگی های همسر مناسب را فدا می کنند و به صِرفِ داشتن زیبایی ظاهر بسنده می نمایند. این دو گروه «افراط» و «تفریط» می کنند، و بدیهی است که در طول زندگی با مشکل روبه رو می شوند؛ از این رو، پیشنهاد می شود در این زمینه معتدل و میانه رو باشند.

ج- علم

«آگاهی»، درک انسان را نسبت به زندگی بالا- می برد، البته ضرورت آن تا حد معمول است و اصرار بر مدارج بالا برای تشکیل زندگی نیاز نیست.

ص:۱۹۳

د- هم شأنی

کُفو بودن و هم شأنی در مسائل مختلف مثل ایمان، توانایی های فکری و فرهنگی، مسائل جسمی، زیبایی و در امور مالی، اقتصادی و سیاسی و... مطلوب است.

نکات:

در پایان بیان چند نکته ضروری به نظر می رسد:

اول این که پیدا شدن شخصی؛ با همهٔ این اوصاف امری است دور از دسترس. بلکه گاهی افراد ممکن است مثلاً اعتقاد به نماز و روزه داشته باشند، ولی برای مثال اهل گوش دادن به نوار ترانه نیز باشند، و این کار از روی اعتقاد آن ها نباشد، بلکه از روی تقلید از دوستان و جمع باشد و در خلوت همراه با ترس انجام می دهند. این گونه افراد با افرادی که به مسائل دینی پایبند نیستند، فرق دارند؛ از این رو، در برخورد با هر گروه باید برخود مناسب داشت.

دوم این که این سوال مطرح می شود که خود خانم تا چه حد مقید است؟ و از طرفی آیا آن توانایی را دارد که در همسر خود تحول و تغییر ایجاد کند؟

سوم اینکه شاید هم اکنون ازدواج نکردن قابل تحمل باشد، ولی در آینده که شرایط تغییر می کند و سن شخص بالا می رود، تحمل او نیز کم می شود و یا مثلاً با فقدان پدر رو به رو می شود که در آن وقت تحمل آن شرایط غیرممکن است.

ص:۱۹۴

یادآوری:

انسان در باره مسئله مهم ازدواج نیازمند مطالعه و مشاورۀ حضوری یا غیرحضوری با کارشناسان و روان شناسان متخصص و متعهد است.

معرفی چند کتاب پیرامون ازدواج در اسلام:

۱. جوانان و انتخاب همسر، آیهٔ اللّه حسین مظاهری

۲. ازدواج مکتب انسان سازی، شهید پاک نژاد

۳. انتخاب همسر، آیت اللّه ابراهیم امینی

۴. اسلام و ازدواج، آیت اللّه مشکینی

ص:۱۹۵

پرسش:

**آیا می توان با ارتباط تلفنی دختر یا پسری را ارشاد کرد؟**

پاسخ:

چنانچه خوف مفسده نباشد با رعایت کامل موازین شرعی مانعی ندارد.

استفتاء از آیت اللَّه العظمی فاضل لنکرانی - حفظه اللَّه.

* * *

پرسش:

**اگر دختری برای انسان مزاحمت ایجاد کند، می تواند برای دور کردن آن از خویش با او صحبت کند؟**

پاسخ:

چنانچه موجب تهییج و مفسده نباشد، به مقدار ضرورت برای رفع مزاحمت مانعی ندارد و در غیر این صورت جایز نیست.

استفتاء از: آیت اللَّه العظمی فاضل لنکرانی - حفظه اللَّه.

* * *

ص:۱۹۶

پرسش:

**آیا آرایش زنانه برای مردان اشـکال دارد؟ توضیح این که برخی از جوانان مبادرت به برداشتن زیر ابرو، بند انداختن و... می نمایند، لطفاً حکم و فلسفه آن را مرقوم بفرمایید.**

پاسخ:

اگر موجب ترویج فرهنگ دشمنان اسلام و یا مستلزم مفسده و یا تشبّه به زن باشد، جایز نیست.

استفتاء از دفتر آیت اللّٰه العظمی خامنه ای - دامت برکاته.

* * *

پرسش:

**حکم نامه نگاری بین دختر و پسر نامحرم چیست و آیا ارتباط تلفنی جایز است ؟**

پاسخ:

جایز نیست.

استفتاء از: آیت اللّٰه العظمی فاضل لنکرانی - حفظه اللّٰه.

* * *

ص:۱۹۷

پرسش:

## شیوه اجرای عقد ازدواج و شرایط آن چگونه است ؟

پاسخ:

الف - شیوه اجرای عقد ازدواج موقت و شرایط آن:

این مطلب در مبحث ازدواج موقت توضیح داده شد.

ب - شیوه اجرای عقد ازدواج دائم و شرایط آن:

در این مورد دستور و شرایط و مسائل عیناً از رساله مراجع تقلید (۱) نقل می شود:

## احکام ازدواج در رساله مراجع چیست ؟

پاسخ:

احکام نکاح یا ازدواج و زناشویی (۲)

ب-واسطهٔ عقد ازدواج، (۳) زن به م-----رد (۴) ح----لال می شود و آن بر دو قسم



---

۱- (۱) . رساله مراجع، چاپ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸. تذکر: متن رساله فتوای حضرت امام خمینی(ره) و حواشی از مراجع تقلید عصر حاضر است

۲- (۲) . تمام این پاسخ از کتاب توضیح المسائل مراجع (مطابق با فتوای دوازده نفر از مراجع معظم تقلید) از صفحه ۳۷۹ - ۳۸۷ می باشد

۳- (۳) . مکارم: ازدواج از مستحبات است و اگر کسی بترسد که با ترک ازدواج در حرام بیفتد ازدواج بر او واجب است. بواسطهٔ عقد ازدواج..

۴- (۴) . سیستانی: و مرد به زن...

است: دائم و غیردائم. (۱) عقـد دائم آن است که مدت زناشوئی در آن معین نشود (۲) و زنی را که به این قسم عقد می کنند «دائمه» گوینـد. و عقـد غیردائم آن است که مـدت زنـاشویی در آن معین شود، مثلاً زن را به مـدت یک ساعت یا یک روز یا یکماه یا یکسال یا بیشتر عقد نمایند (۳) و زنی را که به این قسم عقد کنند «متعه و صیغه» می نامند.* (۴)

* * *



---

۱- (۱) . خوئی، تبریزی، سیستانی: دائم و غیردائم (ازدواج موقت)..

۲- (۲) . خوئی، سیستانی، تبریزی: و همیشگی باشد..

۳- (۳) . خوئی: ولی بایـد مـدّت ازدواج از مقـدار عمر زن و شوهر زیادتر نباشـد که در این صورت عقـد دائمی خواهد بود... سیستـانی: ولی بایـد مـدت ازدواج از مقـدار عمر زن و شوهر یا یکی از آنها زیادتر نباشد که در این صورت عقد باطل خواهد بود... تبریزی: ولی بنابر احتیاط باید مدّت ازدواج از مقدار عمر زن و شوهر زیادتر نباشد..

۴- (۴) * بهجت: مسأله - عقد نکاح یا ازدواج، عقدی است که بوسیلهٔ آن زن به مرد حلال می شود و آن بر دو قسم است: ۱. عقد دائم: و آن عبارت است از ازدواجی که مدت در آن معین نشود و زنی را که به این صورت عقد می کنند «دائمه» گویند. ۲. عقـد غیردائم: و آن عبـارت است از ازدواجی که مـدت در آن معین شـود و زنی را که به این صـورت عقـد کننـد «متعه» یا «صیغه» می نامند، مثل آن که به مدت یک ساعت یا یک روز یا یک ماه یا بیشتر عقد نمایند.

## احکام عقد

مسأله ۲۳۶۳ - در زناشویی - چه دائم و چه غیردائم - باید صیغه خوانده شود و تنها راضی بودن زن و مرد (۱) کافی نیست و صیغهٔ عقد را یا خود زن و مرد می خوانند، یا دیگری را وکیل می کنند که از طرف آنان بخواند.

مسأله ۲۳۶۴ - وکیل لازم نیست مرد باشد، زن هم می تواند برای خواندن صیغهٔ عقد از طرف دیگری وکیل شود.* (۲)*

* * *

مسأله ۲۳۶۵ - زن و مرد تا یقین (۳) نکنند که وکیل آنها صیغه را خوانده است، نمی توانند به یکدیگر نگاه محرمانه نمایند (۴) و گمان به این که وکیل صیغه را خوانده است کفایت نمی کند (۵) ولی اگر وکیل بگوید صیغه را خوانده ام کافی است.

این مسأله، در رسالهٔ آیت الله بهجت نیست

* * *



---

۱- (۱) . سیستانی: و همچنین نوشتن..

۲- (۲) ** مکارم: مسأله - وکالت مرد از طرف زن، یا زن از طرف مرد، برای خواندن صیغه مانعی ندارد

۳- (۳) . سیستانی: تا اطمینان ..

۴- (۴) . مکارم: ولی اگر وکیلی مورد اعتماد باشد و بگوید خوانده ام کافی است. فاضل: نمی توانند با یکدیگر رفتار محرمانه نمایند..

۵- (۵) . سیستانی: بلکه اگر وکیل بگوید صیغه را خوانده ام ولی اطمینان به گفتهٔ او نباشد، احتیاط واجب آن است که بر آن ترتیب اثر ندهند.

مسأله ۲۳۶۷ - یک نفر می تواند برای خواندن صیغهٔ عقد دائم یا غیردائم از طرف دو نفر (۱) وکیل شود و نیز انسان (۲) می تواند از طرف زن وکیل شود و او را برای خود به طور دائم یا غیردائم عقد کند، (۳) ولی احتیاط مستحب آن است که عقد را دو نفر بخوانند.* (۴)

این مسأله، در رسالهٔ آیت الله بهجت نیست

* * *

## دستور خواندن عقد دائم

مسأله ۲۳۶۸ - اگر صیغهٔ عقد دائم را خود زن و مرد بخوانند و (۵) اول زن بگوید: « زَوَّجْتُکَ نَفْسِی عَلَی الصَّداقِ الْمَعْلُومِ» ی عنی خود را زن تو نمودم به مهری که معین شده، پس از آن بدون فاصله (۶) مرد بگوید: «قَبِلْتُ التَّزْویجَ»



---

۱- (۱) . گلپایگانی، صافی: از طرف زن و مرد..

۲- (۲) . گلپایگانی، صافی: نیز مرد..

۳- (۳) . گلپایگانی، صافی: و همچنین زن می تواند از طرف مرد وکیل شود که خود را به عقد او درآورد..

۴- (۴) * مکارم: مسأله - احتیاط مستحب آن است که یک نفر از سوی دو همسر صیغهٔ عقد نخواند، یعنی دو طرف عقد دو نفر باشند و نیز احتیاط مستحب این است که انسان نمی تواند از طرف زن وکیل شود تا او را برای خود به طور دائم و یا موقت عقد کند

۵- (۵) . سیستانی: و پس از تعیین مقدار مهر..

۶- (۶) . سیستانی: بدون فاصلهٔ قابل توجهی ...

یعنی قبول کردم ازدواج را، عقد صحیح است (۱) و اگر دیگری را وکیل کنند که از طرف آنها صیغهٔ عقد را بخواند چنانچه مثلاً ـ اسم مرد «احمد» و اسم زن «فاطمه» باشد و وکیل زن بگوید: « زَوَّجْتُ مُوَکِلَتِی فاطِمَةَ مُوَکِّلَکَ احْمَدَ عَلی الصَّداقِ الْمَعْلُوم»، (۲)پس بدون فاصله (۳) وکیل مرد بگوید: « قَبِلْتُ لِمُوَکِّلی احْمَدَ عَلی الصَّداقِ» (۴)صحیح می باشد. (۵) - * (۶)

* * *

ص:۲۰۲

---

۱- (۱) . سیستانی: و همچنین اگر فقط «قَبِلْتُ» بگوید عقد صحیح است..

۲- (۲) . خوئی، تبریزی، سیستانی: وکیل زن بگوید: زَوَّجْتُ مُوَکِّلَکَ احْمَدَ مُوَکِّلَتِی فاطِمَةَ عَلَی الصَّداقِ الْمَعْلُوم..

۳- (۳) . سیستانی: بدون فاصلهٔ قابل توجهی...

۴- (۴) . خوئی، صافی، تبریزی، سیستانی: قَبِلْتُ التَّزْوِیجَ لِمُوَکِّلِی احْمَدَ عَلَی الصَّداقِ المَعْلُوم..

۵- (۵) . اراکی، خوئی، تبریزی: و بنابر احتیاط واجب باید (گلپایگانی، صافی: و بهتر آن است) لفظی که مرد می گوید با لفظی که زن می گوید مطابق باشد، مثلاً ـ اگر زن «زَوَّجْتُ» می گوید مرد هم «قَبِلْتُ التَّزْوِیج» بگوید. سیستانی: و احتیاط مستحب آن است که لفظی که مرد می گوید با لفظی که زن می گوید مطابق باشد، مثلاً اگر زن «زَوَّجْتُ» می گوید مرد هم «قَبِلْتُ التَّزْوِیج» بگوید نه «قَبِلْتُ النِّکاحَ»

۶- (۶) * مکارم: مسأله - برای خواندن صیغهٔ عقد دائم کافی است که زن بگوید: «زَوَّجْتُکَ نَفْسِی عَلَی الصَّداقِ الْمَعْلُوم» (یعنی: خود را به همسری تو درآوردم به مهری که معین شده) و مرد هم بعد از آن بگوید: «قَبِلْتُ التَّزْوِیجَ» (یعنی قبول کردم این ازدواج را) و اگر دیگری را برای این کار وکیل کنند کافی است که وکیل زن بگوید: «زَوَّجْتُ مُوَکِّلَتِی مُوَکِّلَکَ عَلَی الصِّداقِ الْمَعْلُوم» (موکّلهٔ خودم را به همسری موکل تو با مهر معلوم درآوردم) وکیل مرد نیز بگوید: «قَبِلْتُ لِمُوَکِّلِی هکَذا» (من نیز همینگونه از طرف موکل خودم قبول کردم).

## دستور خواندن عقد غیردائم

مسأله ۲۳۶۹ - اگر خود زن و مرد بخواهند صیغهٔ عقد غیردائم را بخوانند، بعد از آن که مدت و مهر را معین کردند، چنانچه زن بگوید:

«زَوَّجْتُکَ نَفْسِی فِی الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَی الْمَهْرِ الْمَعْلُوم» (۱)بعد بدون فاصله (۲) مرد بگوید: «قَبِلْتُ»، صحیح است. و اگر دیگری را وکیل کنند و اول وکیل زن به وکیل مرد بگوید: «مَتَّعْتُ (۳) مُوَکِّلَتِی مُوَکِّلَکَ (۴) فِی الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَی الْمَهْرِ الْمَعْلُوم» پس بدون فاصله (۵) وکیل مرد بگوید: «قَبِلْتُ (۶) لِمُوَکِّلی هکَذا» صحیح می باشد.



---

۱- (۱) . مکارم: (من خودم را به همسری تو در مدت معین با مهر معین درآوردم) مرد نیز بگوید: «قَبِلتُ» (قبول کردم) یا اینکه وکیل زن بگوید: «مَتَّعْتُ مُوَکَّلِتی مُوَکِّلَکَ فِی المَدّةِ الْمَعْلُومَةَ عَلَی الْمَهْرِ الْمَعْلوم» (موکلهٔ خودم را به ازدواج موکل تو در مدت معین با مهر معین درآوردم)، وکیل مرد نیز بگوید: «قَبِلْتُ لِمُوَکِّلی هکَذا» (قبول کردم برای موکل خودم همینطور)

۲- (۲) . سیستانی: بدون فاصلهٔ قابل توجهی..

۳- (۳) . خوئی، سیستانی: زَوَّجْتُ..

۴- (۴) . ] کلمهٔ «مّوکَلِکِ» در رساله آیت الله تبریزی نیست [

۵- (۵) . سیستانی: بدون فاصلهٔ قابل توجهی..

۶- (۶) . خوئی، سیستانی: قَبِلْتُ التَّزْوِیْجَ...

## شرایط عقد

مسأله ۲۳۷۰ - عقد ازدواج چند شرط دارد:

اول: آن که به عربی صحیح خوانده شود به احتیاط واجب، (۱) و اگر خود مرد و زن نتوانند صیغه را به عربی صحیح بخوانند، به هر لفظی که صیغه را بخوانند صحیح است و لازم هم نیست که وکیل بگیرند، (۲) اما باید لفظی بگویند که معنی «زَوَّجْتُ» و «قَبِلْتُ» را بفهماند.

دوم: مرد و زن یا وکیل آنها که صیغه را می خوانند قصد انشاء داشته باشند یعنی اگر خود مرد و زن صیغه را می خوانند، زن به گفتن «زَوَّجْتُکَ نَفْسِی» قصدش این باشد که خود را زن او قرار دهد و مرد به گفتن «قَبِلْتُ



---

۱- (۱) . ] عبارت «به احتیاط واجب» در رساله آیت الله اراکی نیست [

۲- (۲) . گلپایگانی، صافی: اول: آن که به عربی صحیح خوانده شود و اگر خود مرد و زن نتوانند صیغه را به عربی صحیح بخوانند بهتر بلکه أحوط آن است که کسی را که می تواند به عربی صحیح بخواند وکیل کنند لکن لازم نیست و خودشان هم می توانند به غیرعربی بخوانند... خوئی، تبریزی، فاضل: اول: آن که (خوئی، تبریزی: بنابر احتیاط) به عربی صحیح خوانده شود و اگر خود مرد و زن نتوانند صیغه را به عربی صحیح بخوانند چنانچه ممکن باشد بنابر احتیاط واجب (فاضل، تبریزی: احتیاط واجب آن است) کسی را که می تواند به عربی صحیح بخواند وکیل کنند و اگر ممکن نباشد خودشان می توانند به غیرعربی بخوانند... سیستانی: اول: آن که بنابر احتیاط واجب به عربی خوانده شود و اگر خود مرد و زن نتوانند صیغه را به عربی بخوانند می توانند به غیرعربی بخوانند و لازم نیست وکیل بگیرند...

التَّزْویـجَ» زن بـودن او را برای خـود قبـول نمایـد و اگر وکیـل مرد و زن صـیغه را می خواننـد، بـه گفتـن «زَوَّجْـتُ و قَبِلْتُ» (۱) قصدشان این باشد که مرد و زنی که آنان را وکیل کرده اند، زن و شوهر شوند.

سوم: کسی که صیغه (۲) را می خواند بالغ و عاقل باشد، (۳)

چه برای خودش بخواند یا از طرف دیگری وکیل شده باشد. (۴)

چهارم: اگر وکیل زن و شوهر یا ولی آنها صیغه را می خوانند،

در عقـد، زن و شوهر را معین کننـد مثلاً اسم آنها را ببرند یا به آنها اشاره نمایند. پس کسـی که چند دختر دارد، اگر به مردی بگویـد «زَوَّجْتُـکَ إِحْـدی بَنـاتِی» (یعنی زن تو نمودم یکی از دخـترانم را) و او بگویـد «قَبِلْتُ» یعنی قبول کردم، چون در موقع عقد، دختر را معین نکرده اند عقد باطل است.



---

۱- (۱) . گلپایگانی، صافی: اگر وکیل مرد و وکیل زن صیغه را می خوانند به گفتن «زَوَّجْتُ الخ وَ قَبِلْتُ»..

۲- (۲) . فاضل: صیغه عقد..

۳- (۳) . اراکی: کسی که صیغه را می خواند عاقل باشد... گلپایگانی، صافی: کسی که صیغه را می خواند عاقل و بنابر احتیاط لازم بالغ باشد... خوئی، تبریزی: کسی که صیغه را می خواند بنابر احتیاط، بالغ و عاقل باشد..

۴- (۴) . سیسـتانی: سوم: کسی که صیغه را می خواند باید عاقل باشد، و اگر برای خود می خواند باید بالغ نیز باشد، بلکه بنابر احتیاط عقد کودک نابالغ ممیز برای دیگری کافی نیست، و اگر خواند باید طلاق دهند یا دوباره عقد بخوانند...

پنجم: زن و مرد به ازدواج راضی باشند، (۱)

ولی اگر زن ظاهراً به کراهت اذن دهد و معلوم باشد قلباً راضی است عقد صحیح است.* (۲)

ص:۲۰۶

---

۱- (۱) . سیستانی: ولی اگر ظاهراً کراهت داشته باشند و معلوم باشد قلباً راضی هستند، عقد صحیح است

۲- (۲) * بهجت: مسأله – بنابر أظهر، ترجمهٔ صیغهٔ عقد به فارسی یا زبان دیگر با وجود قدرت بر عربی کافی است، و احتیاط مستحب عربی بودن صیغه است، و برای کسی که آشنا به معنای عربی صیغه نیست و فقط می داند که صیغهٔ عقد، به این لفظ جاری می شود، احتیاط مستحب این است که هم صیغهٔ عربی و هم ترجمه اش را بخواند، و اکتفا کردن او به عربی خالی از تأمل نیست، و اگرنمی توانند صیغهٔ عربی را بخوانند و یا وکیل بگیرند، قطعاً ترجمه کافی است. کسی که صیغهٔ عقد را می خواند، چه برای خود و چه به عنوان وکیل، بنابر احتیاط واجب، باید بالغ و عاقل باشد و در هنگام خواندن صیغه قصد ایجاد عقد نکاح داشته باشد، و اگر در حال مستی صیغه را بخوانند، عقد صحیح نیست. ولیّ یا وکیل زن یا مرد، که صیغهٔ عقد را می خوانند باید زن و شوهر را به قصد و لفظ معین کنند و در صورتی که زن یا شوهر به لفظ یا قصد معین نشود، چه از روی غفلت باشد یا با قصد خلاف، عقد باطل است. مکارم: مسأله – عقد ازدواج شرایطی دارد از جمله: ۱. احتیاط آن است که صیغهٔ آن به عربی صحیح خوانده شود، ولی در صورتی که مرد و زن نتوانند صیغه را به عربی بخوانند می توانند به زبان خود بخوانند و گرفتن وکیل برای خواندن صیغه به زبان عربی واجب نیست، ولی باید لفظی بگویند که معنی همان صیغهٔ عربی را بفهماند. ۲. کسی که صیغه را می خواند باید قصد انشاء داشته باشد یعنی قصدشان این باشد که با گفتن این الفاظ همسری در میان آن دو برقرار گردد، زن خود را همسر مرد قرار دهد و مرد این معنی را قبول کند، وکیل نیز باید چنین قصدی را داشته باشد. ۳. کسی که صیغهٔ عقد را می خواند باید عاقل و احتیاطاً بالغ باشد هر چند از طرف دیگری وکیل باشد. ۴. ولیّ یا وکیل در اجرای صیغهٔ عقد باید زن و شوهر را معین کند، بنابراین اگر کسی چند دختر دارد نمی تواند به مردی بگوید: «زَوَّجْتُکَ احدی بَناتی» (یکی از دخترانم را به همسری تو درآوردم). ۵. زن و مرد باید از روی اختیار به ازدواج راضی باشند ولی اگر یکی از آن دو ظاهراً با کراهت اجازه می دهد، اما می دانیم قلباً راضی است عقد صحیح است. ۶. صیغهٔ عقد باید صحیح خوانده شود و اگر طوری غلط بخوانند که معنی آن را عوض کند عقد باطل است اما اگر معنی عوض نشود اشکالی ندارد.

مسألهٔ ۲۳۷۶ - دختری که به حد بلوغ رسیده و رشیده است، یعنی مصلحت خود را تشخیص می دهد، اگر بخواهد شوهر کند، چنانچه باکره باشد، (۱) باید (۲) از پدر یا جد پدری خود اجازه بگیرد (۳) و اجازهٔ مادر و برادر لازم نیست. (۴)



---

۱- (۱) . سیستانی: و متصدی امور زندگانی خویش نباشد..

۲- (۲) . خوئی، اراکی، فاضل، صافی: بنابر احتیاط واجب باید... گلپایگانی: بنابر احتیاط باید... بهجت: بنابر احتیاط تکلیفاً..

۳- (۳) . بهجت: ولی در غیر باکره در صورتی که بکارتش به سبب شوهر کردن از بین رفته باشد، اجازه پدر و جد پدری لازم نیست. ] پایان مسأله [ سیستانی: بلکه بنابر احتیاط واجب اگر خود متصدی امور زندگانی خویش باشد نیز باید اجازه بگیرد..

۴- (۴) . تبریزی: و پدر نیز می تواند با رعایت مصلحت دختر او را شوهر دهد. مکارم: احتیاط آن است که با اجازهٔ پدر یا جد پدری ازدواج نماید ولی اگر همسر مناسبی برای دختر پیدا شود و پدر مخالفت کند اجازهٔ او شرط نیست. ] پایان مسأله [

## فهرست منابع دو جلد


۱. قرآن کریم.

۲. نهج البلاغه.

۳. االاشارات و التنبیهات، ابوعلی سینا، مع شرح خواجه نصیرالدین طوسی، التحقیق: سلیمان دنیا، موسسهٔ النعمان بیروت، ۱۴۱۳ ق.

۴. اخلاق جنسی، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، چاپ شانزدهم، تیر ۱۳۸۱.

۵. اذن و آثار حقوقی آن، علیرضا فخیم زاده، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۷۷.

۶. استفتاء، دفتر آیت الله تبریزی

۷. استفتاء، دفتر آیت الله خامنه ای

۸. استفتاء، دفتر آیت الله سیستانی

۹. استفتاء، دفتر آیت الله فاضل لنکرانی

۱۰. استفتائات، امام خمینی(ره)

۱۱.


ص:۲۰۸

امالی، شیخ صدوق، المکتبهٔ الاسلامیهٔ، قم، الطبعهٔ الرابعهٔ المصححهٔ، ۱۴۰۴ ق.

۱۲. انتخاب همسر و ازدواج، سید مهدی شمس الدین، شفق، چاپ اول، قم، ۱۳۷۵ ش.

۱۳. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، شهید دکتر سید رضا پاک نژاد، ۱۳۵۰ ش، انتشارات کتابفروشی اسلامی.

۱۴. آیه های زندگی، حسین اسکندری، انتشارات سروش صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۱۵. بحارالانوار، علامه محمدباقر مجلسی، موسسهٔ الوفاء، بیروت، الطبعهٔ الرابعه، ۱۴۰۴ ق.

۱۶. البرهان فی تفسیر القرآن، البحرانی، سید هاشم الحسینی، دار الکتب العلمیهٔ، قم، ۱۳۳۴ ش، پنج جلدی.

۱۷. پرسش ها و پاسخ ها، رساله دانشجویی مطابق با نظر ده تن از مراجع عظام، سید مجتبی حسینی، انتشارات دفتر نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۸۴

۱۸. تاج العروس من جواهر القاموس، محمدمرتضی الزبیدی، مکتبهٔ الحیاهٔ، بیروت، بی تا.

۱۹. تاریخ الجاهلیهٔ، عمر فروخ

.۲۰

ص:۲۰۹

تحریر الوسیله، روح الله الموسوی خمینی، دار الکتب الاسلامیهٔ، قم، دو جلد، ۱۳۹۰ ق.

.۲۱

تحف العقول، الحسن بن شبعه الحرانی، موسسهٔ النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق.

۲۲. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، وزارت ارشاد جمهوری اسلامی ایران، الطبعهٔ الاولی، ۱۳۷۱ ش.

۲۳. تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران، دکتر علی اصغر احمدی.

۲۴. ترجمه نهج البلاغهٔ، ناصر مکارم شیرازی، مطبوعاتی هدف، قم، چاپ نهم، ۱۳۷۲.

۲۵. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم بن هاشم القمی، موسسه دارالکتاب، قم، ۱۴۰۴ ق.

۲۶. تفسیر روح المعانی، فی تفسیر القرآن العظیم و السبع، ابوالفضل شهاب الدین انسیه محمود الالوسی، ۳۰جلد.

۲۷. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، فخرالدین رازی، بیروت، دارالکتب العلمیهٔ، ۱۴۱۱ ق، ۳۲ جلدی.

۲۸. تفسیر نمونه، آیت الله ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۷۳ ش، دار الکتب الاسلامیهٔ، تهران چاپ بیست و ششم (۲۷ ج).

۲۹.

ص:۲۱۱

تفسیر نور، محسن قرائتی، انتشارات در راه حق، قم، ۱۳۷۴ ش.

۳۰. تهذیب الاحکام فی شرح المقنعهٔ، شیخ طوسی، حققه و علق علیه، سید حسن موسوی الخرسان، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ ق.

۳۱. توضیح المسائل، آیت الله بهجت

۳۲. توضیح المسائل، آیت الله نوری همدانی

۳۳. توضیح المسائل، آیت الله وحید خراسانی

۳۴. توضیح المسایل مراجع، جامعه مدرسین

۳۵. توضیح المسایل، آیت الله ناصر مکارم شیرازی

۳۶. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، مکتبهٔ الحیدریهٔ، نجف، ۱۳۸۵ ق.

۳۷. جاذبه و دافعه امام علی(علیه السلام)، شهید مطهری، انتشارات صدرا، تهران، چاپ سی و سوم، ۱۳۷۹ ش.

۳۸. جواهر الکلام، الشیخ محمدحسن النجفی، التحقیق: عباس القوچانی، دارالکتب الاسلامیهٔ، آخوندی، الطبعهٔ الثالثه، ۱۳۶۷ ش.

۳۹. حکمت الهی عام و خاص، مهدی الهی قمشه ای، چ ۳.

۴۰. الحکمهٔ المتعالیهٔ فی الاسفار الاربعهٔ، صدرالدین محمد شیرازی (ملاصدرا)، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، الرابعه، ۱۴۱۰ ق.

۴۱.

ص:۲۱۲

الخلاف، شیخ طوسی، التحقیق: سیدعلی الخراسانی، سید جواد شهرستانی، محمد مهدی نجف، موسسهٔ النشر الاسلامی، قم، الاولی، ۱۴۱۷ ق.

۴۲. دعائم الاسلام، نعمان بن محمد بن منصور بن احمد بن حیون التمیمی المغزی، التحقیق: آصف بن علی اصغر فیضی، دارالمعارف، ۱۳۸۳ ش.

۴۳. دیوان حافظ، شمس الدین محمد حافظ شیرازی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶ ش.

۴۴. روان شناسی عشق ورزیدن، اینیاس لپ، ترجمه کاظم سامی و محمود ریاحی، انتشارات چاپ پخش.

۴۵. روزنامه کیهان، ش ۱۳۸۹۵، ۱۰ آذر ۸۴

۴۶. زن در آیینه جلال و جمال، عبداللّٰه جوادی آملی، نشر دارالهدی، چاپ ششم، تابستان ۱۳۸۰، بی جا.

۴۷. سیری در مسائل خانواده، حبیب اللّٰه طاهری، چاپ و نشر سازمان تبلیغات، چاپ اول، بهمن ۱۳۷۰، بی جا.

۴۸. شخصیت زن از دیدگاه قرآن، هادی دوست محمدی، چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات، چاپ اول، بهار ۱۳۸۰، بی جا.

۴۹.

ص:۲۱۳

شرح لمعه، (الروضـۀ البهیۀ فی اللمعۀ الدمشـقیۀ)، شـهید ثانی (زین الدین الجبعی العاملی)، انتشارات داوری، قم، الاولی، ۱۴۱۰ ق.

۵۰. شرح نهج البلاغۀ، عبدالحمید بن هبه اللّه، ابن ابی الحدید، تهران، انتشارات کتاب آوند دانش، ۱۳۷۹ ش.

۵۱.

ص:۲۱۴

الصافی، محمد محسن فیض کاشانی، ۱۴۰۲ ق، مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، بیروت، الطبعهٔ الثانیهٔ، ۵ جلدی.

۵۲. صحاح تاج اللغهٔ و صحاح العربیهٔ، اسماعیل بن حماد الجوهری، التحقیق: احمد بن عبدالغفار عطار، دارالعلم الملایین بیروت، الرابعهٔ، ۱۴۰۷ ق.

۵۳. صحیفه سجادیه، امام سید الساجدین و زین العابدین علی بن الحسین(علیه السلام)، نشر الهادی، قم، ۱۳۷۶ ش.

۵۴. طب در قرآن، دکتر دیاب و دکتر قرقوز، ترجمه علی چراغی، تهران، انتشارات حفظی، بی تا.

۵۵. العروهٔ الوثقی، سید محمدکاظم طباطبائی یزدی، التحقیق و النشر موسسهٔ النشر الاسلامی، التابعهٔ لجماعهٔ المدرسین، قم، الاولی، ۱۴۲۰ ق.

۵۶. علل الشرایع، شیخ صدوق ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، مکتبهٔ الداوری قم، ۱۳۸۶ ق.

۵۷.

علل گرایش به مادی گری، مطهری، شهید مرتضی، انتشارات صدرا، تهران، قم، ۱۳۷۲ ش (جلد اول مجموعه آثار).

۵۸. عوالم العلوم، بحرانی، الشیخ عبدالله، التحقیق والنشر: مدرسهٔ الامام المهدی(علیه السلام)، الطبعهٔ الاولی، ۱۴۰۷ ق.

۵۹.

عیون اخبار الرضا(علیه السلام)، الشیخ الصدوق، دارالعالم للنشر (جهان)، ۱۳۷۸ ق.

۶۰. الغدیر فی الکتاب و السنهٔ و الادب، عبدالحسین احمد الامینی النجفی، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۸۷ ق، ۱۱ جلدی.

۶۱. غررالحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد التمیمی آمدی (گردآورنده)، مکتبهٔ الاعلام الاسلامی، قم، ۱۳۶۶ ش.

۶۲. فرهنگ جامع سخنان امام حسین(علیه السلام)، گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم(علیه السلام)، ترجمه: علی مویدی، نشر معروف، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش.

۶۳. فرهنگ سخن (بزرگ)، حسن انوری، انتشارات سخن، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.

۶۴. فرهنگ فارسی، محمد معین، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۷۱ ش.

۶۵.

ص:۲۱۷

فقه الرضا(علیه السلام)، علی بن بابویه، التحقیق: موسسهٔ آل البیت(علیه السلام)، الناشر: المؤتمر العالمی للامام الرضا(علیه السلام)، الطبعهٔ الاولی، ۱۴۰۶ ق.

۶۶. فهرست موضوعی تفسیر نمونه، احمد علی بابائی و رضا محمدی، زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی، مدرسه الامام امیرالمومنین(علیه السلام)، قم، ینجم، ۱۳۷۰ ش.

.۶۷

ص:۲۱۸

قرآن در آئینه اندیشه ها، جمعی از نویسندگان سازمان تبلیغات اسلامی، نشر سازمان تبلیغات، تهران، آذر ۱۳۶۴.

۶۸. قواعد، الاحکام علامه حلی، التحقیق والنشر: موسسهٔ النشر الاسلامی، قم، الاولی، ۱۴۱۳ ق.

۶۹. کافی، کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، بی جا، چ سوم، ۱۳۸۸ ق.

۷۰. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود بن عمر الزمخشری، بیروت، ادب الحوزه، دارالمعرفهٔ، دارالکتب، ۱۴۰۰ ق.

۷۱. کشف الاسرار و عدهٔ الابرار، رشید الدین المیبدی، (معروف به تفسیر خواجه عبداللّٰه انصاری).

۷۲. کیمیای محبت، لاله ای از ملکوت

۷۳. لسان العرب، ابن منظور، نشر ادب الحوزهٔ، الاولی، ۱۴۰۵ ق.

۷۴.

ص:۲۱۹

اللمعهٔ الدمشقیه، محمد بن جمال الدین مکی العاملی (شهید اول)، التحقیق: علی کورانی، دارالفکر، الاولی، ۱۴۱۱ ش.

۷۵. ماهنامه اصلاح و تربیت، ش ۲۹.

۷۶. ماهنامه معارف، شمارهٔ ۳۶، خرداد و تیر ۱۳۸۵ ش.

۷۷. مبانی فلسفهٔ عشق از منظر ابن سینا و ملاصدرا، مؤسسه بوستان کتاب، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۷۸.

ص:۲۲۰

مبسوط فی فقه الامامیهٔ، شیخ طوسی، صححه و علق علیه:

سید محمدتقی الکشفی، المکتبهٔ المرتضویهٔ لاحیاء الآثار الجعفریهٔ، ۱۳۸۷ ق.

۷۹. مثنوی معنوی، (مثنوی معنوی براساس نسخه نیکلسون) جلال الدین محمد بن محمد مولوی، راستین، جانبی ۱۳۷۵.

۸۰. مجله زن روز، ش ۹۸۵

۸۱. مجله کتاب زن، ش ۲۶، زمستان ۸۳

۸۲. مجله کتاب زنان، ش ۲۴، سال ۱۳۸۳.

۸۳. مجله معرفت، ش ۸۷

۸۴. مجله معرفت، ش ۹۷، سال چهارم.

۸۵. مجمع البحرین، فخرالدین طریحی، التحقیق: السید احمد الحسینی، مکتب نشر الثقافهٔ الاسلامیهٔ، الثانیهٔ، ۱۴۰۸ ق.

۸۶.

ص:۲۲۱

مجمع البیان، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، الطبعة الاولی، ۱۴۱۵ ق.

۸۷. مجموعه مباحثی از مدیریت در اسـلام، دکتر ولی اللّٰه نقی پور، مرکز مطالعات و تحقیقات مدیریت اسـلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۸۸. مساله حجاب، شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران، چاپ پنجاه و دوم، ۱۳۷۹ ش.

۸۹.

مستدرک وسایل الشیعه و مستنبط المسائل، محدث نوری طبرسی، التحقیق و النشر: موسسهٔ آل البیت(علیه السلام) لاحیاء التراث الاولی، ۱۴۰۸ ق.

۹۰. مسند احمد، احمد بن حنبل، دار صادر، بیروت، بی تا.

۹۱. مصباح المنیر، فیومی، دارالهجرهٔ، قم، ۱۴۰۵ ق.

۹۲. معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام، حسن صادقی، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۹۳. مفاتیح الجنان، محدث قمی (شیخ عباس قمی)، انتشارات قدیانی، تهران.

۹۴. المفردات فی غریب القرآن، الراغب الاصفهانی، تهران، المکتبهٔ المرتضویهٔ، ۱۳۳۲ ش.

۹۵.

ص:۲۲۳

مقـائیس اللغـۀ، ابوالحسـین احمـد بن فـارس بن زکریـا، تحقیق و ضـبط: عبدالسـلام محمـد هـارون، مرکز النشـر مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.

۹۶. المقنعۀ، شیخ مفید، التحقیق والنشر: موسسۀ النشر الاسلامی التابعۀ لجماعۀ المدرسین، قم، الثانیۀ، ۱۴۱۰ ق.

۹۷. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، التحقیق: علی اکبر غفاری، جامعۀ المدرسین، الثانیۀ، ۱۴۰۴ ق.

۹۸. منزلت زن در اندیشه اسـلامی، محمد فنائی اشـکوری، مؤسـسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره)، چاپ اول، بهار ۱۳۷۷، قم.

۹۹.

منهاج الصالحین، آیت الله سید علی سیستانی، النشر: مکتب آیت الله العظمی سید علی الحسینی السیستانی، قم، الاولی، ۱۴۱۶ ق.

۱۰۰. میزان الحکمهٔ، محمد محمدی ری شهری، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۶۷ ش.

۱۰۱. المیزان فی تفسیر القرآن، سیدمحمد حسین طباطبائی، قم، مؤسسه ی مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۹۳ ق، ۲۰ جلدی.

۱۰۲. نظام حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری، صدرا، چاپ سیزدهم، زمستان ۱۳۶۸، قم.

.۱۰۳

ص:۲۲۵

نگرشی نو بر ازدواج موقت، سید محمدحسین سجاد، چاپ اول، قم، ۱۳۷۵.

۱۰۴. النهایهٔ فی غریب الحدیث، ابن اثیر، التحقیق: طاهر احمد الزاوی، محمود محمد الطناحی، موسسهٔ اسماعیلیان، قم، الرابعهٔ، ۱۳۶۴ ش.

۱۰۵. نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، نوبت چهاردهم، ۱۳۷۸ ش.

۱۰۶. نورالثقلین، عبدعلی بن جمعه حویزی عروسی، قم، المطبعهٔ العلمیه، الطبعهٔ الثانیهٔ، ۱۳۸۳ ق، پنج جلدی.

۱۰۷. ورزش و تربیت بدنی در جمهوری اسلامی، اداره کل تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۰.

۱۰۸. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعهٔ، محمد بن الحسن حرّ عاملی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۱ ق.

۱۰۹. سیستانی sistani.org اینترنت، دفتر

۱۱۰. تبریزی tabrizi.org اینترنت، دفتر

و نیز از منابع زیر استفاده شده است:

۱. آنچه یک جوان باید بداند، رضا فرهادیان

۲. انس التائبین، امام محمد غزالی.

۳.

اوصاف الاشراف، خواجه نصیرالدین طوسی،

۴. بررسی فقهی حقوق خانواده، سید مصطفی محقق داماد

۵. تعلیقات علی العروة، آیت الله مکارم شیرازی

۶. تفسیر بیضاوی، قاضی بیضاوی

۷. جامع المسایل، فاضل لنکرانی

۸. جامعه شناسی خانواده و ازدواج، اندره میشل، ترجمه فرنگیس اردلان

۹. جامعه شناسی، آنتونی گیدنز

۱۰. جاهلیت و اسلام، یحیی نوری

۱۱. جمعیت و تنظیم خانواده، حلم سرشت، پرپوش و دل پیشه، اسماعیل

۱۲. جمعیت و تنظیم خانواده، صمد کلانتری

۱۳. خانواده در گذشته و حال، اندره میشل

۱۴. درآمدی بر اندیشه ها و نظریه های جمعیت شناسی، احمد کتابی

۱۵. رساله نوین امام خمینی

۱۶. رفتارهای جنسی انسان، علی اسلامی نسب

۱۷. فرهنگ علوم عقلی، سید جعفر سجادی

۱۸. فرهنگ مهرورزی، حسین انصاریان

۱۹. فمینیسم جهانی و چالش های پیش رو، عبدالرسول هاجری

۲۰. منهاج الصالحین، آیت الله تبریزی

۲۱.

ص:۲۲۷

منهاج الصالحین، آیت الله وحید خراسانی

۲۲. نظام بین الملل حقوق بشر، حسین مهرپور

۲۳. نقد کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، خانم علاسوند

۲۴. هنر عشق ورزیدن، اریک فروم

۲۵. یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، جمعی از فضلای حوزه علمیه قم.

۲۶. انگیزش و شخصیت؛ ۲۷. آیین بهزیستی اسلام؛ ۲۸. بررسی تاریخ منزلت زن از دیدگاه اسلام؛ ۲۹. التعریفات، فرهنگ معارف اسلامی؛ ۳۰. جنگ علیه زنان؛ ۳۱. زنان، جنون و پزشکی؛ ۳۲. سیمای زن در جهان آمریکا؛ ۳۳. فرهنگ فارسی عمید.

ص:۲۲۸

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹